

واژه‌نامهٔ توصیفی
خاتم‌سازی

تحتیق

نسرین طباطبائی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

واژه‌نامهٔ توصیفی

خاتم‌سازی

تحقیق:
نسرین طباطبائی

با همکاری
شیرین محمدلوی عباسی و محمدهادی گلریز خاتمی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۸۲

طباطبایی، نسرین، ۱۳۲۹ -

واژه‌نامه توصیفی خاتم‌سازی / تحقیق نسرین طباطبایی با همکاری شیرین
محمملوی عباسی و محمدهادی گلریز خاتمی. - تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.

۱۳۲، ۱۵ ص. مصور. - (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: ۸)
ISBN 964-426-192-5 ریال: ۱۲۰۰۰

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. خاتم‌سازی - واژه‌نامه‌ها. ۲. خاتم‌سازی - اصطلاحها و تعبيرها. الف. گلریز
خاتمی، محمدهادی. ب. محمملوی عباسی، شیرین. ج. پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی. د. عنوان.

۷۲۵/۵۱

۲ و ط / NK۹۹۲۰

۸۱-۴۶۵۱۰ م

کتابخانه ملی ایران



واژه‌نامه توصیفی خاتم‌سازی

تحقیق: نسرین طباطبایی

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: رحمت‌الله رحمت‌پور

ویراستار: مهران کندری

چاپ اول: ۱۳۸۲

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

ناظر چاپ: سید ابراهیم سیدعلی

عکاس: محمدتقی آرمندئی

چاپ و صحافی: چاپ فرشپوه

ردیف انتشار: ۸-۸۲

طرح‌ها از: هنر خاتم‌سازی در ایران، اثر دلشاد طهوری، انتشارات سروش، ۱۳۶۵.

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 964. 426. 192. 5

شابک ۹۶۴-۴۲۶-۱۹۲-۵

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۲-۸۰۴۶۸۹۱، فاکس: ۸۰۲۶۳۱۷

درآمد

پیشه‌ها و هنرهای سنتی ایران واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیباتی خاص خود دارند و اینها بخشی از واژگان زبان فارسی را تشکیل می‌دهند که خود بازتابی از فرهنگ ایران است. با این همه، تاکنون در زمینه گردآوری این واژه‌ها و تدوین واژه‌نامه‌های تخصصی برای هنرها و پیشه‌های سنتی، به استثنای قالیبافی، پژوهشی گسترده، درخور توجه و منظم انجام نگرفته و آنچه صورت پذیرفته، اندک است و غالباً به صورت مقاله‌هایی پراکنده در نشریات مختلف منتشر شده است. برخی از اصطلاحات خاص رشته‌های گوناگون به واژگان عمومی راه یافته‌اند و مردم کم و بیش با آنها آشنا هستند، اما بخش اعظم این واژه‌ها را کسی جز اهل فن نمی‌داند و آشنایی با آنها فقط با واردشدن به هر رشته و پژوهش میدانی در آن ممکن است.

تحولاتی که در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و صنعتی جامعه ما پدید آمده به بسیاری از این حرفه‌ها نقش حاشیه‌ای داده یا به طور کلی آنها را منسوخ کرده است. امروزه بسیاری از کارهایی که پیش از این با دست انجام می‌گرفت، به عهده ماشین گذاشته شده است و برخی از مشاغل به سبب آن که در شرایط کنونی، دیگر مورد استفاده‌ای ندارند و یا مورد استفاده آنها محدود شده است، منسوخ گردیده‌اند یا در شرف زوال‌اند. بدیهی است که در چنین شرایطی برخی از واژه‌ها و اصطلاحات اصیل زبان فارسی به تدریج کاربرد خود را از دست خواهند داد و به بوته فراموشی سپرده خواهند شد و بیم آن می‌رود که این قبیل واژه‌ها بی‌آنکه در جایی ثبت و ضبط گردند از واژگان زبان فارسی خارج شوند. هرچند تاکنون فرصت‌های زیادی از دست رفته است، برای جبران مافات هنوز چندان دیر نیست و لازم است که برای گردآوری و تدوین آنچه باقی مانده، اقدامی صورت پذیرد.

تدوین واژه‌نامه‌های توصیفی برای هنرها و پیشه‌های سنتی طرحی برای گردآوری و معرفی این واژه‌های کم‌شناخته است، واژه‌هایی که به رغم مهاجرتی بخشی از واژگان زبان فارسی، گرانبهاترین میراث فرهنگی ما را تشکیل می‌دهند و از این رو باید در حفظ آنها کوشید. علاوه بر آن، شاید بتوان به این قبیل واژه‌ها بار معنایی تازه‌ای داد و در کار معادل‌یابی برای واژه‌های بیگانه از آنها بهره جست و واژگان علمی و صنعتی زبان فارسی را غنا بخشید.

در پژوهش‌های فرهنگ‌نگاشتی معمولاً از کارهایی که قبلاً انجام گرفته است، استفاده می‌شود، اما به علت نبود یا کمبود منابع مکتوب، اکثریت قریب به اتفاق واژه‌ها و اصطلاحات گردآوری شده در مجموعه واژه‌نامه‌های توصیفی به شیوه میدانی، یعنی حضور در کارگاه‌ها و کسب اطلاعات عملی درباره رشته موردنظر، آشنایی با مواد اولیه، ابزارها، روش‌های تولید محصولات آن رشته، گفتو با استادکاران و طرح سؤال‌های متعدد برای فراخوانی واژه‌ها به دست آمده‌اند. تعاریف واژه‌ها مبتنی بر توضیحات استادکارانی است که هر یک سالیان سال، چه بسا نسل اندر نسل، در رشته موردنظر فعال بوده‌اند و با همه ریزه‌کاری‌ها و به اصطلاح خودشان، فوت و فن‌های آن آشنایی داشته‌اند و طبعاً واژه‌های مصطلح در آن رشته بخشی از واژگان فعال و روزمره آنها بوده است. بی‌گمان این کار به رغم تلاش و دقت ما کاستی‌هایی دارد، اما به هر حال گامی کوچک در راستای گردآوری و تدوین واژه‌ها و اصطلاحات هنرها و پیشه‌های سنتی گوناگون است و امید می‌رود که گام‌هایی بزرگ‌تر و اقدام‌هایی جدی‌تر و ثمربخش‌تر را به دنبال داشته باشد.

سرپرست طرح تدوین واژه‌نامه‌های توصیفی

برای هنرها و پیشه‌های سنتی

نسرین طباطبائی

پیشگفتار

خاتم‌سازی از هنرهای اصیل و کهن ایرانی است، هنری که محصولات آن بسیاری از موزه‌ها و کاخ‌ها را در سراسر جهان آراسته و معرف ذوق، ظرافت و دقت خاص ایرانیان است. در ایران نیز کمتر خانه‌ای است که در آن صندوقچه، قلمدان یا قابی از خاتم پیدا نشود و با این همه، قطع‌نظر از خاتم‌سازان، خاتم‌شناسان و احیاناً خاتم‌دوستان، کمتر فارسی‌زبانی است که معنی واژه‌های مصطلح در خاتم‌سازی - واژه‌هایی چون دوزایه، طوره‌کردن، پروار و غیره - را بداند و یا حتی تشخیص بدهد که اینها به خاتم‌سازی مربوط می‌شوند. این بدان سبب است که واژه‌های این رشته از هنرهای سنتی ایرانی، همچون واژه‌ها و اصطلاحات سایر هنرها و پیشه‌های سنتی، به ندرت به لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها راه یافته‌اند.

خاتم‌سازی هنری بسیار ظریف، دقیق و پرکار است. خاتم‌سازان برای ساختن گل‌های خاتم، شماری مثلث یا منشور بسیار ظریف مثلث‌القاعده به رنگ‌ها و از جنس‌های مختلف را با آرایشی خاص کنار هم می‌گذارند و به هم می‌چسبانند و بدین ترتیب میله‌ای پدید می‌آید که سطح مقطع آن گل یا نقش خاتم را تشکیل می‌دهد. فاصله گل‌ها با شماری توگلو پر می‌شود که آن نیز سطح مقطع منشور مثلث‌القاعده‌ای است که از شماری مثلث کوچک‌تر تشکیل یافته است. میله‌هایی که گل‌ها و توگلوهای خاتم را تشکیل می‌دهند قطع، یعنی به قطعات مساوی تقسیم می‌شوند، در قامه کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، در تنگ یا پرس گذاشته می‌شوند و سرانجام قامه برش می‌خورد و لایه‌هایی به ضخامت یک تا دو میلی‌متر به دست می‌آید که آستر و به سطح اشیا چسبانده می‌شود. هر یک از این مراحل بسیار وقت‌گیر و انجام دادن آن مستلزم صرف وقت، دقت و حوصله فراوان است.

واژه‌نامه حاضر بخشی از طرحی گسترده است که هدف آن عبارت است از گردآوری واژه‌های مصطلح در هنرها و پیشه‌های سنتی و تدوین آنها در قالب واژه‌نامه‌های توصیفی جداگانه برای هر رشته. واژه‌ها و اصطلاحات گردآوری شده در این کتاب واژه‌هایی هستند که خاتم‌سازان در مراحل مختلف کار خود از آنها استفاده می‌کنند و نام ابزارها، مصالح، نقش‌ها، اسلوب‌ها و فرآیندهای خاتم‌سازی را شامل می‌شوند. این واژه‌ها به شیوه میدانی، با صرف وقت بسیار و پس از پرس‌وجوهای فراوان و گفتگوهای طولانی با خاتم‌سازان باتجربه، در تهران و اصفهان، گردآوری شده‌اند و تعاریف آنها نیز مبتنی بر توضیحات همین استادکاران است. برخی از واژه‌ها بین خاتم‌سازی و رشته‌های دیگری از قبیل نجاری، منبت‌کاری گره‌چینی و غیره مشترک‌اند و پاره‌ای از آنها فقط در بین خاتم‌سازان متداول‌اند؛ برخی از این واژه‌ها دارای یک گونه‌اند و برخی بیش از یک گونه دارند؛ در این موارد گونه‌ای که در بین اهل فن متداول‌تر است اصل قرار گرفته و گونه یا گونه‌های دیگر به آن ارجاع داده شده است. گاه واژه‌هایی که خود سرمدخلی جداگانه‌اند به ضرورت در تعریف سرمدخل دیگری آمده‌اند. این قبیل واژه‌ها با حروف سیاه چاپ شده‌اند تا خواننده در صورت نیاز برای کسب اطلاعات بیشتر به مدخل مربوط به آنها مراجعه کنند. تلفظ تک‌تک واژه‌ها نیز با نشانه‌هایی که در آغاز کتاب آمده نشان داده شده است. سعی ما بر آن بوده است که تعاریف واژه‌ها حتی الامکان روشن و دقیق و برای غیراهل فن قابل فهم باشد و در عین حال هدفمان آن بوده است که این واژه‌نامه اطلاعاتی کلی درباره خاتم‌سازی به خوانندگان بدهد و آنها را تا حدودی با این هنر آشنا کند. از این رو در مواردی تعاریف از حد متعارف واژه‌نامه‌ها قدری مفصل‌ترند.

تدوین این واژه‌نامه بدون همکاری صمیمانه استادان گرانقدر و گمنامی که با صبر و حوصله فراوان پرسش‌های بی‌شماری را پاسخ دادند و دانسته‌های ارزشمند خویش را بی‌دریغ در اختیارمان نهادند میسر نمی‌شد، از این رو لازم می‌دانم از آقایان رحمان شاکرپور، احمدرضا اسدی، سیدمصطفی مرتضوی، محمدعلی صارمی، اکبر هدایت، جمشید صفایی، ابراهیم گلریز خاتم، خادم ملت، عباس خاتمی‌فر، اعتدالی و دیگران سپاسگزاری کنم. جناب آقای

شریفزاده، مدیر پژوهش‌های هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی با حسن نیت این امکان را برای ما فراهم آوردند که با استادان شاغل در کارگاه خاتم‌سازی آن سازمان به گفتگو بنشینیم و از تجربه‌های ارزشمند آنان بهره جوییم. از ایشان نیز متشکریم.

در پایان، از مقام محترم ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و همکاران بخش انتشارات، به ویژه دوست ارجمند و فرزانه‌ام سرکار خانم مهران کندی که ویرایش کتاب را بر عهده داشتند سپاسگزاری می‌کنم. بدیهی است که چنین واژه‌نامه‌ای خالی از ضعف و نقص نخواهد بود، از این رو محتاج نقد و نظرهای مراجعه‌کنندگان این واژه‌نامه‌ایم و از آنها می‌خواهیم که با یادآوری این کاستی‌ها ما را رهین منت خویش سازند.

نسرین طباطبائی

نشانه‌ها

الف - همخوان‌ها

خط آوانگار

p

b

t

d

k

g

q

,

f

v

s

z

š

ž

x

h

č

ǰ

r

خط فارسی

پ

ب

ت، ط

د

ک

ج

ق، غ

ع، ه (همزه)

ف

و

س، ث، ص

ز، ذ، ض، ظ

ش

ژ

خ

ح، ه

چ

ج

ر

دوازده واژه‌نامه خاتم‌سازی

l	ل
m	م
n	ن
y	ی

ب - واژه‌ها

i	ای، ی
e	ای، ه/ه
a	آ، ا
u	او، و
o	ا، م، و
ā	آ، ا

آ

āj kardan آج کردن
شیار دار کردن سوهان. همچنین ← :
سوهان آج کردن، سوهان آج‌کشی.

āzād آزاد
نوعی چوب به رنگ قهوه‌ای روشن.
این چوب در خاتم‌سازی کاربرد دارد.

āstar آستر
لایه‌ای از چوب تبریزی یا کبوده.
ضخامت این لایه تقریباً یک میلی‌متر
است و ورق خاتم به آن می‌چسبد.
آستر را به طرفین دو زایه خاتم
می‌چسبانند. پس از آستر کردن، دو
زایه از وسط برش می‌خورد و به دو
یک زایه مبدل می‌شود که هر کدام
آستری جداگانه دارد. ضخامت آستر
در آغاز ۳-۴ میلی‌متر است، اما پس از
رندیدن و پشت‌گیری ضخامت آن به
حدود یک میلی‌متر می‌رسد. در قدیم
که خاتم را با دست طوره می‌کردند،
ضخامت آستر حدود ۶ میلی‌متر بود،
چون از یک آستر برای دو ورق خاتم

ābanbār آب انبار
محفظه‌ای در پایین سریشم طاس. در
این محفظه آب می‌ریزند و سریشم
طاس را حرارت می‌دهند؛ آب درون
آب انبار تبخیر می‌شود و ظرف
داخلی را که سریشم در آن جا دارد
گرم می‌کند

āb bardāshan آب برداشتن
سخت شدن؛ خشک شدن مفتول بر
اثر چکش خوردن.

ābnus آبنوس
چوبی سیاه رنگ و بسیار محکم. این
چوب سابقاً در خاتم‌سازی به کار
می‌رفت، اما امروزه دیگر کار بردی
ندارد، زیرا برش دادن و مثلی کردن
آن دشوار و علاوه بر آن، چوبی
که‌یاب و گران‌بهاست.

āj آج
شیار ریز، به ویژه شیار سوهان.

- āhanrobā** آهن‌ریا استفاده می‌شد، بدین معنا که آستر را از وسط برش می‌دادند و آن را به دو قسمت - هر کدام برای یک ورق خاتم - تقسیم می‌کردند. آستر محافظ خاتم است، زیرا بر استحکام و دوام آن می‌افزاید و ترمیم خاتم را در صورت آسیب دیدگی ممکن می‌سازد.
- āstar kardan** آستر کردن
حساباندن لایه‌ای از چوب به دو زایه خاتم؛ قرار دادن دو زایه‌های خاتم بین دو آستر. همچنین -؛: طوره کردن.
- ālat** آلت هر یک از اشکال هندسی منظم در گره چینی. این اشکال مجموعاً طرح گره را تشکیل می‌دهند.
- āvardan** آوردن
جفت شدن قطع‌های خاتم در قامه هنگام تنگ گذاشتن قامه، بدون هیچ‌گونه درز و فاصله‌ای بین آنها. گل‌های خاتمی که نیاورده باشد نامنظم است و بین آنها فاصله‌ها یا درزهای نامطلوبی به چشم می‌خورد. برای آوردن خاتم باید در مرحله تنگ‌گذاری فشار لازم و کافی از بالا و پایین و طرفین به قامه وارد آید.
- āhnrōbā** آهن‌ریا یکی از وسایل جمع کردن میخ از روی میز و زمین در کارگاه‌های خاتم‌سازی.
- abābil** ابابیل از آلت‌های گره. این آلت در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.
- ābzār** ابزار برجستگی، تورفتگی یا پخ (شیب) تزئینی. این شکل‌ها با تراش دادن کنار یا حاشیهٔ اشیا، پایه یا کلاف میز و تیرک یا گیلویی قاب حاصل می‌شود. ابزار معمولاً به شکل گرده ماهی (برجسته)، گیلویی (گود) یا پخ (شیبدار) است.
- abzār xor** ابزار خور جای مناسب برای ابزار زدن، نظیر لبه یا حاشیهٔ کار، پایه، کلاف میز و تیرک قاب.
- abzār zadan** ابزار زدن تزئین کار با ابزار گیلویی، گردهٔ ماهی و پخ؛ تراش دادن بخش‌های ابزارخور اشیا به شکل‌های گود، برجسته، پخ و

چارچوب‌دار و ماشینی تقسیم می‌شود.

اره استخوان‌بری

arre-ye ostexānbori

اره‌ای چارچوب‌دار که برای بریدن استخوان به کار می‌رود. چارچوب آن مثل اره برش‌زنی، اما تیغه آن ضخیم‌تر و دنده‌هایش درشت‌تر است.

اره برش‌زنی

arre-ye borešzani

نوعی اره چارچوب‌دار که برای برش زدن خاتم به کار می‌رود. چارچوب آن شبیه چارچوب اره سرتقطع‌کن و ضخامت تیغه آن حدود ۳۰ میلیمتر، یعنی از تیغه اره دوزایه‌گنی و استخوان‌بری کمتر و دنده‌های آن ریزتر است.

اره تسمه‌ای

arre-ye tasme'i
- :اره فلکه.

اره چارچوب‌دار

arre-ye čārčubdār

هر یک از اره‌های مختلف با چارچوبی از جنس چوب و تیغه‌ای

یا تلفیقی از آنها. در قدیم این کار با دست و بیشتر به کمک رنده انجام می‌گرفت، اما امروزه اشیا را با فرز ابزار می‌زنند.

اجرا

ejrā
نصب ورق خاتم روی اشیا. این کار از تخصص‌های خاتم‌سازان حرفه‌ای است؛ روکش کردن کار با خاتم. اجرای کار نیز مصطلح است.

اجرای طرح

ejrā-ye tarh
پوشاندن طرح اسلیمی ترسیم شده روی شیشی معین - مثلاً سطح روی میز - با قطعات خاتم برش خورده طبق آن طرح. اجرای طرح در مورد نقش‌های گره به تسمه‌کشی خطوط طرح و پر کردن سطوح محاط در میان این خط‌ها با ورق خاتم اطلاق می‌شود.

اجرای کار

ejrā-ye kār
- :اجرا.

اره

arre
وسيله‌ای دستی یا ماشینی که برای بریدن چوب، استخوان یا خاتم به کار می‌آید. اره‌های مورد استفاده در خاتم‌سازی به سه نوع کلی دستی،

arredāri اره‌داری
 مهارت در استفاده از انواع اره‌های دستی برای قطع کردن یا تمامه کردن چوب و نیز تبحر در استفاده از اره‌های چارچوب‌دار برای لایبری، مثلث‌بری، استخوان‌بری و برش خاتم. در قدیم اره‌داری از تخصص‌های مهم خاتم‌سازان بود، اما امروزه آنها با وجود اره‌های برقی نیاز چندانی به این مهارت ندارند.

اره‌دست، اره دست

arredast, arre-ye dast

— : اره‌دستی

اره‌دستِ دنده درشت

arredast-e dandedorošt

نوعی اره دستی برای بریدن چوب‌های نسبتاً نرم یا معمولی، مانند توسکا، کبوده یا افرا.

اره‌دستِ دنده ریز

arredast-e danderiz

نوعی اره دستی برای بریدن چوب‌های سخت، نظیر عناب، بَقَم و آبنوس و نیز برای بریدن دو سر برجسته استخوان.

فتری از فلز. کشش تیغه به کمک زمی تنظیم می‌شود که به قسمت فوقانی چارچوب اره متصل است. اره چارچوب‌دار بر چند نوع است و انواع مختلف آن برای بریدن مثلث، بِنَغَل شیش استخوان و نیز برای برش‌زنی، دو زایه‌بری و غیره به کار می‌رود. به آن اره چارچوبه‌دار نیز می‌گویند.

اره چارچوبه‌دار

arre-ye čärčubedār

— : اره چارچوب‌دار.

اره خاتم‌بری

arre-ye xātambori

اره‌ای که برای برش دادن خاتم، پس از طوره کردن و تنگ گذاشتن آن به کار می‌رود. اره خاتم‌بری چارچوب‌دار و بر دو نوع است: اره برش‌زنی و اره دوزایه‌بری.

اره‌دار

arredār

کسی که در استفاده از اره مهارت داشته باشد، طرز ساختن اره‌های مورد استفاده در خاتم‌سازی و نیز شیوه دنده کردن فنر اره و تیز کردن آن را بداند.

اره دستی **arre-ye dosar**
اره‌ای با دو دسته در دو انتها.

اره زدن **arre zadan**
اره کشیدن؛ اره کردن؛ حرکت دادن اره به جلو و عقب برای بریدن چوب و نظایر آن. اره کشیدن هم مصطلح است.

اره زدن پشت خاتم
arre zadan-e pošt-e xātam

ایجاد شیارهای عرضی و طولی کوچک و کم عمق روی آستر خاتم با اره سرز قطع کن برای انعطاف پذیر کردن یا به اصطلاح بیجان کردن ورق خاتم هنگام نصب آن روی سطح اشیا.

اره سرقطع کن
arre-ye sarqadkon
- : اره سرقطع کن.

اره سرقطع کن
arre-ye sarqat'kon
نوعی اره چارچوب دار و ریزدندانه برای بریدن ورق خاتم، اوه گرفتن، گرفتن سز چسبان اضافی، بریدن

اره دستی **arre-ye dasti**
ابزاری متشکل از تیغه‌ای فلزی و دندانه دار و دسته‌ای چوبی. این وسیله در نجاری کاربرد دارد و نیز در خاتم سازی برای آماده کردن مصالح و مواد اولیه به کار می‌رود. اره دستی مورد استفاده در خاتم سازی شبیه اره معمولی نجاری است، اما دنده‌هایش ریزتر و ضخامت فتر آن کمتر است. به اره دست نیز معروف است.

اره دو زایه بری
arre-ye dozāyebori
- : اره دو زایه گنی.

اره دو زایه گنی
arre-ye dozāyekoni
نوعی اره چارچوب دار برای دو زایه کردن قامه خاتم. با این اره قامه را به گونه‌ای برش می‌دهند که ورقه‌هایی به ضخامت ۲ میلیمتر حاصل شود. ضخامت تیغه اره دو زایه گنی حدود ۴/۰ میلیمتر، یعنی از تیغه اره برش زنی ضخیم تر و دنده‌هایش نیز درشت تر است.

اژه کشیدن *arre kešidan*
اره کردن؛ حرکت دادن اره به جلو و عقب برای بریدن چوب و مانند آن. اره زدن نیز مصطلح است.

اژه گرد *arre-ye gerd*
نوعی اره برقی که تیغه آن صفحه‌ای گرد و دوار است. زیر تیغه صفحه‌ای مسطح و ثابت و در کنار آن گونیایی قرار دارد. چوب را برای برش دادن روی صفحه ثابت در کنار گونیا می‌گذارند و آن را به جلو حرکت می‌دهند. اره گرد برای پهنا کردن، لا کردن، قامه کردن، گندگی کردن، دوراهه زدن و یخ زدن به کار می‌رود. به آن اره مجمع نیز می‌گویند. -۳: تصویر شماره ۳.

اژه مثلث بر
arre-ye mosallasbor
نوعی اره چارچوب‌دار با تیغه بسیار ظریفی که از فنر ساعت ساخته و با سوهان دنده می‌شود. از این اره برای برش دادن لا و تبدیل آن به مثلث و نیز بریدن قاطعی استفاده می‌شود.

میله‌های خاتم و نیز فارسی بُری. امروزه در بسیاری از کارگاه‌ها به جای اره سرقطع‌کن از ابزارهای دیگری همچون تیزبُر، تیغ موکت‌بُری و گزازنبر استفاده می‌شود. در بین خاتم‌سازان به اره سرقطع‌کن معروف است. به آن اره فارسی بر نیز می‌گویند.

اژه فارسی بر
arre-ye farsibor
-۴: اره سرقطع‌کن.

اژه فلکه *arre-ye falake*
نوعی اره برقی. تیغه آن تسمه‌ای به پهنای ۱-۴ سانتیمتر است که دو سرش را به هم جوش داده‌اند و به حلقه‌ای پیوسته مبدل کرده‌اند. محیط این دایره در اره‌های خاتم‌بری ۲/۴۵ - ۲/۵۰ متر و در اره فلکه‌های چوب‌بری ۵ متر یا بیشتر است. از این اره بیشتر برای برش دادن، پهنا کردن و لا کردن چوب استفاده می‌شود. به آن اره تسمه‌ای نیز می‌گویند. -۴: تصویر شماره یک و دو.

ostexān استخوان
 بسافتی سخت در بدن حیوانات استخوان‌دار. در خاتم‌سازی از استخوان شتر، اسب و گاو به رنگ طبیعی و یا به صورت رنگ شده - عموماً به رنگ سبز - استفاده می‌شود. استخوان را با ازۀ استخوان‌بر لا می‌کنند و سپس به صورت باریکه‌هایی با مقطع مثلث مستساوی‌الاضلاع، مثلث مستساوی‌الساقین (بغل شش)، مستطیل (قاطعی) یا لوزی (جویی) در می‌آورند. برای سفید کردن استخوان آن را پس از لا کردن در آب آهک می‌نهند. برای زدودن چربی‌هایی که با آب آهک از بین نمی‌روند، استخوان‌های نخ شده (مثلث‌ها، جویی‌ها و قاطعی‌ها) را حدود یک هفته در بنزین می‌گذارند و گاهی هم از محلول‌های سفیدکننده، نظیر آب ژاول یا اسید رقیق استفاده می‌کنند. برای رنگ کردن استخوان، مثلث‌ها، بغل‌شش‌ها و جویی‌های استخوانی را در ظرفی محتوی محلولی سبز رنگ، شامل سرکه، نشادر و سوآله مس قرار می‌دهند.

ازۀ مثلث‌بری

arre-ye mosallasbori

- : ازۀ مثلث‌بر.

arre-ye majma' ازۀ مجمع

- : ازۀ گرد.

arremu-yi ازۀ مویی

تیغهٔ کمان اره؛ تیغه‌ای بسیار نازک که برخی از انواع آن تقریباً به باریکی مو است و به کمان‌اره متصل می‌شود.

ازۀ نوک‌باریک

arre-ye nokbārik

نوعی اره با سر باریک. دنده‌های این اره برخلاف سایر اره‌ها به طرف نوک اره میل دارد. در قدیم این نوع اره کاربردی شبیه دریل امروزی داشت.

از کشو در کردن

az kešo darkardan

کنترل ضخامت ورق چوب یا لا با گذراندن آن از کشو. از کشو رد کردن نیز مصطلح است.

از کشو رد کردن

az kešo radkardan

- : از کشو در کردن.

هر چه استخوان بیشتر در این محلول بماند رنگش تیره‌تر می‌شود.

استخوان اسب

ostexān -e asb

استخوان بدن اسب. این استخوان به رنگ طبیعی یا به صورت رنگ‌شده - عموماً به رنگ سبز - در خاتم‌سازی به کار می‌رود. رنگ طبیعی استخوان اسب سفید کدر است و آسان‌تر از استخوان شتر رنگ می‌پذیرد، اما طول و قطر آن از استخوان شتر کمتر است و از هر طرف استخوان بیشتر از یک لا به دست نمی‌آید.

استخوان شتر

ostexān-e šotor

استخوان بدن شتر. این استخوان به رنگ طبیعی یا به صورت رنگ‌شده - عموماً به رنگ سبز - در خاتم‌سازی و معمولاً در ساخت خاتم‌های مرغوب به کار می‌رود. ضخیم‌ترین قسمت استخوان شتر، پشت استخوان میج است که از آن مثلث‌های سه‌بخ درشت به دست می‌آید.

استخوان گاو **ostexān-e gāv**
استخوان بدن گاو. این استخوان به رنگ طبیعی یا به صورت رنگ‌شده - عموماً به رنگ سبز - در خاتم‌سازی کاربرد دارد. قطر و طول استخوان گاو از استخوان شتر کمتر است و به همین دلیل ورق‌ها یا لاهای کمتری به دست می‌دهد. مثلاً، اگر بتوان از هر طرف استخوان شتر دولای یک میلیمتری یا ۲ میلیمتری به دست آورد، از استخوان گاو بیشتر از یک لا به دست نمی‌آید. برای بریدن بغل شش و قاطعی از استخوان دنده گاو استفاده می‌شود.

اسلیمی **eslimi**

نوعی طرح سنتی با شکل‌های عموماً پریچ و خم و انحنا دار. نقوش اشیای خاتم‌کاری شده گاه بر اساس انواع طرح‌های اسلیمی اجرا می‌شود، یعنی ورق خاتم مطابق با طرح اسلیمی برش می‌خورد که از پیش روی شیء مورد نظر ترسیم شده است و سپس به آن چسبانده می‌شود.

افرا **afra**

نوعی چوب که به صورت رنگ‌شده

سیاه) است. به آن اوه خاتم نیز می‌گویند.

۳- ورقی از چوب که پس از قطار کردن قطع‌های خاتم و آماده کردن قامه برای تنگ گذاشتن، به عنوان محافظ، زیر و روی قامه قرار می‌گیرد تا هنگام تنگ گذاشتن و برش دادن قامه قطع‌های خاتم از هم باز و متلاشی نشوند. این اوه در خاتم‌های متن پس از برش دادن قامه گرفته می‌شود. به آن اوه خاتم نیز می‌گویند.

اوه خاتم **ove-ye xātam**

← اوه: (۲ و ۳)

اوه گرفتن **ove gereftan**

ساییدن اوه‌های کنار خاتم با سوهان چوب‌ساب و سوهان دو قلمه. این کار باید به گونه‌ای صورت پذیرد که اثری از اوه باقی نماند. خاتم‌های متن عموماً اوه‌گیری می‌شوند، زیرا این خاتم‌ها بدون اوه روی سطح اشیا نصب می‌گردند. همچنین: کنار کردن و کنار گرفتن.

اوه‌گیری **ovegiri**

عمل اوه گرفتن.

اوه مثلث **ove-ye mosallas**

← اوه (۱).

در خاتم‌سازی، به کار می‌رود. افرا را در سال‌های اخیر به رنگ قهوه‌ای درمی‌آورند و به جای فوفل از آن استفاده می‌کنند. چوب افرا در مقایسه با چوب شمشاد و نارنج رنگ‌پذیرتر است، یعنی در مدت زمان کوتاهی رنگ را به خود می‌گیرد.

اوه **ove**

۱- ورقی که مثلث‌هاش را از آن می‌برند. به آن اوه مثلث و لا نیز می‌گویند.

۲- ورقی به ضخامت یک یا دو زایه (یک یا ۲ میلیمتر) از چوب یا استخوان که در دو طرف حاشیه قرار می‌گیرد و به آن جلوه می‌بخشد. تعداد اوه‌های حاشیه معمولاً دو تا سه عدد و رنگ‌های آنها مختلف، معمولاً سفید، قهوه‌ای سوخته و سیاه است و به گونه‌ای آرایش می‌یابند که حاشیه زیباتر جلوه کند. در صورتی که حاشیه سه اوه داشته باشد، ضخامت اوه بیرونی بیشتر از اوه‌های داخلی، یعنی به اندازه دوازده است. جنس اوه‌ها از استخوان یا فیبر شیشه‌عاج (سفید)، فوفل به رنگ طبیعی (قهوه‌ای سوخته) و افرا یا چنار به صورت رنگ‌شده (قهوه‌ای سوخته یا

ب

بازوبند صلیب

bāzuband-e salib

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت طرح گره به کار می‌رود.



bāzubandi

بازوبندی

← : بازوبند.

bāft-e xātam

بافت خاتم

نقش خاتم؛ شیوه آرایش اجزای خاتم از قبیل مثلث‌ها، جوی‌ها بفل‌شش‌ها و غیره.

batune

بتونه

ماده‌ای رقیق و شفاف متشکل از سریشم گرم و رقیق و گرد استخوان. این ماده برای چشمه‌گیری یا درزگیری خاتم به کار می‌رود. بتونه پس از نصب ورق خاتم روی شیء به آن مالیده می‌شود.

bādāmi

بادامی

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی به کار می‌رود. به آن گوشواره نیز می‌گویند.



bād kardan

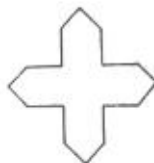
بادکردن

بالا آمدن بخشی از چوب بر اثر رطوبت یا تغییر دما. این امر موجب ورآمدن و از شکل افتادن خاتم می‌شود.

bāzuband

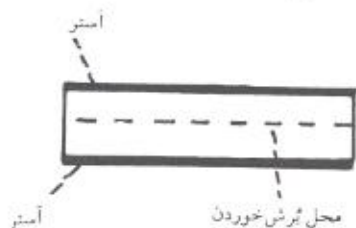
بازوبند

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت طرح گره به کار می‌رود. به بازوبندی، کتیبه‌ای و کلنگی نیز معروف است.



باشد، یعنی برابرست با دو عدد یک زایه خاتم.

boreš dādan برش دادن
۱- بریدن دو زایه خاتم از وسط و تقسیم آن به دو قسمت مساوی، یعنی به دو عدد یک زایه، هر یک با آستری جداگانه. برش زدن هم مصطلح است.



۲- عمل بریدن به طور کلی.

boreš zadan برش زدن
← : برش دادن.

bar-e kār برکار
۱- سطح روی خاتم.
۲- کناره بیرونی کار، مثل لبه میز و لبه بیرونی قاب عکس.
۳- جلو قامه خاتم.

barg برگ
واحد شمارش ورق خاتم.

batunekāri بتونه کاری
عمل بتونه کردن.

batune kardan بتونه کردن
مالیدن بتونه به سطح خاتم پس از نصب آن به منظور چشمه گیری و درزگیری.

bar بر
دو ضلع از سه ضلع مثلث. ضلع سوم کف خوانده می شود.

barrās بر راست
بر راست در اصطلاح خاتم سازان ← :
بر راست.

barrāst بر راست
نوعی خط کش بلند. این خط کش برای کنترل صاف بودن سطح کار و نیز برای خط کشی روی اشیای بزرگ، مثل در، به کار می رود. طول بر راست به ابعاد کار بستگی دارد و ممکن است به دو متر هم برسد. این وسیله در نجاری و بنایی نیز کاربرد دارد.

boreš برش
از واحدهای شمارش ورق های خاتم. این واحد معادل دو زایه ای است که از وسط برش خورده و نصف شده

baqalšēš بغل شش

۱- منشوری که مقطع قاعده آن به شکل مثلث متساوی الساقینی با قاعده یا کف پهن است.

۲- مقطع همان منشور که روی سطح خاتم مشاهده می شود.

بغل شش معمولاً در اطراف شش ضلعی مرکزی یا شش ضلعی دوم قرار می گیرد، اما در جاهای دیگر، مثلاً برای ساختن نوعی توگلو نیز به کار می رود. ضخامت لایه که بغل شش از آن بریده می شود حدود ۲ - ۲/۵ میلی متر است. به آن بغل شش خاتم نیز می گویند.

بغل شش پرکردن

baqalšēš porkardan

از مراحل گل پیچیدن. این مرحله عبارت است از پرکردن دهانه های گل با بغل شش یا قرار دادن بغل شش در فاصله بین مثلث های اطراف شش ضلعی. این کار پس از مرحله حلقه کردن گل انجام می گیرد.



مرحله بغل شش پرکردن

barg-e čenār برگ چنار

از آلت های گروه. برگ چنار در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

**boridan-e tang** بریدن تنگ

ناهموار شدن یا ناصاف شدن کناره های شیار تنگ بر اثر حرکت کردن یا به اصطلاح دویدن مفتول هنگام ساییدن آن در تنگ.

baqal بغل

۱- هر یک از طرفین حاشیه.
۲- هر طرف کار.

baqalčiš بغل چیش

بغل شش در اصطلاح خاتم سازان شیراز. - : بغل شش.

baqalzadan بغل زدن

جلو و عقب بردن اره؛ اره کشیدن؛ اره زدن.

بغل شش خاتم

baqalšeš-e xātam

← : بغل شش.

تغییر دمای محیط و جدا شدن آن از سطح شیئی که به آن چسبانده شده است.

بغل شش سیمی

baqalšešsimi

← : خاتم بغل شش سیمی.

بند اسلیمی
← : زه کشی اسلیمی.

بغل شش سیمی سبز

baqalšešsimi-ye sabz

← : خاتم بغل شش سیمی سبز.

بندکشی
۱- خطوط گره؛ خط‌هایی که شکل‌های هندسی طرح‌گره را از هم جدا می‌کند.

بغل شش سیمی قرمز

baqalšešsimi-ye qermez

← : خاتم بغل شش سیمی قرمز.

۲- عمل پوشاندن این خطوط با نوارهای باریک خاتم. همچنین ← : تسمه‌کشی.

بغل کاس

baqalkās

شیئی همچون جعبه یا میز که بغل، یعنی جای ایزار خور آن گود باشد.

بی جان
چوبی که به مرور زمان رطوبت خود را از دست داده و در نتیجه مقاومت آن کم شده است، یا به اصطلاح خاتم‌سازان زور آن گرفته شده است. این نوع چوب برای زیرسازی اشیای خاتم مناسب است، چون بر اثر رطوبت و سرما و گرما تغییر شکل نمی‌دهد.

بقم

baqam

نوعی چوب بسیار سخت و کمیاب به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز. این چوب در گذشته از هندوستان وارد می‌شد و در خاتم‌سازی کاربرد داشت.

بلند شدن خاتم

boland šodan-e xātam

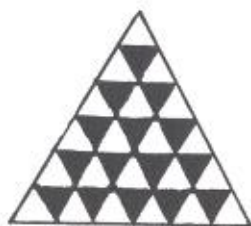
طبله کردن ورق خاتم بر اثر رطوبت یا

بی جان کردن خاتم

bijān kardan-e xātam

کاستن مقاومت آستر خاتم با ایجاد

در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان، توگلوبی متشکل از پانزده مثلث چوبی و بیست و یک مفتول. این نوع توگلو در اصطلاح خاتم‌سازان تهران به توگلوبی سیمی معروف است.



biše

بیشه
کشور.

شیارهای طولی و عرضی به فواصل تقریباً ۵ میلیمتر روی آن. بدین ترتیب آستر با گذشت زمان و بر اثر سرما و گرما و رطوبت تغییر شکل نمی‌دهد، به ورق خاتمی که روی آن چسبیده است فشار وارد نمی‌آورد و در نتیجه خاتم بلند نمی‌شود. برای بی‌جان کردن خاتم علاوه بر اره زدن پشت خاتم، آن را داخل خاتم خردکن نیز قرار می‌دهند تا زور آن بیشتر گرفته شود. همچنین سه : خاتم خردکن و اره زدن پشت خاتم. به این عمل زور خاتم را گرفتن نیز می‌گویند.

بیست و یک سیم

bist-o-yeksim

پ

می‌برند و به آن سریش می‌مانند، سپس پارچهٔ مخمل را چین‌های ریز می‌دهند یا زیر آن ابر می‌گذارند و به مقوا می‌چسبانند و مقوای مخمل پوش را در جعبه جا می‌دهند.

پایین کشیدن رنگ

pāyin kešidan-e rang

نفوذ رنگ، یعنی پلی‌استر، روغن جلا یا روغن کمان در منافذ چوب و فرونشستن آن. به خانه خالی کردن نیز معروف است.

pax

پخ

۱- شیب. به آن پخی نیز می‌گویند.
۲- کنارهٔ شیبدار یک شیء، مثل کنارهٔ میز یا تیرک قاب.

poxtan

پختن

در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان، چوشاندن مثلث‌های چوبی در محلول رنگین برای آنکه رنگ در مغز چوب رسوخ کند.

pābārik

پاپاریک

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت طرح گره کاربرد دارد.



pāteks

پاتکس

نوعی چسب فوری. این نوع چسب در ساختن خاتم‌های نامرغوب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

pārčegir

پارچه‌گیر

کسی که تخصصش پوشاندن سطح داخلی جعبه‌های خاتم، نظیر جعبهٔ زنانه، جعبهٔ شکلات و مانند آن با مخمل است.

pārčegiri

پارچه‌گیری

عمل پوشاندن سطوح داخلی انواع جعبه‌های خاتم با پارچهٔ مخمل. روش کار بدین ترتیب است که نخست قطعات مقوا را به ابعاد جعبه

paxi	پخی ← : پخ (۱).	poxtan-e čub	پختن چوب جوشاندن چوب در مواد شیمیایی مخصوص و سپس بخار دادن و بعد خشک کردن آن. با این کار رطوبت چوب کاملاً گرفته می‌شود و بعدها با گذشت زمان و بر اثر رطوبت و تغییر دما شکل آن تغییر نمی‌کند. چوب پخته مناسب‌ترین چوب برای زیرسازی اشیای خاتم است.
pardāxt	پرداخت ۱- عمل پرداخت کردن. ۲- جلا، صیقل. پرداخت کردن	pax dādan	پخ دادن ← : پخ زدن.
pardāxt kardan	صیقل کردن یا جلا دادن سطح خاتم با سائیدن آن به وسیله سوهان و سنباده.	pax zadan	پخ زدن شیب دادن. پخ دادن نیز مصطلح است.
peres	پرس ← : تنگ (۲).	paxgerd	پخ گرد شیبی همچون جعبه که کناره یا نبشش گرده ماهی باشد.
peres kardan	پرس کردن ← : تنگ گذاشتن. پرس گذاشتن	pax gereftan	پخ گرفتن ۱- سوهان زدن کنار مثلث کاردی و تبدیل آن به بغل شش. ۲- سوهان زدن و گرفتن هر لبه اضافی.
peres gozāštan	← : تنگ گذاشتن. پرکردن خاتم	porkardan-e xātam	نصب ورق خاتم در بین خطوط تسمه‌کشی شده طرح‌گره یا دهانه‌ها؛ خاتم کردن شکل‌های هندسی که پیرامون آنها تسمه‌کشی و قاطعی‌کشی

پرواروی تو گلو مروارید
parvāru-ye tugalū

morvārid

← : خاتم پرواروی تو گلو مروارید.

پرواروی تو گلو یکپارچه
استخوان

parvāru-ye tugalū

yekpārče ostexān

← : خاتم پرواروی تو گلو مروارید.

پرواروی جویی سیمی

parvāru-ye joyisimi

← : خاتم پرواروی جویی سیمی.

پرواروی شمسه‌دار

parvāru-ye šamsedār

← : خاتم پرواروی شمسه‌دار.

پرواروی قمی

parvāru-ye qomi

← : خاتم پرواروی قمی.

parre

پَرّه

مثلثی درشت متشکل از چهار مثلث
کوچک‌تر. پَرّه ممکن است از سه
مفتول و یک مثلث چوبی یا سه
مثلث چوبی و یک مفتول تشکیل
یابد و یا تماماً از چوب باشد. پَرّه

شده است. این اصطلاح فقط در مورد
طرح گره به کار می‌رود.

parvāru

پروارو

نامی کلی برای چند نوع طرح خاتم
← : خاتم پروارو.

پرواروی بغل شش سیمی

parvāru-ye

baqalšešimi

← : خاتم پرواروی بغل شش سیمی.

پرواروی تخمه‌دار

parvāru-ye Toxmedār

← : خاتم پرواروی تخمه‌دار.

پرواروی تو گلو استخوان

parvāru-ye

tugaluoostexān

← : خاتم پرواروی تو گلو مروارید.

پرواروی تو گلو سفید

parvāru-ye tugalū

sefid

← : خاتم پرواروی تو گلو سفید.

پرواروی تو گلو سیمی

parvāru-ye tugalusimi

← : خاتم پرواروی تو گلو سیمی.

parresābi پَرّه سابی
عمل ساییدن و صاف و هموار کردن
پَرّه‌ها. همچنین ← : ساینده‌گی.

parre-ye siyāh پَرّه سیاه
پَرّه‌ای متشکل از چهار مثلث سیاه یا
سه مثلث سیاه و یک مفتول.

parre-ye qermez پَرّه قرمز
پَرّه‌ای متشکل از چهار مثلث چوبی
قرمز یا سه مثلث چوبی قرمز و یک
مفتول.

parre-ye lāyedār پَرّه لایه‌دار
پَرّه‌ای که اطراف آن لایهٔ برنجی
چسبانده شده باشد.



pōstگرد پشت گرد
محدب؛ کوژ؛ شیئی که سطح آن
محدب باشد.

یکی از اجزای سازندهٔ بسیاری از
نقش‌های خاتم است.



parrepīci پَرّه پیچی
کنار هم گذاشتن و به هم چسبانیدن
سه مثلث چوبی و یک مفتول، یا سه
مفتول و یک مثلث چوبی و یا چهار
مثلث چوبی و نخ پیچیدن به دور
آنها، به طوری که مثلثی درشت‌تر،
یعنی یک پَرّه، حاصل شود. ← :
تصویر شماره ۴.

parre-ye čubi پَرّه چوبی
پَرّه‌ای متشکل از چهار مثلث چوبی و
یا سه مثلث چوبی و یک مفتول.

parre zadan پَرّه زدن
قرار دادن شش پَرّه در اطراف شش
ضلعی خاتم، در مرحلهٔ گل پیچیدن.

parre-ye zard پَرّه زرد
پَرّه‌ای متشکل از چهار مثلث چوبی
زرد و یا سه مثلث چوبی زرد و یک
مفتول.

پشت گرفتن

pošt gereftan

رندیدن آستر خاتم با رنده؛ پشت‌گیری یا رنده‌خشی برای نازک کردن آستر و خش انداختن روی آن تا برای نصب روی کار آماده شود.

پشت‌گیری

poštgiiri

عمل پشت‌گرفتن.

پلی استر

poliester

ماده‌ای شیمیایی که در آخرین مرحله رنگ‌کاری با پمپ یا با قلم‌مو و گاه با نوک انگشت به روی خاتم می‌مالند تا دوام خاتم زیاد و در برابر تغییر دما و رطوبت مقاوم شود و جلا پیدا کند. در قدیم برای جلا و مقاومت بخشیدن به خاتم به جای پلی استر از روغن کمان یا روغن جلا و یا روغن سندروس استفاده می‌شد.

پلی استر براق

poliester-e barrāq

نوعی پلی استر شفاف و جلادار. این نوع پلی استر نیازی به پرداخت ندارد و از آن برای رنگ‌کاری کتاره‌کار، قاب عکس‌های باریک یا جعبه‌هایی استفاده می‌شود که ابزار خورده‌اند و

معمولاً پرداخت آنها ممکن نیست.

پلی استر پولیشی

poliester-e poliši

نوعی پلی استر. این نوع پلی استر را پس از مالیدن روی سطح خاتم می‌توان طوری پرداخت کرد که سطح کار همچون شیشه صاف و درخشنده شود. از این نوع پلی استر برای رنگ‌کاری سطوح صاف استفاده می‌شود.

پلی سانت

polisānt

نوعی چوب وارداتی. این چوب مدتی به جای چوب فوفل به کار می‌رفت، اما هنگام آغشته شدن به رنگ‌های تینری، مثل کیلر، رنگ پس می‌داد و در مثلث‌های مجاورش رنگ می‌دواند، به همین دلیل استفاده از آن منسوخ شد.

پنج

panj

پنج ضلعی؛ شکل پنج ضلعی در طرح گره.

پنج پری تند

panjpari-ye tond

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به

panj-e kond پنج کند صورت گره چینی کاربرد دارد. به آن ستاره نیز می‌گویند.
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



pust پوست
← : ورق سنباده.

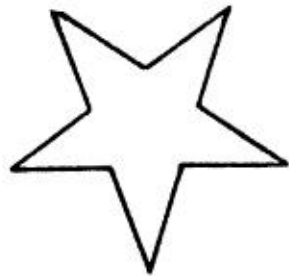
pust zadan پوست زدن
← : سنباده زدن.

پوست سنباده
pust-e sonbāde
← : ورق سنباده.

pahnā پهنا
ورق خاتم؛ از واحدهای شمارش ورق خاتم.

pahnā kardan پهنا کردن
بریدن و تقسیم کردن قطعه‌ای چوب به قطعات باریک‌تر.

pahnā-ye xātam پهنای خاتم
عرض ورق یا نوار خاتم. به آن عرض خاتم نیز می‌گویند.



پنج پری کندشل
panjpari-ye kond-e šol
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



پنج ته بریده
panj-e tahboride
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



نخ به دور آنها، همچنین ← : پره
پیچی، گل پیچیدن.

پیشکار piškār

تخته‌ای به قطر تقریباً یک سانتیمتر، به طول ۳۰ سانتیمتر و عرض ۲۰ - ۲۵ سانتیمتر. این تخته با پیچ به جلو میز نصب می‌شود و دارای شکافی است که تیغه کمان اره داخل آن جا می‌افتد. خاتم یا چوبی را که قرار است طبق طرح ترسیم شده بریده شود، روی پیشکار قرار می‌دهند، تیغه اره را داخل شکاف پیشکار ثابت نگه می‌دارند و کار را به گونه‌ای حرکت می‌دهند که به شکل موردنظر بریده شود. از این وسیله برای برش دادن ورق خاتم به منظور ساختن خاتم معرق استفاده می‌کنند.

پیچ pič
مارپیچ؛ پیچ و خم‌دار؛ انحنا‌دار.

پیچ‌خور pičxor

قابلیت پیچ خوردن پیچ‌های تنگ یا پرس؛ میزانی که می‌توان پیچ پرس را پیچاند.

پیچک pičak

تکه چوبی به شکل مثلث که بین رشت‌های زه، در بالای اره چارچوب‌دار جادارد و با پیچاندن آن زه کشیده می‌شود و در نتیجه کشش تیغه اره تیز افزایش می‌یابد.

پیچیدن pičidan

چسب زدن و کنار هم گذاشتن اجزای سازنده گل خاتم، یعنی مثلث‌ها، لوزی‌ها و شش ضلعی‌ها، و پیچیدن

ت

هنگامی که مفتول چرخ می‌شود سخت و انعطاف‌ناپذیر می‌گردد و به همین دلیل در قدیم مفتول‌ها را به صورت دسته‌هایی متشکل از ۲۰۰-۳۰۰ مفتول داخل حلب می‌گذاشتند و بر آتش قرار می‌دادند تا نرم و انعطاف‌پذیر شوند. امروزه دسته‌های مفتول را درون کوره‌های گازی می‌گذارند.

tābide تابیده
حرارت دیده؛ نرم شده.

tabrizi تبریزی
چوب که در خاتم‌سازی به عنوان آستر به کار می‌رود. به آن کبوده نیز می‌گویند.

taxterand تخته رند
قطعه‌چوبی به طول تقریباً ۸۰ سانتیمتر، عرض ۸ - ۱۰ سانتیمتر و ضخامت ۳ - ۴ سانتیمتر. انواع تنگ‌ها روی این قطعه‌چوب سوار می‌شود و برای ساییدن مثلث‌ها،

تاب برداشتن

tāb bardāstan

پس‌چیدن چوب یا تخته‌تر پس از خشک شدن؛ کج و معوج شدن و موج برداشتن چوب.

تابیدن تیغه‌اره

tābidan-e tiq̄e-ye ar̄e

خم شدن تیغه‌اره ضمن کار به طوری که یک طرف آن گود و طرف دیگرش سینه شود. در این صورت چوب نیز در خطی صاف و مستقیم بریده نمی‌شود، یعنی یک سطح آن گود و سطح دیگرش سینه می‌شود. تیغه‌اره در صورتی می‌تابد که چپ و راست آن کم، یا تیغه‌اش بیش از حد نازک باشد و یا قامه‌ خاتمی که باید دوزایه شود ضخیم باشد.

تابیدن مفتول

tābidan-e maftool

حرارت دادن مفتول برای گرفتن آب آن و نیز نرم و انعطاف‌پذیر کردنش.

تخته رند سیم سابی

taxterand-e simsābi

تخته رندی که تنگ سیم سابی روی آن سوار شده باشد. ← تصویر شماره ۱۲.

تخته رند شش سابی

taxterand-e šessābi

تخته رندی که تنگ شش سابی روی آن سوار شده باشد.

تخته رند قفل

taxterand-e qofl

نوعی تخته رند. این تخته رند دارای نوعی پیچ یا مهار از جنس چوب یا فلز است که فاصله آن را می توان با سطح تخته رند به اندازه دلخواه تنظیم کرد، آنگاه شیشی که باید ساییده شود، نظیر گل خاتم، استخوان، لا و مانند آن را به وسیله این پیچ ثابت نگه می دارند و آن را می سابند. در سال های اخیر کف این نوع تخته رند را با ورق آهن به ضخامت ۲ میلیمتر می پوشانند. از این وسیله برای ساییدن لا، گل های خاتم، استخوان و نیز برای پشت گیری استفاده می شود. به آن تنگ آهن و

پزه ها، توگلوها و غیره به کار می رود. قطعه چوبی باریک به نام گیره تخته رند که درازای آن برابر با عرض تخته رند است به طور افقی به فاصله حدود ۱۰ سانتیمتری از سر تخته رند به زیر آن میخ می شود تا هنگام کار بتوان تخته رند را به میخ کار یا میز گیر داد.

تخته رند بغل شش سابی

taxterand-e**baqalšessābi**

تخته رندی که تنگ بغل شش سابی روی آن سوار شده باشد.

تخته رند پزه سابی

taxterand-e parresābi

تخته رندی که تنگ پزه سابی روی آن سوار شده باشد.

تخته رند پشت گیری

taxterand-e paštgi

← تخته رند قفل.

تخته رند توگلو سابی

taxterand-e tugalusābi

تخته رندی که تنگ توگلو سابی روی آن سوار شده باشد.

تخته رند قفل نیز می‌گویند.

می‌گویند.

تخته‌رند مثلث‌سایبی

تخمه

toxme

شش ضلعی میان‌خاتم به شرط دو رنگ بودن آن. این شش ضلعی باید متشکل از شش مثلث به دو رنگ متفاوت - برای مثال سه مثلث به رنگ سفید، و سه مثلث دیگر به رنگ سیاه - باشد. ترکیب مفتول و مثلث چوبی نیز تخمه خوانده می‌شود.

taxterand-e

mosallassābi

تخته رندی که تنگ مثلث‌سایبی روی آن سوار شده باشد.

تخته‌ساب taxtesāb

← : سوهان تخته‌ساب.

تخته سنباده

taxtesonbāde

قطعه چوبی مکعب مستطیل شکل که ورق سنباده را به زیر آن نصب می‌کنند تا کار با سنباده آسان‌تر شود.

تخته سه‌لا (لَا)

taxtesel(l)ā

← : تخته سه‌لایی.

تخمه‌دار

toxmedār

نقش خاتمی که شش ضلعی میان آن از شش مثلث به دو رنگ متفاوت و یا سه مثلث چوبی و سه مفتول تشکیل یافته باشد.

تخته سه‌لایی taxtesel(l)āyi

تخته‌ای متشکل از چند لا چوب که به صورت چپ و راست روی هم پرس شده‌اند. قطر تخته سه‌لایی تقریباً ۲ سانتیمتر است و بهترین چوب برای زیرسازی اشیای خاتم، به ویژه سطح روی میزهاست. به آن تخته سه‌لا و چوب سه‌لایی نیز

تراز

tarāz

صاف و هموار؛ متعادل.

ترقه

taraqqe

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره‌چینی کاربرد دارد. به آن سه پری یا قمی نیز می‌گویند.



toranj-ye kond ترنجی‌کند
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



tasme تسمه
۱- مجموع چند قطع خاتم - معمولاً نه قطع - یا نه منشور مسدس القاعده و هجده پره، که به صورت ناودانی روی هم جا می‌گیرند و به یکدیگر چسبانده می‌شوند تا داخل تنگ گذاشته شوند. به تسمه خاتم نیز معروف است.



۲- نوار باریکی از خاتم همراه با



tarkband-i ترک‌بندی
تسمه‌کشی در اصطلاح خاتم سازان اصفهان. ← : تسمه‌کشی.

torang-e tond ترنج‌تند
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



toranj-e kond ترنج‌کند
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



toranji ترنجی
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



اوه‌های آن که برای تزئین حاشیه‌های اشیا به کار می‌رود. این نوار از برش دادن تسمه‌ای که در بالا توضیح داده شد به دست می‌آید. به آن تسمه خاتم نیز می‌گویند.

۳- واحد شمارش خاتم حاشیه.

tasme-ye xātam تسمه خاتم
← تسمه.

تسمه شش گلی

tasme-ye šešgoli

نوار باریکی از خاتم حاشیه از نوع شش گلی که برای تزئین حاشیه‌های قاب یا تسمه‌کشی طرح‌های گره به کار می‌رود.

tasme kardan تسمه کردن

کنار هم قرار دادن و به هم چسباندن قطع‌های (قدهای) خاتم حاشیه برای پرس گذاشتن آنها؛ کنار هم گذاشتن و به هم چسباندن منشوره‌های مسدس القاعده‌ای که روی آنها دو مثلث سه پخ یا دو پوزه چسبانده شده و به شکل ناودانی درآمده است، به طوری که شش ضلعی بعدی درون شیار ناودانی شش ضلعی قبلی قرار گیرد. این اصطلاح در مورد خاتم‌های

حاشیه به کار می‌رود، زیرا فقط خاتم‌های حاشیه هستند که اکثراً به صورت ناودانی به هم جفت و تسمه می‌شوند.

tasmekeši تسمه‌کشی

۱- عمل پوشاندن خطوط گره با نوار باریکی از خاتم در مرحله اجرای کار. برای تسمه‌کشی از خاتم‌های حاشیه استفاده می‌شود. پس از تسمه‌کشی طرفین نوارهای خاتم را قاطعی کشی می‌کنند و سپس شکل‌های هندسی بین تسمه‌کشی‌ها را با خاتم متن می‌پوشانند.

۲- هر یک از خطوط طرح گره که با نوار باریکی از خاتم حاشیه پوشانده شده است.

تغار استخوان

taqār-e ostexān

ظرفی که استخوان‌ها را در آن می‌خیسانند. این ظرف در قدیم به هسین معروف بود.

taqqe

تَقّه

ضربه کوچک و ملایم.

فاصله نامطلوبی بین آنها به وجود نیاید. این دستگاه متشکل از دو صفحه، یکی در بالا و یکی در پایین، است که فاصله آنها را می‌توان با پیچ به اندازه دلخواه تنظیم کرد. به آن پرس نیز می‌گویند. -: تصویر شماره ۵.

تنگ آستر کردن خاتم

tang-e āstarkardan-e
xātam

-: تنگ طوره‌کنی.

تنگ آسترکنی

tang-e āstarkoni

-: تنگ طوره‌کنی.

تنگ آهن tang-e āhan
تخته رند قفلی که کف آن را با ورق فلزی به ضخامت یک میلی‌متر بپوشانند تا ورق‌های خاتم هنگام پشت‌گیری یک‌گندگی از کار درآید. همچنین -: تخته رند قفل.

تنگ استخوان‌سابی

tang-e ostexānsābi

تنگی که منشورهای مثلث القاعده استخوانی را در آن جا می‌دهند و می‌سابند.

تَقّه زدن taqqe zadan
وارد کردن ضربه‌های کوچک و ملایم به چیزی.

تند ده tond-e dah
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره‌چینی کاربرد دارد.

تند و کند گیوه

tond-o-kond-e give
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت طرح گره چینی کاربرد دارد.

تنگ tang

۱- قطعه چوبی، معمولاً از جنس کینگم و گاه شمشاد، به شکل مکعب مستطیل که در میان آن شیاری طولی تعبیه و روی تخته رند سوارش می‌کنند. فراخی شیار میان تنگ به کاربرد آن بستگی دارد، مثلاً، شیار تنگ مثلث‌سایب تنگ‌تر و شیار تنگ پسرّه‌سایب فراخ‌تر است. مثلث‌ها، مفتول‌ها، پسرّه‌ها و شش‌ها را در این تنگ‌ها می‌نهند و می‌سابند.

۲- دستگاهی که قامه خاتم را در آن قرار می‌دهند و از بالا و پایین به آن فشار وارد می‌آورند تا گل‌های خاتم کاملاً به یکدیگر جفت شوند و

تنگ بغل شش سابی

tang-e baqalšesābi

تنگی که بغل شش‌ها را برای ساییدن در شیار آن جا می‌دهند. مقطع شیار این تنگ به شکل مثلث متساوی الاضلاع نیست، بلکه به شکل کاردی است.

تنگ پژه سابی

tang-e parresābi

تنگی که پژه‌ها و شش ضلعی‌های ریز یا شش‌های مرکز گل خاتم را در شیار آن می‌گذارند و می‌سایند. شیار این تنگ از شیار تنگ مثلث‌سابی فراخ‌تر و طول آن نیز بیشتر، یعنی ۳۵ - ۴۰ سانتیمتر است، اما طول تخته‌رندی که روی آن سوار می‌شود مانند سایر انواع تخته‌رندها ۸۰ سانتیمتر است.

تنگ توگلو سابی

tang-e tugalusābi

تنگی که برای ساییدن توگلوها و شش‌ضلعی‌های بزرگ‌تر، یعنی شش‌ضلعی‌هایی به کار می‌رود که حلقه شده‌اند و شش جویی نیز در دهانه‌های آنها جا گرفته است. شیار این تنگ از شیار تنگ مثلث‌سابی

فراخ‌تر و طول آن نیز بیشتر، یعنی حدود ۳۵ سانتیمتر، است.

تنگ درآوردن

tang darāvardan

ایجاد شیاری با مقطع مثلث شکل روی قطعه‌ای چوب به کمک تیز سوهان و تبدیل آن به یکی از انواع تنگ.

تنگ سیم سابی

tang-e simsābi

تنگی که سیم یا مفتول را در آن می‌سابند.

تنگ سیم کوبی

tang-e simkubi

سندان کوچکی به شکل گوه که سطح فوقانی آن مربعی به ابعاد حدود ۸×۸ سانتیمتر است و در میان آن شیاری وجود دارد که سیم یا مفتول را در آن می‌گذارند و می‌کوبند تا مقطع مدور مفتول مثلثی شکل شود. بخش پایینی سندان مثل میخ، نوک باریک است و هنگام کار آن را در تخته یا کنده فرو می‌کنند تا ثابت بماند.

تنگ طوره کنی

tang-e torekoni

تنگی که ورق‌های دوزایه و آستر شده خاتم را در آن می‌گذارند تا آستر کاملاً به خاتم بچسبد. این نوع تنگ متشکل است از دو تیرک عمودی در هر طرف و دو صفحه - یکی در بالا و یکی در پایین - که فاصله آنها با پیچ به اندازه دلخواه تنظیم می‌شود.

تنگ گذاشتن

tang gozāshan

نهادن قامه خاتم در دستگاه تنگ یا پرس برای آنکه قطع‌های خاتم که در کنار هم قطار شده‌اند کاملاً به یکدیگر بچسبند، در هم جا بیفتند و نقشی یکپارچه بسازند. فشار وارد شده به قامه در تنگ باید متعادل باشد. در صورتی که فشار به اندازه کافی نباشد بین نقش‌ها فاصله می‌افتد و چنانچه فشار بیش از حد باشد نقش‌ها از شکل می‌افتند. به این کار پرس کردن و پرس گذاشتن نیز می‌گویند.

تنگ مثلث سابی

tang-e mosallassābi

تنگی که مثلث‌های چوبی را برای

ساییدن در شیار آن قرار می‌دهند.

tukās

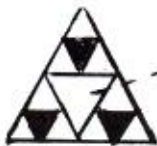
توکاس

مقعر؛ کاو؛ گود.

tugalu

توگلو

عنصری که فاصله بین گل‌های خاتم را پر می‌کند و مقطع مثلثی دارد. توگلو معمولاً از چهار پره، یعنی ۱۶ مثلث ریز تشکیل می‌شود، اما ممکن است برای پر کردن فاصله بین گل‌ها از یک مثلث درشت، یا سه مثلث درشت و یک پره یا سه پره و یک مثلث استفاده شود. توگلو در برخی از انواع خاتم پروارو از ۳۶ مثلث ریز تشکیل یافته است.



مثلث سه‌بغ

توگلو استخوان

tugaluostexān

← : خاتم توگلو استخوان.

tugalu-ye sefid توگلو سفید

توگلوبی متشکل از سه مثلث سه یخ استخوانی و یک پوزه.

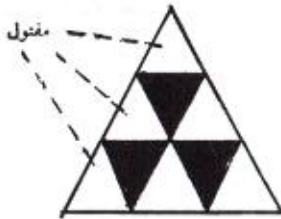


توگلو سیمی

tugalu-ye simi

۱- توگلوبی که تعداد مفتول‌های به کار رفته در آن زیاد باشد.

۲- نوعی نه تایی که مفتول‌ها در مرحله وارو زدن آن روی مثلث‌های چوبی قرار می‌گیرند.



توگلو سی و شش تایی

tugalu-ye si-yo-šestāyi

توگلوبی که از ۳۶ مثلث یا ۴ نه تایی تشکیل یافته است. این نوع توگلو معمولاً به گونه‌ای ساخته می‌شود که یکی از نه تایی‌ها با سه نه تایی دیگر تفاوت داشته باشد، بدین معنا که اگر

توگلو استخوان

tugaluostexān

← : خاتم توگلو استخوان.

توگلو سبز

tugalusabz

← : خاتم توگلو سبز.

توگلو قرمز

tugaluqermez

← : خاتم توگلو قرمز.

توگلو مروارید

tugalumorvārid

← : خاتم توگلو مروارید.

توگلو استخوان

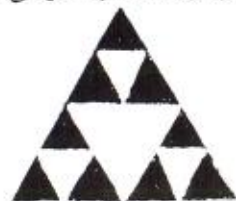
tugalu-ye ostexān

← : توگلو استخوان.

توگلو استخوانی

tugalu-ye ostexāni

توگلوبی که تماماً از استخوان و یا بخش زیادی از آن از استخوان باشد. به آن توگلو استخوان نیز می‌گویند.



توگلو یکپارچه استخوان

tugalu yekpārčestexān

— : خاتم توگلو مروارید.

توگلوئی یکپارچه

tugalu-ye yekpārče

توگلوئی تمام چوب یا استخوان.

توگلوئی یکپارچه استخوان

tugalu-ye

yekpārčestexān

توگلوئی که تماماً از استخوان باشد، یعنی از یک مثلث درشت استخوانی تشکیل یافته باشد. این نوع توگلو را از لایی می‌برند که از پشت قلم مسج شتر به دست می‌آید.

tugalu

توگلو

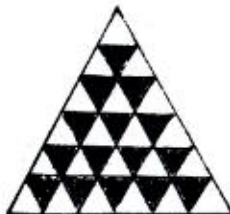
توگلو در اصطلاح خاتم سازان اصفهان. — : توگلو.

tahborid-e

ته بریده

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره‌چینی کاربرد دارد.

سه ته‌تایی واروی مفتول خورده باشد، ته‌تایی چهارم بایستی واروی چوبی بخورد و بالعکس. معمولاً واروی ته‌تایی‌ها در توگلوهای سی و شش تایی خاتم‌های اصفهان از جنس مفتول است، به همین دلیل توگلوئی اصفهانی را توگلوئی سیمی نیز می‌گویند، حال آنکه در توگلوهای خاتم‌های شیراز بیشتر واروها مثلث‌های چوبی‌اند.



نصب می‌کنند. به آن گیلویی نیز می‌گویند.

تیرک ابزار خورده

tirak-e abzārxorde

تیرک گود، تیرک مقعر یا توکاس. در بین خاتم‌سازان اصفهان به تیرک توکاس معروف است.

tirak-e abzāri

تیرک ابزاری تیرکی که مرکب از چند ابزار مختلف باشد، یا چند نوع ابزار خورده باشد.

tirak-e paxi

تیرک پخی تیرک کاردی در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان. ←: تیرک کاردی.

tirak-e tukās

تیرک توکاس تیرک ابزارخورده در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهانی. ←: تیرک ابزار خورده.

tirak-e kārdi

تیرک کاردی تیرک شیبدار؛ تیرکی که به سمت داخل شیب دارد و مقطع آن به شکل مثلث قائم‌الزاویه باریک است. در بین خاتم‌سازان اصفهان به تیرک پخی معروف است.

tahqāme

ته قامه

بخش یا بخش‌هایی از آخرین دو زایه یا برش قامه خاتم که به علت نامساوی بودن طول مفتول‌ها یا استخوان‌هایی که در ساختش به کار رفته است ریختگی دارد، یعنی در بخش‌هایی از آن جای مفتول یا استخوان خالی مانده است. از این بخش‌ها در اجرای خاتم استفاده نمی‌شود.

ti

تی

صورت کوتاه شده تیز؛ نوک تیز سوهان.

tirak

تیرک

بخشی از قاب که خاتم متن روی آن نصب می‌شود و بین حاشیه دهانه و حاشیه بیرونی قاب جا دارد. تیرک ممکن است گود، گرده‌ماهی یا عدسی، کاردی یا شیبدار و یا ترکیبی از این شکل‌ها باشد، همچنین تیرک بسته به اندازه قاب ممکن است باریک یا پهن باشد. تیرک را پیش از نصب آن بر روی قاب ابزار می‌زنند، خاتم و سپس پرداخت می‌کنند، بعد آن را به اندازه قاب می‌برند و روی آن

tirak-e gerd تیرک گرد

تیرک گیلویی یا گرده ماهی. به آن گیلویی عدسی، گیلویی گرد و گیلویی گرده ماهی نیز می‌گویند.

تیرک گرداندن

tirak gardāndan

نصب تیرک روی چهار ضلع قاب. به این کار گیلویی گرداندن نیز می‌گویند.

تیرک گرده ماهی

tirak-e gordemāhi

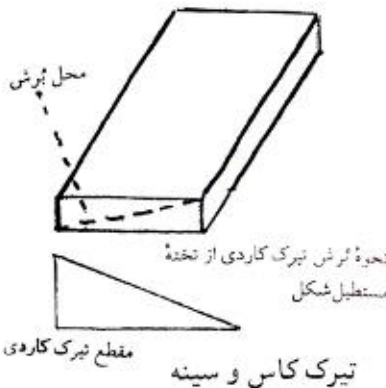
تیرک گیلویی در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهانی. ← تیرک گیلویی.

tizbor تیزبر

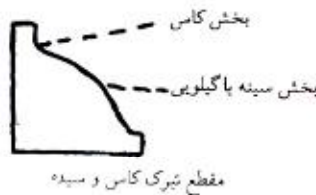
وسیله‌ای برنده شبیه تیغ موکت‌بری یا گزن کفاشی که در بعضی از کارگاه‌های خاتم‌سازی به جای اره سرقطع‌کن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

tizsohān تیز سوهان

نوک تیز سوهان دو دم؛ سوهان دو دمی که پس از فرسوده شدن، نوک دسته‌اش را تیز می‌کنند و از آن برای تنگ درآوردن، تمیز کردن شیار تنگ و زدودن چسب اضافی کناره کار استفاده می‌کنند. همچنین از این

**tirak-e kās-o-sine**

تیرکی که بخشی از آن گود و بخشی برجسته باشد. به آن تیرک کاس و گرد و تیرک کاس و گیلویی نیز می‌گویند.



تیرک کاس و گرد

tirak-e kās-o-gerd

← تیرک کاس و سینه.

تیرک کاس و گیلویی

tirak-e kās-o-giluyi

← تیرک کاس و سینه.

وسيله گاه به جای مُغار استفاده می‌شود. برای جازنی بخش‌هایی از خاتم که ریختگی داشته باشد نیز از تیز سوهان استفاده می‌کنند.

تیزک tizak

تیغ‌های فلزی به ابعاد تقریبی ۱۵ سانتیمتر طول، ۱ - ۳ سانتیمتر پهنا و ۰/۴ - ۰/۵ میلیمتر ضخامت که سر برنده آن فارسی (اریب) و دُمش تیز است. از این وسیله بیشتر در مرحله اجرای کارهای خاتم معرق استفاده می‌شود، بدین معنا که قطعات خاتم معرق را با نوک تیز آن جا به جا می‌کنند و یا قطعه‌ای را که به طور آزمایشی روی کار نصب کرده‌اند، از

سطح کار جدا می‌کنند.

تیشه tiše

وسيله‌ای شبیه چکش با لبه تیز افقی. این وسیله برای صاف کردن استخوان - قبل از برش آن با ماشین - به کار می‌رود.

تیشه کردن tiše kardan

صاف کردن مقدماتی استخوان، یعنی گرفتن قوز یا ناهمواری‌های استخوان قبل از برش آن با اره.

تیغ پرداخت tiq-e pardāxt

ابزاری متشکل از تیغه فلزی نسبتاً پهن و کوتاه با دسته‌ای از جنس چوب. این وسیله برای زدودن لک یا جرم از روی خاتم به کار می‌رود.

ج

جعبه زنانه

ja'be-ye zanāne

نوعی جعبه خاتم که در قدیم ساخته می شد. معمولاً داخل این جعبه خانه بندی می شد و خاتم ها وسایلی همچون جواهرات، لوازم آرایش و غیره را در آن جا می دادند.

جفت و جذب شدن

joft-o-ĵazb šodan

در هم جا افتادن گل های خاتم هنگام تنگ گذاشتن قامه خاتم به نحوی که نقشی یکپارچه حاصل شود و بین گل ها هیچ گونه درز نامطلوبی پدید نیاید.

jam' šodan جمع شدن

← : جمع کردن.

jam' kardan جمع کردن

کم شدن تدریجی حجم چوب در نتیجه از دست رفتن رطوبت آن. در صورتی که چوب جمع کند، کج و معوج می شود و به همین دلیل برای

جازنی

jāzani

ترمیم بخش هایی از خاتم نصب شده روی سطح اشیا که بعضی از مفتول های آن هنگام برش یا ساییدن ریخته باشد. برای جازنی مفتول کوچکی در جای خالی هر یک از مفتول های ریخته می گذارند.

جان خاتم

jān-e xātam

انعطاف ناپذیری و مقاومت خاتم که موجب می شود ورق خاتم، در صورتی که بی جان نشود، به مرور ایام از سطح کار جدا گردد.

جان خاتم را گرفتن

jān-e xātam rā gereftan

انعطاف بخشیدن به ورق خاتمی که قرار است روی شیئی نصب شود. این کار با ایجاد شیارهای کوچک طولی و عرضی روی آستر آن صورت می پذیرد. این عمل را بی جان کردن خاتم نیز می گویند.



جووی پرکردن

joyi porkardan

از مراحل گل پیچیدن. این مرحله عبارت است از قرار دادن شش جووی در دهانه‌های گل خاتم که به شکل ستاره درآمده است؛ پر کردن فاصله بین پره‌های ستاره با جووی.



joyisimi

جووی سیمی

← : خاتم جووی سیمی.

جووی شیرازی

jovi-ye širāzi

← : جووی شیرازی.

زیرسازی اشیای خاتم از چوب کاملاً خشک استفاده می‌کنند.

جو کردن jo kardan

خُرد کردن قاطعی؛ بریدن قاطعی به قطعات ۳ - ۵ میلیمتری برای ساختن قاطعی جووی که با قطعات سفید و سیاه و با آرایش یک در میان ساخته می‌شود.

جووی jovi

← : جووی.

جووی پرکردن

jovi porkardan

← : جووی پر کردن.

جووی joyi

منشوری با قاعده‌ای لوزی شکل که یکی از اجزای سازنده گل‌های خاتم است و نیز مقطع لوزی شکل این منشور که روی سطح خاتم مشاهده می‌شود. جووی را از لا می‌برند و نیازی به ساییدن ندارد. در ساخت گل خاتم معمولاً پَرّه روی جووی قرار می‌گیرد.

جوی شیرازی

joyi-ye širāzi

جویی که در شیراز بریده و آماده شده
باشد.

چ

دروذگران چپ و راست دارند، در غیر این صورت هنگام اره کشیدن به چوب گیر می‌کنند.

چپ و راست کردن

čap-o-rāst kardan

مایل کردن دنده‌های اره به صورت یک در میان به سمت چپ و راست به کمک چپ و راست کن اره. با این کار سطح برش تیغه اره پهن‌تر می‌شود و هنگام اره کشیدن به چوب گیر نمی‌کند.

چپ و راست کن اره

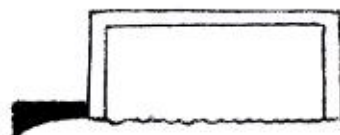
čap-o-rāst kon-e arre

وسیله‌ای که برای چپ و راست کردن دنده‌های اره به کار می‌رود. چپ و راست کن اره‌های دستی عبارت است از تیغه‌ای فلزی و کوچک به شکل مربع مستطیل به ضخامت یک میلیمتر که یکی از لبه‌هایش شکافی به شکل مثلث دارد. شکاف چپ و راست کن، که گشادی دهانه آن به

چارچوب اره

čārčub-e arre

اسکلت چوبی اره‌های چارچوب‌دار، شامل دسته اره و چارچوبی که تیغه به آن متصل می‌شود.



čārsu

چارسو

چهار گوشه قاب یا هر شیء مستطیل شکل دیگری نظیر میز، صندوق و غیره.

čāq kardan

چاق کردن

تیز کردن وسیله برنده‌ای همچون اره و مانند آن.

čap-o-rāst

چپ و راست

میل ملایم دنده‌های اره به طور یک در میان به سمت چپ و راست. بیشتر اره‌ها، حتی اره‌های بسیار ظریف، به اصطلاح خاتم‌سازان و

گل پیچیدن برای به هم چسباندن اجزای گل خاتم، یعنی منشورهایی به کار می‌رود که مقطع مثلث یا لوزی دارند. از چسب سرد در برخی از کارگاه‌ها هم برای گل پیچیدن استفاده می‌کنند و هم برای چسباندن ورق خاتم به سطح اشیا. به سریش سفید نیز معروف است.

češme چشمه
منفذ چوب.

česmegiri چشمه‌گیری
مسدود کردن منافذ چوب با استفاده از بتونه برای جلوگیری از نشت کردن رنگ در چوب.

چکش سیم‌کوبی
čakkoš-e simkubi

چکش‌شی شبیه چکش مسگری و اندکی سنگین‌تر از چکش معمولی که در قدیم سیم یا مفتول را با آن می‌کوبیدند و به منشوری با مقطع مثلث تبدیلش می‌کردند.

čenār چنار
نوعی چوب که به صورت رنگ شده در خاتم‌سازی مورد استفاده قرار

اندازه فاصله بین دندان‌های اره است، بین دنده‌ها جا می‌افتد و با فشار اندکی که به تیغه وارد می‌شود، دنده به چپ یا راست تمایل پیدا می‌کند. چپ و راست کنی که برای چپ و راست کردن دنده‌های اره‌های برقی، مثل اره فلکه و اره گرد به کار می‌رود، وسیله‌ای به شکل گازانبر است.

چرخ سیم‌کشی
čarx-e simkeši

← سیم چرخ‌کن.

چرخ کردن
čarx kardan
گذراندن سیم از دستگاه سیم چرخ‌کن برای آنکه مقطعش از دایره به مثلث تبدیل شود؛ نورد کردن مفتول به گونه‌ای که به صورت سه پخ درآید.

چسب تینری
časb-e tineri
نوعی چسب شیمیایی که در برخی از کارگاه‌ها برای چسباندن ورق خاتم به سطح اشیا به کار می‌رود. استفاده از این نوع چسب کیفیت خاتم را پایین می‌آورد.

چسب سرد
časb-e sard
نوعی چسب شیمیایی که در مرحله

می‌گیرد. چوب چنار از بقیهٔ چوب‌ها رنگ‌پذیرتر است و در مدت زمان کوتاهی رنگ می‌گیرد.

چوب برق‌زده

čub-e barqzade

چوبی که به علت صاعقه یا آفت‌زدگی خشک و پوک شده باشد. این‌گونه چوب نامرغوب است و برای زیرسازی اشیای خاتم به کار نمی‌رود.

چوب پخته čub-e poخته

چوبی که آن را پیش از پرس شدن در مواد خاصی می‌جوشانند و بخار می‌دهند و سپس خشک می‌کنند. چوب پخته بهترین چوب برای زیرسازی اشیای خاتم است، زیرا به مرور ایام و بر اثر تغییر دما کج و

معوج نمی‌شود و تاب برنمی‌دارد.

چوب جنگلی

čub-e jangali

چوبی که از درختان جنگلی نظیر توسکا و افرا به دست می‌آید و برای زیرسازی بخش‌هایی از اشیای خاتم، مثل پایه‌ها، کشوها و ابزارهای کنار میزهای خاتم به کار می‌رود.

چوب ساب čubsāb

← سوهان چوب‌ساب.

چوب سه‌لا (لآ)یی

čub-e sel(l)āyi

← تخته سه‌لایی.

چهار لنگه čahārlenge

آلتی در گره. این آلت در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

ح

حاشیه بغل شش سیمی

hāšiye-ye baqalšešsimi

نوعی حاشیه از انواع حاشیه شش گلی.

حاشیه پروارو

hāšiye-ye parvāru

نامی کلی برای چند نوع حاشیه که با گل‌های خاتم پرواروی متن ساخته می‌شود.

حاشیه پرواری تو گلو استخوان

hāšiye-ye parvāru-ye

tugaluostexān

حاشیه پروارویی که بخش اعظم تو گلوی آن از استخوان باشد.

حاشیه پژه‌ای

hāšiye-ye parre'i

نوعی حاشیه که بخش اعظم یا تمامی آن با پژه ساخته شده باشد.

hāšiye

حاشیه

۱- ← : خاتم حاشیه.

۲- کناره هر شئی.

حاشیه ابری

hāšiye-ye abri

حاشیه‌ای که از خاتم ابری ساخته شده باشد.

حاشیه برگ بید

hāšiye-ye barg-e bid

حاشیه برگی در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان ← : حاشیه برگی.

حاشیه برگی

hāšiye-ye bargi

نوعی حاشیه از انواع حاشیه شش گلی که نقشمایه آن به برگ درخت شباهت دارد. در بین خاتم‌سازان اصفهان به حاشیه برگ بید معروف است.

حاشیه پژه شانزده تایی

hāšiye-ye

parrešānzdahtāyi

نوعی حاشیه که گل آن از شانزده پژه تشکیل شده است.

حاشیه تاجی

hāšiye-ye tāji

نوعی حاشیه از خانواده شش گلی. تقسیمایه آن به شکل شماری تاج یا نیم ستاره است که به شکل متناوب در بالا و پایین حاشیه آرایش می یابند. به نام های حاشیه تمام تاج، حاشیه شش گلی تاجی، حاشیه نیم شمس، حاشیه نیمه شمس، شش تاجی، شش تمام تاج و شش تمام تاجی نیز معروف است.

حاشیه تخمه دار

hāšiye-ye toxmedār

← حاشیه تخمه دار شش گلی.

حاشیه تخمه دار جویی سیمی

hāšiye-ye toxmedār-e

joyisim-i

← حاشیه تخمه دار شش گلی.

حاشیه تخمه دار شش گلی

hāšiye-ye toxmedare-e

šešgoli

نوعی حاشیه شش گلی که شش ضلعی میان آن از سه مثلث قرمز و سه مثلث سفید تشکیل یافته است، جویی آن متشکل از دو مفتول است و فضای بین شش ضلعی ها با مثلث های درشت یا سه پخ پر می شود. به نام های حاشیه تخمه دار، حاشیه تخمه دار جویی سیمی، حاشیه جوسیمی، حاشیه جویی سیمی، حاشیه شش گلی و حاشیه شش گلی تخمه دار نیز معروف است. ← طرح شماره ۲.

حاشیه تمام تاج

hāšiy-ye tamāmtāj

← حاشیه تاجی.

حاشیه تو گلو مروارید

hāšiye-ye

tugalumorvārid

حاشیه ای که تو گلویش مثلثی یکپارچه از استخوان یا فیبر شبه عاج باشد. در اصطلاح خاتم سازان اصفهانی به حاشیه ای اطلاق می شود

حاشیه جویی سیمی

hāšiye-ye jōyisimi

← حاشیه تخمه‌دار شش گلی.

حاشیه جویی سیمی شش گلی

hāšiye-ye jōyisimi-ye**šēšgoli**

← حاشیه تخمه‌دار شش گلی.

حاشیه چشم بلبلی

hāšiye-ye čēšbolboli

نوعی خاتم حاشیه دو رنگ. این حاشیه معمولاً با استخوان یا فیبر شبه‌عاج و فوفل (قهوه‌ای) ساخته می‌شود و از انواع حاشیه مورد و مداخل است که به جای آنکه با منشورهایی با مقطع مثلث شکل ساخته شود، با مکعب ساخته می‌شود.

حاشیه چنگی

hāšiye-ye čangi

نوعی حاشیه که نقش مرکزی آن شبیه فرفره است و با قرار دادن یک مثلث اضافی روی یکی از اضلاع هر یک از مثلث‌های اطراف شمس و وسط حاصل می‌شود. این حاشیه در بین خاتم‌سازان اصفهان به حاشیه

که به حاشیه طره‌دار شباهت دارد و تو گلوی آن مثلثی یکپارچه از استخوان یا فیبر شبه‌عاج است.

حاشیه جو

hāšiye-ye jō
نوعی حاشیه متشکل از دو پره که به شکل لوزی کنار هم آرایش یافته‌اند. از این حاشیه بیشتر برای تزئین کناره‌های بیرونی قلاب استفاده می‌شود. به آن حاشیه جویی نیز می‌گویند.

← طرح شماره ۱.

حاشیه جوسیمی

hāšiye-ye jōsimi

← حاشیه تخمه‌دار شش گلی.

حاشیه جویی

hāšiye-ye jōyi

← حاشیه جو.

حاشیه جویی پره‌دار

hāšiye-ye jōyi-ye**parredār**

نوعی حاشیه جویی که فاصله بین گل‌های آن با پره پر می‌شود.

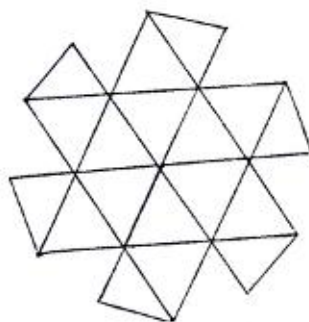
فره‌های معروف است.

زلفک نیز می‌گویند.

حاشیه شش گلی

hāšiye-ye šešgoli

نامی کلی برای چند نوع حاشیه که همگی به شیوه‌ای یکسان تسمه می‌شوند. بدین معنا که نخست شش ضلعی‌ها ناودانی می‌شوند، یعنی دو مثلث سه پخ یا دو پزه در دو سوی آنها جا می‌گیرد، سپس هر شش ضلعی در شیار بین دو پزه یا دو مثلث سه پخ شش ضلعی زیرین قرار می‌گیرد. به شش گلی نیز معروف است.



حاشیه دورقابی

hāšiye-ye dor-e qābi

هر نوع حاشیه‌ای که برای تزئین کناره‌های بیرونی قاب به کار رود.

حاشیه شش گلی تاجی

hāšiye-ye šešgoli-ye tāji

— : حاشیه تاجی.

حاشیه شش گلی تخمه‌دار

hāšiye-ye šešgoli-ye

toxmedār

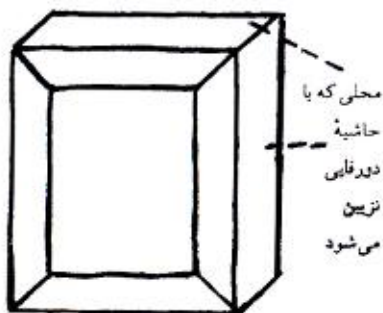
— : حاشیه تخمه‌دار شش گلی.

حاشیه شش گلی تمام تاج

hāšiye-ye šešgoli-ye

tamāmtāj

— : حاشیه تاجی.



حاشیه زلفک

hāšiye-ye zolfak

نوعی حاشیه دورنگ که به جای آنکه با منشوره‌های مثلث القاعده ساخته شود، با باریکه‌هایی با مقطع چهارگوش ساخته می‌شود. به آن

حاشیه شش گلی جناقی

hāšiye-ye šešgoli-ye

jenāqi

حاشیه‌ای از نوع شش گلی که نقش آن به شکل هفت و هشت است.

حاشیه شش گلی شمس‌دار

hāšiye-ye šešgoli-ye

šamsedār

← حاشیه شمس‌دار.

حاشیه شش گلی عالم زر

hāšiye-ye šešgoli-ye

ālamzar

نوعی حاشیه شش گلی که نقش آن از نوع خاتم متن عالم زر (هفت شمس) است. به حاشیه شش گلی هفت شمس، حاشیه شش گلی هفت شمس، شش عالم زر، شش هفت شمس و شش هفت شمس نیز معروف است.

حاشیه شش گلی قمی

hāšiye-ye šešgoli-ye

qomi

نوعی حاشیه شش گلی که نقش آن همان نقش خاتم متن پرواروی قمی است.

حاشیه شش گلی هفت شمس

hāšiye-ye šešgoli-ye

haftšams

← حاشیه شش گلی عالم زر.

حاشیه شش گلی هفت شمس

hāšiye-ye šešgoli-ye

haftšams

نوعی حاشیه از انواع حاشیه شش گلی که نقشیابه آن شمس‌ای از مفتول است. به حاشیه شش گلی شمس‌دار و شش شمس‌دار نیز معروف است.

حاشیه طره‌دار

hāšiye-ye torredār

نوعی حاشیه که نقش آن متشکل از دو ردیف لوزی و دو ردیف مثلث است که در بالا و پایین لوزی‌ها آرایش یافته‌اند.

حاشیه فرفره‌بی

hāšiye-ye ferfereyi

← حاشیه چنگی.

حاشیه گرداندن

hāšiye gardāndan

نصب خاتم حاشیه به گرداگرد شیئی همچون قاب عکس، میز، صندوق و

مانند آن.

حاشیه مورد

hāšīye-ye murd

نوعی حاشیه دو رنگ. این حاشیه معمولاً از استخوان یا فیبر شبه عاج و فوفل و از انواع حاشیه‌های مورد و مداخل است که در ساخت آن به جای منشورهای مثلث‌القاعده از مکعب استفاده می‌شود.

حاشیه مورد مکرر

hāšīye-ye murd-e**mokarrar**

نوعی حاشیه دو رنگ. این حاشیه معمولاً از استخوان یا فیبر شبه عاج و فوفل و از انواع حاشیه‌های مورد و مداخل است که در ساخت آن به جای منشورهای مثلث‌القاعده از مکعب استفاده می‌شود.

حاشیه مورد و مداخل

hāšīye-ye**murd-o-modāxel**

نوعی حاشیه دو رنگ که معمولاً از استخوان یا فیبر شبه‌عاج و فوفل است در ساخت آن به جای منشورهای مثلث‌القاعده از مکعب استفاده می‌شود. این حاشیه انواع گوناگونی

حاشیه گل و توگلو

hāšīye-ye gol-o-tugalu

حاشیه‌ای متشکل از یک ردیف گل درشت از نوع گل‌هایی که معمولاً برای ساختن خاتم‌های متن به کار می‌رود و توگلوهایی که فاصله‌های بین این گل‌ها را پر می‌کنند.

حاشیه لوزشمه‌دار

hāšīye-ye loz-e šamsedār

ه : حاشیه لوزی شمشه‌دار.

حاشیه لوزی شمشه‌دار

hāšīye-ye lozi-ye**šamsedār**

نوعی حاشیه که نقشمایه اصلی آن لوزی‌هایی است که در میان آنها شمشه‌ای جا دارد.

حاشیه مداخل

hāšīye-ye modāxel

نوعی حاشیه دو رنگ از انواع حاشیه‌های مورد و مداخل که به جای آنکه با منشورهای مثلث‌القاعده ساخته شود با مکعب ساخته می‌شود.

حاشیه یک گلی پروارو

hāšiye-ye yekgoli-ye**parvāru**

نوعی حاشیه متشکل از یک ردیف گل از نوع پروارو.

hadide

حدیده

صفحه‌ای فلزی با تعدادی سوراخ به اندازه‌های مختلف که مفتول ضخیم را در چند مرحله، نخست از سوراخ‌های درشت‌تر و سپس از سوراخ‌های ریزتر آن می‌گذرانند تا قطرش کاهش یابد و به اندازه دلخواه برسد. در حال حاضر مفتول به اندازه‌های دلخواه موجود است و به همین دلیل این وسیله امروزه در آماده‌سازی مفتول‌ها کاربرد زیادی ندارد.

hasiri

حصیری

شکل تسمه‌هایی که در طرح‌های گره، در محل تلاقی خطوط، مثل بافت حصیری یک در میان به صورت زیر و رو، روی خطوط گره نصب می‌شوند.

را، از جمله حاشیه چشم بلبل، حاشیه مداخل، حاشیه مورد و حاشیه مورد مکرر شامل می‌شود.

حاشیه نیم شمسه

hāšiye-ye nimšamse

← : حاشیه تاجی.

حاشیه نیم طره

hāšiye-ye nimtorre

نوعی حاشیه که نقشمایه آن عبارت است از لوزی‌هایی که از دو پسره تشکیل یافته‌اند؛ فاصله بین لوزی‌ها با مثلث‌های سه پخ پر می‌شود.

← : تصویر شماره ۴

حاشیه نیمه شمسه

hāšiye-ye nimešamse

← : حاشیه تاجی.

حاشیه یک گلی

hāšiye-ye yekgoli

نوعی حاشیه متشکل از یک ردیف گل‌های درشت‌تر از نوع گل‌هایی که در ساخت خاتم‌های متن به کار می‌رود. پهنای این نوع حاشیه از حاشیه‌های معمولی بیشتر است.

حلقه کردن

halqe kardan

شش ضلعی و تبدیل آن به ستاره. گل
خاتم ممکن است در چند مرحله -
یعنی بیش از یک بار - حلقه شود.

قرار دادن ۶ پیوه یا ۶ نه تایی در اطراف

خ

است نوع اعلا یا درجه دو نیز داشته باشد. ← : طرح شماره ۵

خاتم ابری دو دور

xātam-e abri-ye dodor

نوعی خاتم ابری که نقشمایه آن عبارت است از یک شش ضلعی در وسط، ۶ شش ضلعی که اطراف آن آرایش یافته‌اند و ۱۲ شش ضلعی دیگر که دایره بزرگتری گرد آنها تشکیل داده‌اند.

خاتم ابری سه دور

xātam-e abri-ye sedor

نوعی خاتم ابری که قطر نقشمایه‌اش به اندازه سه دور، یعنی سه دایره متحد‌المركز است که هر یک از شماری شش ضلعی تشکیل شده‌اند.

خاتم ابری گلنگی

xātam-e abri-ye kolangi

نوعی خاتم ابری که به شکلی آرایش می‌یابد که نقشمایه گلنگی حاصل شود.

خاتم آجری

xātam-e ājori

نوعی خاتم که در ساخت آن به جای منشور مثلث‌القاعده از مکعب مستطیل، یعنی از باریکه‌هایی با مقطع مستطیل استفاده می‌شود. طرز ساختن این نوع خاتم با خاتم معمولی تفاوت دارد، بدین معنا که چند لایه چوب به رنگ‌های دلخواه را طبق طرح مورد نظر روی هم می‌گذارند و به هم می‌چسبانند و بعد آنها را برش می‌دهند.

خاتم ابری

xātam-e abri

نوعی خاتم که تماماً با شش ضلعی‌هایی که دایره‌وار کنار هم آرایش می‌یابند، ساخته می‌شود. این نوع خاتم توگلو ندارد زیرا پره‌های اطراف شش ضلعی‌ها فاصله بین گل‌ها را پر می‌کنند. خاتم ابری از نوع خاتم‌های درجه یک است، اما ممکن

خاتم ابری مشکی

xātam-e abri-ye meški

نوعی خاتم ابری که زمینه‌اش سیاه و تخته‌هایش سفید و قرمز است.

خاتم ابری یک دور

xātam-e abri-ye yekdor

نوعی خاتم ابری که نقشمایه‌اش عبارت است از یک شش ضلعی در وسط و ۶ شش ضلعی که دایره‌وار پیرامون آن آرایش یافته‌اند.

خاتم استثنایی

xātam-e estesnāyi

خاتمی که نه به روش معمول، بلکه به شیوه‌ای پیچیده می‌شود که شکل خاصی را در طرح گره پوشاند. این نوع خاتم توگلو ندارد و چند ضلعی مرکزی آن معمولاً هشت یا ده یا دوازده ضلعی است. ساخت خاتم‌های استثنایی دشوار و مستلزم دقت و حوصله فراوان است و به همین دلیل امروزه کمتر ساخته می‌شود. نمونه‌های این نوع خاتم را می‌توان روی درها و صندوق‌های اماکن متبرکه مشاهده کرد. نیز ← : خاتم تک‌گل.

خاتم بتّه جقه‌ای

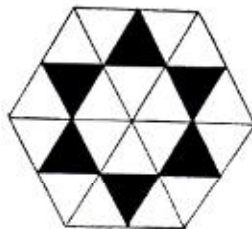
xātam-e bottejeqqe'i

نوعی خاتم پژه‌ای. ساخت این خاتم به گونه‌ای است که نقشمایه‌اش به بتّه جقه شباهت دارد.

خاتم بغل شش سیمی

xātam-e baqalšešsimi

خاتمی که شش ضلعی میان آن از ۶ پژه سیمی تشکیل یافته باشد. این نوع خاتم معمولاً در مقوله خاتم‌های پروارو طبقه‌بندی می‌شود. به آن بغل شش سیمی نیز می‌گویند.



شش وسط خاتم بغل شش سیمی

خاتم بغل شش سیمی سبز

xātam-e baqalšešsimi-ye**sabz**

نوعی خاتم بغل شش سیمی که دهانه‌های گل آن با بغل شش سبز پر می‌شود. به آن بغل شش سیمی سبز

نیز می‌گویند.

خاتم بغل شش سیمی قرمز

xātam-e baqalšešsimi-ye

qermez

نوعی خاتم بغل شش سیمی که دهانه‌های گل آن با بغل شش قرمز پر می‌شود. به آن بغل شش سیمی قرمز نیز می‌گویند.

خاتم بند

xātamband

← خاتم پیچ

خاتم بیست و پنج شش

xātam-e bist-o-panjšeš

نوعی خاتم ابری که لوزش از ۲۵ شش ضلعی تشکیل شده است.

خاتم پُرکار

xātam-e porkār

خاتمی که در مراحل مختلف ساخت آن دقت و ظرافت زیادی به کار رود. این نوع خاتم معمولاً ریزبافت و پرمفتول است.

خاتم پروارو

xātam-e parvāru

یکی از متداول‌ترین انواع خاتم که در ساخت آن بیشتر از پره‌های نه‌تایی

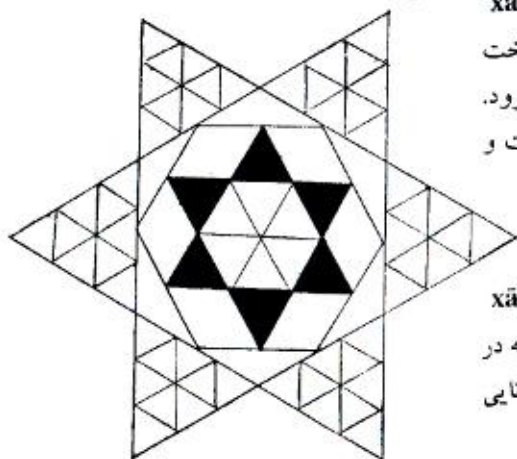
استفاده می‌شود. تو گلوی این نوع خاتم معمولاً از ۳۶ مثلث، یعنی ۴ نه‌تایی، تشکیل می‌شود. خاتم پروارو از نوع خاتم‌های درجه یک است و هم در متن به کار می‌رود و هم در حاشیه. به پروارو نیز معروف است.

خاتم پرواروی بغل شش سیمی

xātam-e parvāru-ye

baqalšešsimi

پروارویی که شش ضلعی مرکزیش از ۶ پره سیمی تشکیل شده است و ۶ بغل شش سبز (خاتم پرواروی بغل شش سیمی سبز) یا قرمز (خاتم پرواروی بغل شش سیمی قرمز) در اطراف آن آرایش یافته‌اند. به آن پرواروی بغل شش سیمی هم می‌گویند.



خاتم پرواروی تخمه‌دار

xātam-e parvāru-ye

toxmedār

نوعی خاتم پروارو که شش ضلعی مرکزی آن دو رنگ، یعنی به صورت تخمه است. به آن پرواروی تخمه‌دار نیز می‌گویند.

خاتم پرواروی توگلو استخوان

xātam-e parvāru-ye

tugaluostexān

← : خاتم پرواروی توگلو مروارید.

خاتم پرواروی توگلو سفید

xātam-e parvāru-ye

tugalusefid

خاتم پروارویی که بخش اعظم تو گلو آن از استخوان باشد، مثلاً از یک سه تایی و ۳ مثلث درشت استخوانی تشکیل یابد. به آن پرواروی توگلو سفید هم می‌گویند.



نوعی توگلو خاتم

پرواروی توگلو

سفید

خاتم پرواروی توگلو سیمی

xātam-e parvāru-ye

tugalusimi

خاتم پروارویی که بخش اعظم تو گلویش مفتول باشد. به آن پرواروی توگلو سیمی نیز می‌گویند.

خاتم پرواروی توگلو مروارید

xātam-e parvāru-ye

tugalumorvārid

خاتم پروارویی که تو گلو آن مثلثی درشت از استخوان باشد. به آن پرواروی توگلو استخوان، پرواروی تو گلو مروارید؛ پرواروی توگلو یکپارچه استخوان؛ خاتم پرواروی توگلو استخوان و خاتم پرواروی توگلو یکپارچه استخوان نیز می‌گویند.

خاتم پرواروی توگلو یکپارچه

استخوان

xātam-e parvāru-ye

tugaluyekpārčeastexān

← : خاتم پرواروی توگلو مروارید.

خاتم پرواروی قمی

xātam-e parvāru-ye

qomi

از انواع خاتم پروارو که در مقوله خاتم‌های عالم‌زر جا می‌گیرد و نقشمایه آن عبارت است از شمشه‌ای در مرکز که ۶ نقش هلال مانند پیرامون آن آرایش یافته‌اند. این نوع خاتم از بهترین انواع خاتم‌های پروارو است. به خاتم عالم زر قمی و خاتم قمی نیز معروف است.

خاتم پرواروی متن

xātam-e parvāru-ye matn

خاتم پروارویی که برای تزیین سطوح وسیع به کار می‌رود. هر لوز این نوع خاتم متشکل از ۴ گل و ۸ توگلوست.

خاتم پرواروی هفت شمس

xātam-e parvāru-ye

haftšams

← : خاتم پرواروی هفت شمشه.

خاتم پرواروی جویی سیمی

xātam-e parvāru-ye

jōyisimi

نوعی خاتم پروارو که شش ضلعی مرکزیش به شکل تخمه و جویی آن از مفتول است. به آن پرواروی جویی سیمی نیز می‌گویند.

خاتم پرواروی شمشه‌دار

xātam-e parvāru-ye

šamsedār

نوعی خاتم پروارو که در مرکز نقش آن شمشه‌ای جا دارد. به آن خاتم شمشه‌دار نیز می‌گویند. ← : طرح شماره ۶

خاتم پرواروی شمشه‌دار بیست و

چهار

xātam-e parvāru-ye

šamsedar-e bist-o-čahār

خاتم پرواروی شمشه‌داری که در ساخت آن از مفتول بیست و چهار، یعنی مفتول خیلی باریک استفاده شده باشد.

خاتم پرواروی هفت شمسه

xātam-e parvāru-ye**haftšamse**

خاتمی از نوع پروارو که نقشمایه آن ۷ شمسه است که یکی از آنها در مرکز جادارد و ۶ شمسه دیگر در اطراف آن آرایش یافته‌اند. خاتم هفت شمسه از انواع خاتم‌های عالم زر است. به نام‌های خاتم پرواروی هفت شمس، خاتم شش شمسه، خاتم عالم زرهفت شمسه، خاتم هفت شمس و خاتم هفت شمسه نیز معروف است.

خاتم پژه‌ای

xātam-e parre'i

خاتمی که تمامی آن با پژه ساخته شده باشد. در مواردی که ورق خاتم بایستی طبق طرحی خاص بریده و روی کار نصب شود، از این نوع خاتم استفاده می‌شود، زیرا به دلیل ریز بودن بافتش هنگام برش خوردن، شش ضلعی‌های آن ناقص نمی‌شوند. برای اجرای طرح‌های اسلیمی و گل و مرغ معمولاً از این نوع خاتم استفاده می‌شود.

خاتم پژه شانزده تایی

xātam-e**parrešanzdahtāyi**

خاتمی که پژه‌هایی که در ساختنش به کار رفته‌اند از ۱۶ مثلث تشکیل یافته باشد.

خاتم پنج

xātam-e panj
خاتمی که نقش میان آن یک پنج ضلعی متشکل از ۵ مثلث باشد.

خاتم پیچ

xātampič
کسی که منشورهای مثلث القاعده را چسب می‌زند، با آرایشی خاص کنار هم قرار می‌دهد و دورشان نخ می‌پیچد تا گل خاتم شکل بگیرد. به خاتم‌بند و گل‌بند نیز معروف است.

خاتم پیچی

xātampiči
از مهارت‌های لازم در کار خاتم‌سازی و آن عبارت است از کنار هم نهادن مثلث‌ها و جویی‌ها و چسباندن و به هم پیچیدن آنها به گونه‌ای که گل خاتم شکل بگیرد. به گل‌بندی نیز معروف است. همچنین - گل پیچیدن.

خاتم تک گل

xātam-e takgol

خاتمی که به صورت گلی منفرد به اندازه‌ها و شکل‌های مختلف مثل پنج‌ضلعی، لوزی، بادامی و مانند آن پیچیده می‌شود و برای پرکردن شکلی خاص در طرح گره به کار می‌رود. هنگام پرس گذاشتن این نوع خاتم، فضای بین گل‌ها را به جای توگلو با چوب ساده پر می‌کنند و در مرحله نصب روی کار چوب دور آن را می‌گیرند و اطرافش را قاطعی کشی می‌کنند. همچنین ← : خاتم استثنایی.

خاتم توگلو استخوان

xātam-e tugaluoostexān

خاتمی که توگلوی آن استخوان یکپارچه نباشد، بلکه بخش اعظم آن از استخوان تشکیل یافته باشد. به توگلو استخوان نیز معروف است.

خاتم توگلو سبز

xātam-e tugalusabz

خاتمی که بخش اعظم توگلوش سبز باشد. به توگلو سبز نیز معروف است.

خاتم توگلو سیمی

xātam-e tugalusimi

خاتمی که بخش اعظم توگلوی آن از مفتول تشکیل یافته باشد.

خاتم توگلو قرمز

xātam-e tugaluermez

خاتمی که بخش اعظم توگلوی آن قرمز باشد. به توگلو قرمز نیز معروف است.

خاتم توگلو مروارید

xātam-e tugalumorvārid

خاتمی که توگلوی آن یکپارچه و از استخوان باشد. به توگلو مروارید، توگلو یکپارچه استخوان و خاتم توگلو یکپارچه استخوان نیز معروف است.

خاتم توگلو یکپارچه استخوان

xātam-e**tugaluyekpārčeostexān**

← : خاتم توگلو مروارید.

خاتم جفت و جذب

xātam-e joft-o-jazb

خاتمی که به اصطلاح خاتم‌سازان آورده باشد، یعنی، بین گل‌های آن فاصله و درز نامطلوبی وجود نداشته

باشد.

خاتم حاشیه

xātam-e hāšiye

خاتمی که برای تزئین حاشیه‌ها یا کناره‌های اشیاء به کار می‌رود. خاتم حاشیه به صورت نواری باریک است و معمولاً یک یا ۲ یا ۳ اوه در دو طرفش قرار می‌گیرد. این نوع خاتم نیز، همانند خاتم متن، به انواع اعلا، درجه یک، دو و سه تقسیم‌بندی می‌شود. به آن حاشیه نیز می‌گویند.

خاتم خرد کردن

xātam xord kardan

قرار دادن ورق خاتم در خاتم خرد کن و انحنای دادن به آن. به این عمل خرد کردن خاتم نیز می‌گویند.

خاتم خردکن

xātam xordkon

قطعه چوبی به شکل مکعب مستطیل به طول ۳۰ سانتیمتر و عرض ۷ - ۸ سانتیمتر که در وسط سطح فوقانی آن شیار طولی و گود تعبیه شده است. هنگامی که قرار باشد ورق خاتم روی سطحی گود یا برجسته نصب شود، نخست آن را درون شیار خاتم خردکن جا می‌دهند

خاتم جویی سیمی

xātam-e jōyisimi

خاتم تخمه‌داری که جویی‌های آن فلزی، یعنی از مفتول باشد، این نوع خاتم ممکن است تخمه‌دار نیز خوانده شود و به جویی سیمی نیز معروف است.

خاتم چسبان

xātamčasbān

کسی که کارش نصب ورق خاتم روی اشیاء است.

خاتم چوبی

xātam-e čubi

خاتمی که تمامی آن از مثلث‌های چوبی ساخته شده باشد و در ساخت آن مفتول به کار نرفته باشد. این نوع خاتم از کیفیت بالایی برخوردار نیست.

خاتم چهار

xātam-e čahār

خاتمی که نقش میان‌گل آن به شکل چهارضلعی باشد.

باشد. خاتم خطی را گاه با مثلث (منشورهای مثلث القاعده) و گاهی با مکعب، یعنی به همان روش خاتم آجری می‌سازند.

خاتم خیابانی

xātam-e xiyābāni

از انواع خاتم پژه‌ای که تماماً با نه تایی ساخته می‌شود در نقش این خاتم خطوطی به شکل هندسی وجود دارد. در بین خاتم‌سازان اصفهان به خاتم زنجیره‌ای معروف است.

خاتم درجه دو

xātam-e daraḡe do

خاتمی که در ساخت آن به جای پژه سیمی از پژه سیاه، یعنی از ۴ مثلث و یک مفتول، استفاده شده باشد.

خاتم دوازده

xātam-e davāzdah

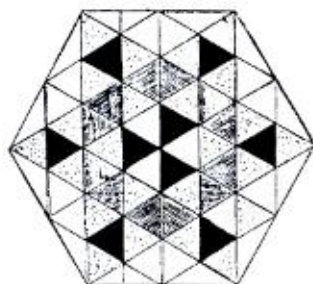
خاتمی که نقش میان‌گلی آن دوازده ضلعی باشد. این نوع خاتم بسیار ظریف و ریز نقش است و در ساخت آن از مثلث‌کاردی استفاده می‌شود.

و با دسته چکش یا دسته مُغار که سرش گرد است، به پشت یا روی ورق خاتم فشار می‌آورند. با این کار قطعات خاتم حرکت می‌کنند و کمی از یکدیگر جدا می‌شوند و در نتیجه ورق خاتم انعطاف بیشتری پیدا می‌کند. چنانچه ورق خاتم را به پشت داخل شیار خاتم خردکن بگذارند و به روی آن فشار بیاورند، قاشقی یا مقعر می‌شود و در صورتی که به رو درون شیار جا داده شود و به پشت آن فشار وارد آید، به صورت برجسته یا گرده‌ماهی درمی‌آید. خاتم خردکن وسیله ساده‌ای است و توسط خود خاتم سازان ساخته می‌شود. پهنای شیار طولی آن به میزان گودی یا برآمدگی سطحی بستگی دارد که قرار است خاتم روی آن نصب شود، اما معمولاً از ۴ - ۵ سانتیمتر تجاوز نمی‌کند. به خردکن خاتم و قالب‌گیلویی نیز معروف است. - : تصویر شماره ۶

خاتم خطی

xātam-e xatti

خاتمی که نقشش نوشته‌ای چون آیه‌های قرآن، ابیات شعر و مانند آن



خاتم زنجیر سیمی شمس‌دار

xātam-e zanjirsimi-ye

šamsedār

نوعی خاتم زنجیر سیمی که نقش مرکزی آن شمسه است. ← : طرح شماره ۷

خاتم زنجیره‌ای

xātam-e zanjireyi

خاتم خیابانی در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهانی. ← : خاتم خیابانی.

خاتم سیم بیست

xātam-e sim-e bist

خاتم معمولی یا خاتم نسبتاً درشت بافتی که مفتول‌های به کار رفته در آن نمره بیست، یعنی درشت باشند. خاتم‌های متن (تعریف ۲) معمولاً از نوع خاتم سیم بیست هستند.

خاتم دورنگ

xātam-e dorang

خاتمی که در ساختش از دو رنگ مثلث استفاده شده باشد.

خاتم ده **xātam-e dah**

خاتمی که نقش مرکزی آن یک ده ضلعی باشد. این نوع خاتم ظریف و پرکار است و برای ساختن آن از مثلث‌کاری استفاده می‌شود.

خاتم رده پایین

xātam-e rade pāyin

خاتمی که در ساختش به جای پره سیمی از پره چوبی استفاده شده باشد.

خاتم زنجیر سیمی

xātam-e zanjirsimi

خاتمی که اطرافش شش ضلعی مرکزی آن ۶ پره سیمی حلقه شده باشد و تو گل‌پوش نیز سیمی باشد خاتم زنجیر سیمی از انواع خاتم‌های متن است. به زنجیر سیمی نیز معروف است.

خاتم شش در شش

xātam-e šešdaršeš

نوعی نقش خاتم که از ۶ مثلث درشت یا سه یخ تشکیل یافته است.

خاتم شش شمشه

xātam-e šeššamse

← خاتم پرواروی هفت شمشه.

خاتم شش شمشه چوبی

xātam-e šeš-e šamsečubi

در اصطلاح خاتم سازان اصفهان، خاتم ششی که شش ضلعی مرکزش از چوب باشد.

خاتم شش شمشه سیمی

xātam-e šeš-e**šamsesimii**

در اصطلاح خاتم سازان اصفهان، خاتم ششی که شش ضلعی مرکز آن از مفتول باشد.

خاتم شش و پژه

xātam-e šeš-o-parre

خاتمی که یکسره با شش ضلعی های کوچک و پژه ساخته شود. خاتم های ابری از نوع شش و پژه هستند.

خاتم شش و لوز

xātam-e šeš-o-loz

خاتمی که نقشش از شش ضلعی و لوزی تشکیل یافته باشد.

خاتم ششی

xātam-e šeši

در اصطلاح خاتم سازان اصفهان، خاتمی که نقشمایه اصلی آن شش ضلعی باشد. توگلوهای این نوع خاتم ممکن است پژه یا نه تایی باشند.

خاتم ششی قلوه یی

xātam-e šeši-ye qolveyi

← خاتم قلوه یی.

خاتم شمشه دار

xātam-e šamsedār

← خاتم پرواروی شمشه دار.

خاتم شمشه دار متن

xātam-e šamsedār-e**matn**

خاتم متنی که نقش مرکزی آن شمشه باشد؛ این نوع خاتم ممکن است معمولی یا درجه یک باشد.

خاتم طاقی

xātam-e tāq-i

نوعی نقش خاتم که طرحش به شکل هفت و هشت ته بریده است. خاتم طاقی از خاتم‌های متن است، بیشتر از شش و پژه تشکیل می‌یابد و بر اساس رنگ مثلث‌هایی که در ساخت آن به کار رفته است، به انواع مختلف، مانند طاقی سبز و سفید، طاقی سبز و سیاه و سفید و طاقی سفید و سیاه تقسیم می‌شود. ← طرح شماره ۸.

خاتم طاقی بیست

xātam-e tāqi-ye bist

نوعی خاتم طاقی که در ساخت آن از مفتول بیست استفاده می‌شود و نسبتاً درشت بسافت است. ← طرح شماره ۹.

خاتم طاقی بیست و دو

xātam-e tāqi-ye bist-o-do

خاتم طاقی که در ساختش مفتول بیست و دو، یعنی، مفتول ظریف به کار رفته باشد.

خاتم ضربی

xātam-e zarbi

نوعی خاتم پره‌ای که نقش آن به صورت خطوط ضربدر است.

خاتم عالم زر

xātam-e ālamzar

از ریز بسافت‌ترین و پر مفتول‌ترین انواع خاتم که در مقوله خاتم‌های پروارو طبقه‌بندی می‌شود و خود بر دو نوع است: هفت شمشه و قمی.

خاتم عالم زر قمی

xātam-e ālamzar-e qomi

← : خاتم پرواروی قمی.

خاتم عالم زر هفت شمشه

xātam-e ālamzar-e

haftšamse

← : خاتم پرواروی هفت شمشه.

خاتم قلوه‌یی

xātam-e qolveyi

در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان، خاتمی که نقش مرکزی آن متشکل از یک شش ضلعی سیمی است که شش عدد مثلث چوبی پیرامون آن حلقه شده‌اند. به خاتم شش قلوه‌ای نیز

خاتم لخت

xātam-e loxt

خاتمی که اطرافش زه یا قاطعی نصب نشده باشد.

خاتم ماری

xātam-e māri

نوعی خاتم شش که شش ضلعی‌های آن به گونه‌ای آرایش می‌یابند که نقشی شبیه پوست مار می‌سازند.

خاتم متن

xātam-e matn

۱- هر نوع خاتمی از قبیل ابری، طاقی، پروارو که برای تزئین سطوح وسیع به کار رود.

۲- نوعی خاتم که آن نیز برای پوشاندن سطوح وسیع به کار می‌رود، اما از خاتم‌های پروارو، ابری، طاقی و غیره متمایز و از نظر کیفیت پایین‌تر است؛ در ساخت آن بیشتر از مفتول بیست (مفتول درشت) استفاده می‌شود؛ شش ضلعی مرکزی آن دو رنگ (تخمه) است و برای حلقه کردن آن گاه از پژه‌های سیمی (خاتم متن درجه دو) و گاهی از پژه‌های چوبی (خاتم متن

معروف است.



خاتم قمی

xātam-e qomi

← خاتم پرواروی قمی.

خاتم کردن

xātam kardan

نصب ورق خاتم روی اشیا؛ تزئین اشیا با ورق خاتم.

خاتم کم‌کار

xātam-e kamkār

خاتمی که ساخت آن نیاز به دقت و مهارت زیادی نداشته باشد، این نوع خاتم معمولاً درشت بافت و کم‌مفتول است.

خاتم لایه‌دار

xātam-e lāyedār

خاتمی که در ساخت آن از لایه برنجی استفاده شده باشد، مثلاً دور توگلوهای آن لایه پیچیده باشند.

خاتم متن جوئی سفید تو گلو

سبز

xātam-e matn-e

joyisefid-e tugalusabz

سه : خاتم متن سفید تو گلو سبز.

خاتم متن درجه سه

xātam-e matn-e daraj-e

se

خاتم متنی که بخش اعظم آن از مثلث‌های چوبی تشکیل یافته است و پره‌هایی که دور شش ضلعی مرکزی آن حلقه می‌شود نیز چوبی، یعنی متشکل از ۳ مثلث چوبی و یک مفتول است.

خاتم متن زنجیر سیمی

xātam-e matn-e

zanjirsimi

نوعی خاتم متن درجه دو که دور شش ضلعی مرکز آن ۶ پره سیمی حلقه شده باشد.

خاتم متن سبز

xātam-e matn-e sabz

نوعی خاتم متن درجه سه که بغل شش‌هایش سبزرنگ است و برای حلقه کردن شش ضلعی مرکزی آن از

درجه سه) استفاده می‌شود. بغل شش‌های آن نیز از استخوان نیستند، بلکه از چوب‌اند. نام خاتم متن معمولاً با توجه به رنگ بغل شش‌های آن و گاه، مثل خاتم متن قرمز، با توجه به رنگ جوئی آن تعیین می‌شود. به آن خاتم متنی هم می‌گویند.

خاتم متن تو گلو استخوان

xātam-e matn-e

tugaluoestēxān

سه : خاتم متن تو گلو مروارید.

خاتم متن تو گلو سفید

xātam-e matn-e

tugalusefid

خاتم متنی که بخش اعظم تو گلوی آن از استخوان یا فیبر شبه عاج باشد.

خاتم متن تو گلو مروارید

xātam-e matn-e

tugalumorvārid

خاتم متنی که تو گلوی آن یکپارچه و از استخوان یا فیبر شبه عاج باشد. به آن خاتم متن تو گلو سفید نیز می‌گویند.

خاتم متن سیاه

xātam-e matn-e siyāh

نوعی خاتم متن درجه سه که پژه‌های حلقه شده دور شش ضلعی مرکزی آن سیاه، یعنی متشکل از ۳ مثلث سیاه و یک مفتول است.

خاتم متن قرمز

xātam-e matn-e qermez

نوعی خاتم متن درجه سه که دور شش ضلعی آن به جای پژه سیمی ۶ پژه چوبی، متشکل از ۳ مثلث سیاه و یک مثلث سبز حلقه شده و جویی آن نیز قرمز است.

خاتم متنی

xātam-e matni

← : خاتم متن (۲).

خاتم مصالح شیرازی

xātam-e masālehširāzi

خاتمی که مصالح آن در شیراز ساخته و پرداخته شده باشد.

خاتم معرق

xātam-e mo'arraḡ

نقش معرقی که تمامی یا بخشی از آن با استفاده از قطعات خاتم ساخته

پژه‌های چوبی استفاده شده است.

خاتم متن سبز شمشه‌دار

xātam-e matn-e sabz-e**šamsedār**

خاتم متن سبزی که در مرکز نقش آن شمشه‌ای جا داشته باشد.

خاتم متن سفید

xātam-e matn-e sefid

نوعی خاتم متن که بغل شش‌های گل‌هایش سفید رنگ است.

خاتم متن سفید تو گلو سبز

xātam-e matn-e sefid-e**tugalusabz**

نوعی خاتم متن که جویی‌های آن سفید و تو گلویش سبز است. به آن خاتم متن جویی سفید تو گلو سبز نیز می‌گویند.

خاتم متن سفید زنجیر سیمی

xātam-e matn-e sefid-e**zanjirsimi**

نوعی خاتم متن که پژه‌های پیرامون شش ضلعی آن سیمی و بغل شش‌هایش سفید است.

شده باشد. به خاتم و معرق و معرق خاتم نیز معروف است.

خاتم موج

xātam-e moj

نوعی خاتم که نقش آن تقریباً به صورت هفت و هشت و معمولاً دو رنگ یا سه رنگ است. خاتم موج غیر از متن در حاشیه هم به کار می‌رود. به آن خاتم موجی نیز می‌گویند.

خاتم موجی

xātam-e moji

← : خاتم موج.

خاتم و معرق

xātam-o-mo'arraaq

← : خاتم معرق.

خاتم هشت

xātam-e hast

خاتمی که نقش میان گل آن هشت ضلعی و متشکل از ۸ مثلث کاردی باشد.

خاتم هفت شمس

xātam-e haftšams

← : خاتم پرواروی هفت شمس.

خاتم هفت شمسه

xātam-e haftšamse

← : خاتم پرواروی هفت شمسه.

خانه خالی کردن

xāne xāli kardan

نفوذ رنگ، یعنی پلی استر، روغن جلا یا روغن کمان در منافذ چوب. سطح خاتم در نتیجه فرو نشستن رنگ ناصاف می‌شود و برای جلوگیری از آن باید خاتم را قبل از رنگ کاری بتونه کرد.

خرد کردن خاتم

xord kardan-e xātam

← : خاتم خرد کردن.

خردکن خاتم

xordkon-e xātam

← : خاتم خردکن.

xazine

خزینه

گودی بین دو دندانهٔ اَره.

خزینه کردن

xazine kardan

گود کردن فواصل بین دنده‌های اره هنگام تیز کردن تیغه اره. دنده‌های اره در درازمدت ساییده و کوتاه و گودی بین آنها نیز کمتر می‌شود و اره کند می‌گردد، به همین دلیل هنگام تیز کردن اره، ضمن ساییدن لبه آن، فاصله بین دنده‌ها را نیز با استفاده از سوهان دو دم اندکی گود می‌کنند.

خش

xaš

شیار ریز.

خش انداختن

xaš andāxtan

ایجاد شیارهای ریز روی آستر خاتم. این کار موجب می‌شود هنگام چسب زدن به آستر، چسب داخل شیارها نفوذ کند و در نتیجه ورق خاتم محکم به سطح شیئی بچسبند که روی آن نصب می‌شود و به آسانی جدا نشود. گاهی خاتم‌سازان حتی سطح شیئی را که قرار است خاتم شود با سفار یا شسیء نوک تیز دیگری خط می‌اندازند.

خطبری

xatbori

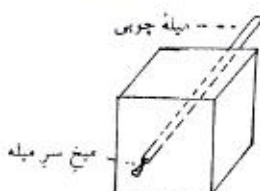
بریدن کلمات یا نوشته‌هایی از چوب و جا دادن آن در میان زمینه‌ای از خاتم. برای این کار نخست کلمه یا کلمه‌های موردنظر را روی لایه نسبتاً نازکی از چوب می‌نویسند و سپس با استفاده از کمان‌اره آنها را می‌برند و در جای موردنظر می‌نشانند.

خط کش

xatkeš

وسیله‌ای مرکب از قطعه‌چوبی به شکل مکعب به ابعاد $5 \times 5 \times 5$ سانتیمتر که در وسط یک پهلو یا چند پهلوئی آن میخی را به گونه‌ای می‌کوبند که تمامی آن در چوب فرو نرود و سر پهن آن حدود $1/5 - 2$ میلیمتر با سطح چوب فاصله داشته باشد. آنگاه لبه سر میخ را با سوهان دو دم تیز می‌کنند تا به کمک آن روی قامه خط بیندازند. در قدیم که خاتم با دست دو زاویه می‌گردید، برای خط‌کشی قامه خاتم پیش از بریدن و دوزایه کردنش از این وسیله استفاده می‌شد. فاصله خطوطی که با خط‌کش روی قامه ایجاد می‌کنند به فاصله سر میخ با سطح قطعه چوب مکعب شکل بستگی دارد. این وسیله

نوک میله هم میخی متصل است که با آن می‌توان روی کار خطی صاف کشید. فاصلهٔ سر میله با سوراخ را می‌توان با گوه‌ای تنظیم کرد که در ضلع پایینی قطعه چوب مکعب شکل تعبیه شده است، سپس به فاصلهٔ دلخواه روی کار خط کشید.



xalāsi

خلاصی

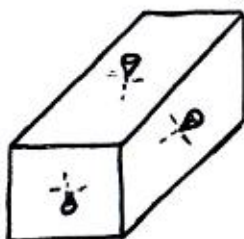
فاصله یا فضای موجود بین طرفین دهانهٔ تنگ و قامه یا دو زایه‌های آستر شده‌ای که در تنگ گذاشته شده‌اند. چنانچه خلاصی زیاد باشد با نهادن دو قطعه چوب عمودی در دو طرف این فاصله را کم یا رفع می‌کنند.

خلاصی داشتن

xalāsi dāštan

آزاد بودن قامه یا دوزایه‌های آستر شده در تنگ به گونه‌ای که به اصطلاح لُق بخورند؛ وجود فاصله بین دو زایه‌های آستر شده و طرفین دهانهٔ تنگ طوره‌کنی.

را معمولاً با چوب‌های محکم، همچون عناب یا کیگم می‌سازند. در صورتی که برای ساختن خط‌کش از چوب‌های نرم استفاده کنند، کناره‌های آن را با ورق فلزی روکش می‌کنند تا به مرور ایام ناهموار فرسوده نشود.



خط کش تیره‌دار

xatkeš-e tiredār

← : خط کش قفل.

خط کش قفل

xatkeš-e qofl

وسيله‌ای که برای خط‌کشی کنار کار مثلاً حاشیهٔ جعبه یا میز - مورد استفاده قرار می‌گیرد و مرکب از میله‌ای چوبی است که از میان سوراخی رد می‌شود که در قطعه چوبی به شکل مکعب مستطیل تعبیه گردیده است، طوری که سر آن اندکی از سوراخ بیرون می‌ماند؛ به

درآوردن دم کار

darāvardan-e dam-e kār

بریدن مثلث یا چیزی دیگر به گونه‌ای که لبه‌اش کاملاً تیز و صاف باشد.

درز باز کردن

darz bāz kardan

فاصله افتادن بین ورق‌های خاتم نصب شده روی شیء به علت اعوجاج سطحی که خاتم روی آن نصب شده است.

درز شدن **darz šodan**

قرار گرفتن ورق‌های خاتم کنار یکدیگر روی سطح کار به گونه‌ای که کاملاً یکپارچه و به هم پیوسته به نظر برسند و مرز آنها تشخیص دادنی نباشد.

درز کردن **darz kardan**

چسباندن ورق‌های خاتم در کنار یکدیگر روی سطح کار به گونه‌ای که کاملاً یکپارچه به نظر برسند، هیچ فاصله‌ای بین آنها مشهود نباشد و

داخل ابزار گرداندن

dāxel-e abzār gardāndan

چسباندن ورق خاتم به سطحی مقعر یا گود.

دانه تند **dāne-ye tond**

از آنت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



درآمدن دم مثلث

darāmadan-e dam-e

mosallas

کامل بودن یخ‌های مثلث؛ تیز بودن زاویه‌های آن. چنانچه زاویه‌های مثلث کاملاً تیز نباشد، دَمَش درنیامده است، یعنی کاملاً سه پخ نیست و بایستی سوهان بخورد. این اصطلاح بیشتر هنگام سوهان زدن مثلث‌ها به کار می‌رود.

شکل هندسی کلی خاتم نیز ایرادی پیدا نکند. برای درز کردن خاتم متن نخست اُوه‌ها را می‌گیرند، سپس کنار خاتم را با سوهان دو قلمه می‌سابند و برای آنکه برق و جلای مفتول‌ها آشکار شود، از سوهان تخته‌ساب نیز استفاده می‌کنند.

درزگیری *darzgi*

عمل پر کردن شکاف یا فاصله نامطلوبی که بین دو یا چند ورق خاتم که روی کار نصب شده، پدید آمده است. برای این کار معمولاً از بتونه استفاده می‌کنند.

دست اره داشتن

dast-e arre dāštan

مهارت داشتن در استفاده از اره در مراحل مختلف خاتم‌سازی؛ اره‌داری.

دستگاه سیم‌کشی

dastgāh-e simkeši

← سیم چرخ‌کن.

دستگاه گندگی

dastgāh-e gondegi

وسیله‌ای که ورق چوب یا تخته را یک هوا و یک اندازه می‌کند و در

واقع نوعی دستگاه رنده است. به آن ماشین گندگی نیز می‌گویند. ← تصویر شماره ۷.

دلمه شدن چسب

dalame šodan-e časb

خشک و توده شدن چسب در محل اتصال قطعات خاتم به گونه‌ای که اجزای گلی پیچیده شده کاملاً به یکدیگر جفت نشوند. برای جلوگیری از دلّمه شدن چسب گل را قاتمه می‌کنند تا چسب اضافی از لای درزها بیرون بیاید، آنگاه چسب اضافی را با وسیله‌ای نوک تیز مثل مغار می‌زدایند.

دم *dam*

۱- لبه ورق نازک چوبی یا لایی که مثلث را از آن می‌برند. به آن دم کار هم می‌گویند.

۲- ← سر دم اره.

۳- لبه برنده تیزک یا هر شیء برنده دیگر.

۴- لبه یا کناره هر شیء.

دم اره *dam-e arre*

← سر دم اره.

dande kardan دنده کردن
دنداندار کردن قشر ساعت؛ ایجاد
فرورفتگی‌هایی روی قشر ساعت یا
تیغه‌ای صاف با استفاده از سوهان دو
دم و تبدیل آن به تیغه‌اره؛ مضرّس
کردن تیغه‌ صاف.

دوازده پابزی

davāzdah-e pābozi
از آلت‌های گره. که در اجرای خاتم به
صورت گره چینی کاربرد دارد.

dor دور
هر یک از دایره‌های متشکل از
شماری شش ضلعی - معمولاً شش
یا دوازده شش ضلعی - که بخشی از
نقشمایه خاتم ابری را تشکیل
می‌دهند.

dorāhe دوراهه
فرورفتگی دور دهانه قاب؛ جایی که
شیشه در آن جا می‌افتد.

dorāh-e zadan دوراهه زدن
← : دوراهه کردن.

dam dam دم دم
← : دم و دم.

dam-e kār دم کار
← : دم.

dam-e mosallas دم مثلث
تیزی زاویه مثلث.

dam-o-dam دم و دم
دارای ضخامت نامساوی. لایی که
ضخامت آن یکسان نباشد، یعنی یک
طرف آن ضخیم‌تر از طرف دیگرش
باشد، چنین لایی را در دستگاه گندگی
می‌گذارند. اصطلاح دم دم نیز معمول
است.

dandāne دندانه
۱- ماده‌ای که هنگام رنگ کردن
مثلث‌ها برای تثبیت رنگ به آن اضافه
می‌شود.
۲- ← : دنده.

dande دنده
هر یک از پیش آمدگی‌های دندان
شکل تیغه‌اره. به آن دندانه نیز
می‌گویند.

دوراهه کردن

میلیمتری.

dorāh-e kardan

تعبیه جای نصب شیشه یا دو راهه در قاب عکس. برای دو راهه کردن، کناره داخلی هر یک از قطعات قاب را بارنده کنشکاو یا رنده دو راهه کنی تقریباً به اندازه ۸ میلیمتر گود و سپس قاب را سوار می‌کنند.

dozayye

دوزایه

دوزایسه در اصطلاح بعضی از خاتم‌سازان اصفهانی.

doqalame

دو قلمه

← سوهان دو قلمه.

دویدن مفتول

davidan-e maftul

حرکت کردن مفتول در تنگ هنگام ساییدن. دویدن مفتول در دراز مدت موجب ناهموار شدن لبه‌های تنگ می‌شود.

dahāne

دهانه

۱- هر یک از فضاهای خالی بین شش مثلث با شش پاره‌ای که اطراف یک شش ضلعی جا گرفته‌اند. به آن دهانه شش و دهانه گل نیز می‌گویند.



دهانه

۲- فضاهای خالی بین خطوط تسمه‌کشی شده طرح گره که باید با

dor-e qāb

دور قاب

کناره‌های بیرونی قاب که گاه با حاشیه دوره‌قابی تزئین می‌شود.

dozāye

دوزایه

لایه‌ای از خاتم به ضخامت ۲ میلیمتر؛ لایه ۲ میلیمتری خاتم. به آن دو زاویه خاتم نیز می‌گویند.

دو زاویه خاتم

dozāye-ye xātam

← دو زاویه

دوزایه کردن

dozāye kardan

برش دادن قامه خاتم با اره دوزایه‌کنی به گونه‌ای که ورقه‌هایی به ضخامت ۲ میلیمتر حاصل شود؛ بریدن قامه خاتم و تبدیل آن به لایه‌های ۲

خاتم متن پر شوند.
۳- کناره داخلی قاب.

پیچ تنظیم می شود.

dahāne-ye šes دهانه شش

← دهانه (۱).

dahāne-ye gol دهانه گل

← دهانه (۱).

dah-e pābozi ده پابزی

از آلت های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

dah-e pili ده پیلی

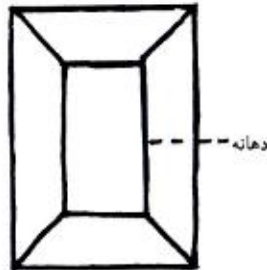
از آلت های گره که در اجرای خاتم به صورت طرح گره کاربرد دارد.

dah-e šes-e šol ده شش شل

از آلت های گره که در اجرای خاتم به صورت طرح گره کاربرد دارد.

did raftan دید رفتن

نگاه کردن با یک چشم از کنار کار به سطح آن برای کنترل صافی و همواری آن.



dahāne-ye tang دهانه تنگ

۱- فضای داخل شیار تنگ مثلث سابی، پزه سابی، تو گلو سابی و غیره. اگر دهانه تنگ گشاد شود با سوهان چوب ساب سطح روی آن را می سابند تا تنگ تر شود و در صورتی که تنگ تر از حد مطلوب باشد، با نوک سوهان دو دم یا تیز سوهان گشادش می کنند.

۲- فاصله بین دو صفحه بالایی و پایینی پرس و تنگ طوره کنی که با

رنده پشت‌گیری

rande-ye poštigiri

- رنده خشی.

رنده خشی rande-ye xaši

نوعی رنده که برای پشت‌گیری خاتم به کار می‌رود. تیغه این رنده شیارهایی ریز دارد و از همین رو هنگام رنده کردن شیارهای کوچکی روی آستر ایجاد می‌کند و به اصطلاح آستر را خش می‌اندازد. به آن رنده پشت‌گیری نیز می‌گویند.

رنده دست، رنده دست

rande-ye dast, randedast

رنده‌ای چوبی، کوچک، سبک و بدون دسته که معمولاً برای باریک و یکدست کردن اُوه حاشیه و گرفتن اُوه متن به کار می‌رود. به آن رنده کنار خاتم و رنده کنارکنی نیز می‌گویند.

ربیع شمسه rob'-e šamse

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

رنده rande

وسیله‌ای که برای هموار کردن سطح چوب یا تراشیدن و نازک کردن آن به کار می‌رود. رنده متشکل از بدنه‌ای به نام کوله و تیغه‌ای است که به کوله متصل است.

رنده آهن rande-ye āhan

نوعی رنده که برای کنار کردن به کار می‌رود.

رنده پرتیغ

rande-ye portiq

رنده‌ای که هنگام رندیدن پوشال زیادی را از سطح کار جدا کند و به اصطلاح عمیق بپرندد. دم رنده‌های پرتیغ، از قبیل رنده قاچی نسبتاً باریک است.

رنده دو دست

rande-ye dodast

نوعی رنده چوبی که دارای دو دسته است و برای رندیدن سطح اشیایی، همچون قاب یا جعبه به کار می‌رود. در قدیم سطوح وسیع، مثل سطح روی میز، را نیز با رنده دو دست رنده می‌کردند. به آن رنده دو دستی نیز می‌گویند.

رنده دو دستی

rande-ye dodast-i

← : رنده دو دست.

رنده دو راهه کنی

rande-ye dorāhekoni

← : رنده کنشکاو

رنده زیرگرد

rande-ye zirgerd

نوعی رنده که کف و تیغه آن منحنی است. در قدیم که دستگاه فیروز وجود نداشت، از این رنده برای گود کردن سطح چوب و گیلویی زدن قاب استفاده می‌شد. به آن رنده گرد و رنده گیلویی زنی نیز می‌گویند.

رنده شاخدار

rande-ye šāxdār

نوعی رنده که دسته‌ای کوچک دارد و در مواردی که فضای کافی جهت کار کردن با رنده دو دست وجود نداشته باشد، برای رنده کردن سطح کار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

رنده قاچی

نوعی رنده که تیغه آن نسبتاً پاریک و سرش گود است و به همین دلیل از رنده‌های پر تیغ است. این نوع رنده برای رنده کردن سطوحی که بایستی زیاد گود شوند و نیز برای رندیدن سریع و عمیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. به رنده قاشی نیز معروف است.

رنده قاشی

rande-ye qāši ← : رنده قاچی.

رنده کم تیغ

rande-ye kamtiq رنده‌ای که هنگام رندیدن فقط لایه نازکی از چوب را از سطح کار جدا می‌کند و عمیق نمی‌رندد. رنده دو دست از رنده‌های کم تیغ است.

رنده کنار خاتم

rande-ye kenār-e xātam

← : رنده دست.

رنده کنارکنی

rande-ye kenārkon-i

← : رنده دست.

رنده کنشکاو

rande-ye koneškāv

رنده‌ای که برای دو راهه کردن قاب، یعنی ایجاد گودی‌ای به کار می‌رود که شیشه قاب در آن جا می‌افتد. پهنای تیغه این نوع رنده ۱ - ۲ سانتیمتر است. به آن رنده دو راهه‌کنی نیز می‌گویند.

رنده گرد **rande-ye gerd**

← : رنده زیر گرد.

رنده گیلویی زنی

rande-ye giluyizani

← : رنده زیر گرد.

رندیدن **randidan**

رنده کردن؛ تراشیدن و صاف و هموار کردن چوب با رنده.

رنگ

rang

نام کلی موادی همچون پلی‌استر، روغن جلا و روغن کمان که برای جلا بخشیدن به خاتم، روی آن مالیده می‌شوند.

رنگ‌کاری

rangkari

مالیدن سیلر، کیلر و پلی‌استر به سطح خاتم برای افزایش دوام و مقاومت آن و جلا بخشیدن به آن. برای رنگ‌کاری نخست سیلر، بعد کیلر و سرانجام پلی‌استر به سطح خاتم مالیده و یا - در مورد سطوح گسترده - با پمپ به آن پاشیده می‌شود. پس از هر مرحله، سطح کار با پوست سنباده نرم، معمولاً سنباده ۴۰۰، پرداخت می‌گردد.

روغن جلا

roqan-e jalā

ماده‌ای که از دانه‌های روغنی گیاهی به دست می‌آید و در قدیم آن را برای جلا بخشیدن به خاتم با قلم‌مو یا نوک انگشت به سطح کار می‌مالیدند. این ماده به مرور ایام دوده و گرد و خاک را به خود می‌گیرد و رنگش به تیرگی و زردی می‌گراید، به همین دلیل امروزه پلی‌استر جایگزین آن

شده است.

روغن سندلوس

roqan-e sandalus

← : روغن سندروس.

roqan-e kamān روغن کمان

روغنی که از دانه‌های گیاهی به دست می‌آید و در قدیم، پیش از رواج روغن جلا، برای برق و جلا بخشیدن به خاتم مورد استفاده قرار می‌گرفت.

روی کارگرداندن

ru-ye kār gardāndan

نصب حاشیه به گرداگرد شیئی همچون قاب، صندوق یا میز.

rixtegi ریختگی

نقصی در ورق خاتم که عبارت است از خالی ماندن جای بعضی از مفتول‌ها یا استخوان‌ها که به صورت حفره‌هایی ریز روی سطح ورق خاتم نمایان می‌شود.

roqanzan روغن زن

کسی که در قدیم تخصصش مالیدن روغن، از قبیل روغن جلا، روغن کمان یا روغن سندروس، به سطح خاتم بود و در این کار مهارت داشت.

roqanzani روغن‌زنی

عمل مالیدن روغن جلا، کمان یا سندروس به سطح خاتم برای جلا و دوام بخشیدن به آن.

روغن سندروس

roqan-e sandarus

روغنی گیاهی که در قدیم پس از اجرای خاتم، برای پرداخت، روی آن مالیده می‌شد. به روغن سندلوس نیز معروف است.

ز

به همین دلیل برای زیرسازی اشیای خاتم از این گونه چوب‌ها استفاده نمی‌شود. بهترین روش برای گرفتن زور چوب، پختن آن است.

زورخاتم را گرفتن

zur-e xātam rā gereftan

← بی جان کردن خاتم.

zeh

زه

۱- ریسمانی - اغلب از روده گوسفند - که آن را برای کنترل کشش تیغهٔ اره‌های چارچوب‌دار به قسمت بالای چارچوب می‌پیچند.

۲- باریکه‌ای از فیبر شبه استخوان که در خاتم معرق به شکل گل موردنظر بریده و سپس دور آن نصب می‌شود تا گل را از خاتم متن جدا کند. به آن زه دور گل نیز می‌گویند.

زه بغل قاب

zeh-e baqal-e qāb

قاعی حاشیهٔ بیرونی یا درونی قاب.

zāye

زایه

واحد ضخامت خاتم برابر با یک میلیمتر. در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان به زَیّه معروف است.

zabāne

زبانه

۱- بخش پیش آمده‌ای که درون فاق یا کام جا می‌گیرد و دو قطعه جداگانه را به هم می‌پیوندد.

۲- قطعه چوبی که روی تیغهٔ رنده جا می‌گیرد و آن را در جای خود ثابت نگه می‌دارد.

zolfak

زلفک

← حاشیهٔ زلفک.

zanjirsimi

زنجیر سیمی

← خاتم زنجیر سیمی.

zur-e čub

زور چوب

نیروی چوب، خاصیتی که باعث می‌شود چوب به مرور ایام تاب بردارد و کج و معوج شود؛ زور چوب‌های تازه و مرطوب زیاد است،

زه دورگل **zeh-e dor-e gol** چسبان‌ها به عنوان نوعی میز از آن استفاده می‌کردند. ← زه (۲).

زه کشی **zehkeši** ساختن اشیای چوبی که سطح آنها با خاتم تزیین می‌شود. این کار یکی از تخصص‌های خاتم‌سازان ماهر است. ← قاطعی کشی.

زه کشی اسلیمی

zehkeši-ye eslimi مشخص کردن خطوط کناره ساز طرح اسلیمی با باریکه‌ای از فیبر شبه عاج در مرحله اجرای خاتم‌های معرق با نقش اسلیمی. در بین خاتم‌سازان اصفهان به بند اسلیمی معروف است.

زیر دستی **zirdasti**

مکعب مستطیلی از چوب به ارتفاع تقریباً ۳۰ سانتیمتر که در قدیم خاتم می‌شود. ← زایه.

زیره **zeyye**

زایه در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان. ← زایه.

زیرسازی **zirsāzi**

ساختن اشیای چوبی که سطح آنها با خاتم تزیین می‌شود. این کار یکی از تخصص‌های خاتم‌سازان ماهر است. برای زیرسازی از چوب‌های مرغوب، معمولاً چوب توسکا یا افرا و یا تخته سه‌لایی استفاده می‌شود.

زیرکار **zir-e kār**

سطحی که ورق خاتم روی آن نصب می‌شود.

س

- sabz-e fori** سبز فوری
رنگ سبز شیمیایی که برای رنگ کردن مثلث‌های چوبی به کار می‌رود. چوب در مقایسه با استخوان در مدت زمان کوتاه‌تر رنگ می‌گیرد.
- sabz-e moddati** سبز مدّتی
رنگ سبز طبیعی که آمیزه‌ای از سرکه، سواله مس و نشادر است و برای رنگ کردن استخوان به کار می‌رود. استخوان بایستی مدت زمانی طولانی در این محلول بماند تا رنگ بگیرد.
- setāre** ستاره
۱- شکلی که با قرار دادن شش مثلث اطراف شش ضلعی حاصل می‌شود.
۲- از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد. به آن پنج‌پری تند نیز می‌گویند.
- setāre-ye panj** ستاره پنج
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به
- sāb** ساب
۱- عمل ساییدن.
۲- ساینده.
- sāb zadan** ساب زدن
پرداخت کردن سطح کار با سنباده.
- sābandegi** سابندگی
از تخصص‌های خاتم سازان که عبارت است از ساییدن منشورهای مثلث‌القاعده و دیگر مصالح خاتم با سوهان و صاف و هموار کردن آنها. همچنین ← پَرّه‌سابی، شش‌سابی، مثلث‌سابی، مفتول‌سابی.
- sābidan** ساییدن
صاف و هموار کردن مثلث‌ها، تو گلوها، شش‌ها و غیره با سوهان.
- sāj** ساج
چوبی قهوه‌ای رنگ که سابقاً در خاتم‌سازی به کار می‌رفت. این چوب از هندوستان وارد می‌شد و در حال حاضر در ایران موجود نیست.

صورت گره چینی کاربرد دارد.



ستاره شش پر

setāre-ye šešpar

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



sardam-e arze سردم ازّه
لبه دنداندار و برنده اره. به آن دم اره نیز می‌گویند.

sormedān سرمه‌دان
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت طرح گره کاربرد دارد.



seriš سریش
خمیری چسبنده که منشأ گیاهی دارد و در پارچه‌گیری برای چسباندن پارچه به سطح داخلی جعبه به کار می‌رود.

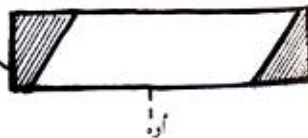
serišom سریشم
ماده‌ای چسبنده که از انساج جانوری به دست می‌آید و در خاتم‌سازی به عنوان چسب به کار می‌رود. خاتم‌سازان این ماده را در ظرف سریشم که اصطلاحاً سریشم طاس خوانده می‌شود، جا می‌دهند، روی آن آب می‌ریزند و حرارتش می‌دهند تا نرم شود و چسبندگی پیدا کند.

sarčasbān سرچسبان
← : سرچسبان خاتم.

سرچسبان خاتم

sarčasbān-e xātam

قطعه چوبی دوزنقه‌ای شکل از جنس چوب جنگلی یا عناب که آن را در دو سر قامه جا می‌دهند تا لوزهای خاتم را در جا ثابت نگه دارند. سرچسبان‌ها معمولاً از اوه‌ها محکم‌ترند.



سریشم سفید

serišom-e sefid

← : چسب سرد.

سریشم طاس serišomtās

ظرفی که سریشم را در آن می‌ریزند و حرارت می‌دهند. این ظرف دو جداره، در واقع متشکل از دو محفظه، است که یکی درون دیگری جا می‌گیرد. در محفظه بیرونی یا آب انبار، آب و در محفظه درونی سریشم می‌ریزند و ظرف را حرارت می‌دهند. آب درون آب انبار بر اثر گرما تبخیر می‌شود و سریشم داخل محفظه درونی را گرم می‌کند. بدین ترتیب، سریشم نمی‌سوزد و استقامت آن کاهش نمی‌یابد. سریشم طاس سابقاً ظرفی یک جداره و سه پایه بود که روی منقل جا می‌گرفت.

سریشم گرم

serišom-e garm

ماده‌ای چسبناک که از مواد طبیعی تهیه می‌شود و در حال حاضر بیشتر برای چسباندن ورق خاتم به سطح اشیاء به کار می‌رود. سابقاً در همه مراحل خاتم‌سازی، از جمله مرحله

گل پیچی از سریشم گرم استفاده می‌شد. این ماده همواره باید گرم باشد، اما هیچ‌گاه نیابستی بجوشد، چون در این صورت خاصیت چسبندگی آن کم می‌شود.

سنباده sonbāde

← : ورق سنباده.

سنباده زدن

sonbāde zadan

پرداخت کردن خاتم با ورق سنباده یا ماشین سنباده.

سنباده‌گرد

sonbāde-ye gerd

← : ماشین سنباده‌گرد.

سنباده لرزان

sonbāde-ye larzan

← : ماشین سنباده لرزان.

سنگ زدن sang zadan

تیز کردن دم اره با سنگ سنباده.

سنگ سنباده

sang-e sonbāde

گونه‌ای سنگ سیلیسی که برای تیز کردن دم اره و سایر وسایل بُرنده به

کار می‌آید.

سوهان آج کردن

sohan āj kardan

آجدار کردن سوهان‌های کهنه و فرسوده و قابل استفاده کردن مجدد آنها و یا تبدیل کردن قطعات فلزی صاف به انواع سوهان‌های مورد استفاده در خاتم‌سازی. این کار با دست و به کمک نوعی قلم نوک تیز انجام می‌گیرد. برای آج کردن، نخست سوهان را در کوره حرارت می‌دهند تا سرخ و نرم شود، سپس آن را روی کندهٔ زبردستی قرار می‌دهند و با قلم و چکش به سرعت روی آن شیارهایی با فاصله‌های مساوی ایجاد می‌کنند. پس از آجدار کردن سوهان مجدداً آن را در کوره می‌گذارند و سپس آتش می‌دهند تا محکم شود. برای آج دادن به لاشهٔ سوهان، نخست سطح آن را می‌سابند و کاملاً صاف می‌کنند و سپس آجش می‌دهند. هر سوهانی را می‌توان پس از فرسوده شدن چندین بار آج داد و قابل استفاده کرد.

savār

سوار

واحد شمارش استخوان شتر که عبارت است از هشت قلم، شامل چهار مچ، دو استخوان سه سوک و دو شاه قلم یا استخوان ران شتر.

savale-ye mes

سوالهٔ مس

برادهٔ مس؛ خردهٔ مس؛ مس‌های دم قیچی یا دم چرخ که همراه با سرکه و نشادر برای رنگ کردن استخوان به کار می‌روند.

sohān

سوهان

ابزاری از جنس فولاد که تمام یا بخشی از آن آجدار است و برای ساییدن مصالح خاتم یا سطح خاتم به کار می‌رود. در مراحل مختلف خاتم‌سازی از چند نوع سوهان به شکل‌ها و اندازه‌های مختلف استفاده می‌شود. سوهان‌هایی که در خاتم‌سازی بیشتر از همه کاربرد دارند؛ عبارت‌اند از: سوهان دو دم، سوهان پشت‌گرد، سوهان تعلیقه، سوهان چوب‌ساب، سوهان‌تخته‌ساب، سوهان سه‌پهلوی و سوهان دو قلمه.

سوهان آج کن

sohānājkon

کسی که با وسایل دستی انواع سوهان‌های فرسوده از قبیل چوب‌ساب، دو قلمه، سه پهلوی، شُترک و تعلیقته را از نو آج می‌دهد و قابل استفاده می‌کند و یا قطعات فلزی صافنی را که از استحکام لازم برخوردارند آجدار و به سوهان تبدیل می‌کند. به سوهان آجین نیز معروف است.

سوهان آج کنی

sohānājkonī

عمل آجدار کردن سوهان‌های فرسوده و قابل استفاده کردن آنها، یا آج دادن به قطعات فلزی صاف و تبدیل آنها به انواع سوهان‌های مورد استفاده در خاتم‌سازی. سوهان آج کنی یکی از حرفه‌های وابسته به خاتم‌سازی است که سابقاً در تهران رواج داشته است و در حال حاضر شماری استادکار در اصفهان و شیراز به این کار مشغول‌اند. این کار سوهان آجینی نیز خوانده می‌شود.

سوهان آجین

sohānājīn

سوهان آج کن.

سوهان آجینی

sohānājīni

سوهان آج کنی.

سوهان اره چاق کنی

sohān-e arrečāqkonī

سوهان دو دم.

سوهان پشت گرد

sohān-e poštgerd

سوهانی که سطح زیرین آن صاف، سطح روی آن انحنا دار و نوکش اندکی باریک است. از این سوهان برای ساییدن سطوح منحنی یا گود استفاده می‌شود.

سوهان تخته ساب

sohān-e taxtesāb

نوعی سوهان با آج‌های ریز و ظریف که برای پرداخت سطح خاتم پس از بتونه‌کاری به کار می‌رود. همچنین در مرحله خاتم پیچی برای ساییدن مفتول‌های برنجی، آلومینیومی یا نقره، و در مرحله اجرا برای کنار کردن ورق‌های خاتم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در قدیم مفتول‌های ضخیم

را با این نوع سوهان می‌ساییدند و به شمسهٔ یکپارچه تبدیلشان می‌کردند. به آن سوهان فرنگی و سوهان نرم نیز می‌گویند.

سوهان تعلیقه

sohān-e ta'liqeh

نوعی سوهان دو سر که سطح زیرین آن تخت و نوکش تیز است. یک سر آن سوهان چوب‌ساب و سر دیگرش سوهان دوقلمه است و طول آن معمولاً به ۳۵ - ۴۰ سانتیمتر می‌رسد. از این سوهان برای ساییدن گوشه‌ها یا دهانه‌های کار استفاده می‌شود.

سوهان چوب‌ساب

sohān-e čubsāb

نوعی سوهان که آج‌هایی درشت دارد و برای صاف و هموار کردن قوزه‌های استخوان و گره‌های چوب و برای یک هوا کردن مثلث‌های سه پخ استخوانی به کار می‌رود. برای ساییدن زیر کار نیز از این نوع سوهان استفاده می‌شود. به چوب‌ساب نیز معروف است.

سوهانچه *sohānče*
هر یک از سوهان‌های ریز و ظریف، از قبیل سوهان دم موشی که برای سوهان کاری ظریف به کار می‌روند.

سوهان دم کاردی

sohān-e damkārdi

نوعی سوهان که یک دم‌ش تیز، دم دیگر آن پهن و سطح مقطعش به شکل مثلث متساوی‌الساقین است. در مرحلهٔ زیرسازی و یا در مرحلهٔ ساخت کارهایی که به صورت گره‌چینی اجرا می‌شوند، از این سوهان برای ساییدن شیارها و تورفتگی‌ها و یا ساختن آلت‌ها و لغت‌های گره استفاده می‌شود.

سوهان دم موشی

sohān-e dommuši

نوعی سوهان باریک و ظریف با آج‌های ریز که برای ساییدن و منظم کردن نوشته‌هایی به کار می‌رود که به صورت معرق در خاتم نشانده می‌شوند.

سوهان دو دم

sohān-e dodam

نوعی سوهان سه گوش که سطح زیرین آن تخت و دو سطح روی آن آجدار است. نوک این سوهان تیز، کناره‌های آن نیز آجدار و تیز و سطح مقطعش به شکل مثلث است این نوع سوهان برای چاق کردن اره‌های دستی و اره‌های چارچوب دار به کار می‌رود. خاتم‌سازان قدیمی با استفاده از سوهان دو دم فتر ساعت را دنده و آن را به تیغه اره تبدیل می‌کردند. از این سوهان همچنین برای ساییدن داخل شکاف‌ها و شیارها استفاده می‌شود. نوک دسته آن را نیز تیز می‌کنند و از آن به عنوان تیز سوهان استفاده می‌کنند.

سوهان دو قلمه

sohān-e doqalame

نوعی سوهان که از سوهان چوب‌ساب نرم‌تر و آج‌های آن ریزتر است. از این سوهان در مراحل مختلف خاتم سازی، مثلاً، برای ساییدن مثلث‌های چوبی و استخوانی، پژه‌ها و شش‌ها، جهت ساییدن کنار خاتم پس از گرفتن اوه‌ها و نیز برای پرداخت سطح

خاتم پس از بستن کاری استفاده می‌شود. سوهان دو قلمه ممکن است دو رو باشد، یعنی، هر دو رویش آجدار باشد و یا فقط یک روی آن آج داشته باشد. این سوهان را اغلب از لاشه سوهان‌های کهنه می‌سازند.

سوهان سه پهلوی

sohān-e sepahlu

نوعی سوهان که سه بر دارد و مقطع آن به شکل مثلث است. آج‌های هر سه پهلوی آن به ظرافت آج‌های سوهان دو قلمه است. از سوهان سه پهلوی در مرحله اجرای خاتم برای پرداخت سطح کار استفاده می‌شود.

سوهان سه پهلوی از تیزکن

sohān-e sepahlu-ye**arretizkon**

سوهان سه پهلویی که برای تیز کردن تیغه اره‌های ماشینی به کار می‌رود.

سوهان فرنگی

sohān-e farangi

— : سوهان تخته‌ساب.

sohānkāri

سوهان کاری

عمل سوهان زدن

- siler** سیلر
ماده شیمیایی بیرنگ و شفافی که آن را پس از اجرای خاتم به وسیله پمپ به سطوح گسترده می‌پاشند و یا با انگشت، یا قلم‌مو به سطوح کوچک می‌مالند تا حفره‌های ریز سطح خاتم را پر کند و به آن جلا ببخشد. پس از سیلر زدن، سطح کار را با سنباده نرم، معمولاً پوست سنباده ۴۰۰، می‌سابند.
- sim** سیم
رشته‌ای باریک و فلزی با مقطع مثلث شکل که در خاتم سازی به کار می‌رود. جنس سیم معمولاً از برنج است، اما امروزه گاهی از سیم آلومینیومی نیز استفاده می‌شود. در قدیم سیم نقره نیز در خاتم سازی به کار می‌رفت. سیم‌ها یا مفتول‌های مورد استفاده در خاتم‌سازی برحسب قطرشان شماره‌بندی شده‌اند. ضخیم‌ترین سیم، سیم شانزده و نازیک‌ترین سیم، سیم بیست و چهار است. امروزه رایج‌ترین سیم‌های مورد استفاده در خاتم‌سازی سیم‌های بیست و بیست و دو هستند. مفتول یا سیم بیست و چهار امروزه دیگر
- sohān-e gerd** سوهان گرد
سوهانی استوانه‌ای شکل که سر آن اندکی باریک است و برای ساییدن سوراخ‌های نسبتاً کوچک مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- sohān-e narm** سوهان نرم
← سوهان تخته‌ساب.
- sepax** سه پخ
۱- ← مثلث سه پخ.
۲- سه ضلعی؛ دارای سه بر.
- separi** سه پری
← ترقه.
- sesuk** سه سوک
استخوانی سه پهلو که همان استخوان بازو یا بخش فوقانی استخوان دست شتر است.
- sesimi** سه سیمی
شش ضلعی متشکل از سه مثلث چوبی و سه مفتول.
- seguš** سه گوش
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

simtāb سیم تاب

← : سیم چرخ کن.

سیم چرخ کردن

sim čarx kardan

عمل گذراندن سیم یا مفتول از دستگاه سیم چرخ کن و سه بیخ کردن آن. به این عمل سیم کشی نیز می گویند.

سیم چرخ کن

simčarxkon

دستگاهی که سیم را به صورت سه بیخ در می آورد. این دستگاه متشکل از دو غلتک است که بر سطح هر یک تعدادی شیار به شکل مثلث و به اندازه های گوناگون به چشم می خورد. یکی از این دو غلتک روی دیگری جا دارد و هر دو به وسیله دینام به حرکت درمی آیند. سابقاً این دستگاه را با دست به حرکت درمی آوردند. برای سه بیخ کردن سیم، آن را درون شیار مورد نظر جا می دهند و از بین دو غلتک می گذرانند. به چرخ سیم کشی، دستگاه سیم کشی و سیم تاب نیز معروف است. ←: تصویر شماره ۸.

کاربردی ندارد و از مفتول های درشت، یعنی مفتول های شانزده و هجده نیز کمتر استفاده می شود. به آن سیم برنجی، مفتول و مفتول برنجی نیز می گویند.

sim-e bist سیم بیست

سیم نسبتاً ضخیمی که معمولاً در ساخت خاتم های متن درجه دو یا درشت بافت به کار می رود. به آن مفتول بیست نیز می گویند.

سیم بیست و چهار

sim-e bist-o-čahār

نازک ترین سیم یا مفتول مورد استفاده در خاتم سازی به آن مفتول بیست و چهار نیز می گویند.

سیم بیست و دو

sim-e bist-o-do

سیم یا مفتول ظریفی که برای ساختن خاتم های مرغوب به کار می رود به آن مفتول بیست و دو نیز می گویند.

sim-e berenji سیم برنجی

← : سیم.

سیم چین **simčín**
وسيله‌ای شبیه گازانبر که برای چیدن سیم یا مفتول مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سیم شانزده **sim-e šānzdah**
ضخیم‌ترین سیم یا مفتول مورد استفاده در خاتم‌سازی به آن مفتول شانزده نیز می‌گویند.

سیم‌کشی **simkeši**
← سیم چرخ کردن.

سیم‌کوب **simkub**
کسی که در قدیم تخصصش کوبیدن مفتول یا سیم و تبدیل آن به منشوری مثلث‌القاعده بود.

سیم‌کوبی **simkubi**
سه یخ کردن مفتول یا سیم با استفاده از

چکش و تنگ سیم‌کوبی. امروزه مفتول را با دستگاه سیم چرخ‌کن سه یخ می‌کنند.

سیم هجده **sim-e hejđah**
سیم یا مفتول نسبتاً ضخیمی که برای ساختن خاتم‌های درشت بافت به کار می‌رود. به آن مفتول هجده نیز می‌گویند.

سینه **sine**
برجسته.

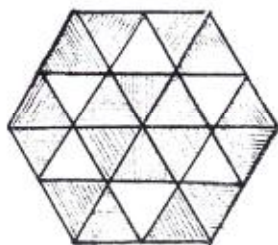
سینگی **sinegi**
برجستگی، برآمدگی.

سینه‌شدن **sine šodan**
برآمدن؛ محدب شدن؛ برجسته شدن.

ش

۲- منشور مسدس القاعده‌ای که در مرحله اول خاتم‌پیچی با کنار هم گذاشتن شش مثلث، شش پره یا شش نه‌تایی شکل می‌گیرد و نیز منشوره‌های بزرگ‌تری که در مراحل بعدی با نهادن شش مثلث یا پره در اطراف شش اولیه و پرکردن دهانه‌های بین مثلث‌ها و پره‌ها با جویی یا بغل شش به وجود می‌آید.

۳- سطح مقطع این منشورها که نقشمایه خاتم است.



šeš-e avval

شش اول

→ : شش وسط.

sāhčub

شاه چوب

نوعی چوب به رنگ قهوه‌ای روشن که در خاتم‌سازی کاربرد دارد. این چوب در ایران موجود نیست و در گذشته از هندوستان وارد می‌شد.

šāhqalam

شاه قلم

استخوان ران شتر.

šotorak

شترک

نوعی سوهان که شکل ظاهری آن شبیه ماله بتایی است. دسته آن سوهان از سطح کار بالاتر قرار می‌گیرد و از این رو برای ساییدن سطوح گسترده مناسب است. شُترک انواع مختلف دارد، از جمله شُترک چوب‌ساب که آج‌های نسبتاً درشتی دارد، شترک دو قلمه و شترک دو قلمه ریز که آج‌هایش به ظرافت آج‌های سوهان تخته‌ساب است.

šeš

شش

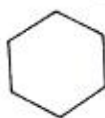
۱- شش ضلعی

šš-e tond شش تند
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



شش چشم‌گاوی

šš-e češmgāvi
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



شش حلقه شده

šš-e halqeshode
شش ضلعی دوم نقیض خاتم در مرحله‌ای که اطرافش پره قرار گرفته و به شکل ستاره درآمده است. این یک مرحله قبل از پر شدن گل است.



ššepari شش پری
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

šš pičidan شش پیچیدن
کنار هم نهادن و به هم چسبانیدن منشورهای مثلث‌القاعده به گونه‌ای که منشور مسدس القاعده دیگری حاصل شود و پیچیدن نخ پُرک به دور این منشور.

ššepici شش پیچی
عمل شش پیچیدن.

šš-e tāji شش تاجی
حاشیه شش گلی تاجی در اصطلاح خاتم سازان اصفهان.

شش تمام تاج
šš-e tamāmtāj
حاشیه شش گلی تاجی در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان.

شش تمام تاجی
šš-e tamāmtāji
حاشیه شش گلی تاجی در اصطلاح خاتم سازان اصفهان

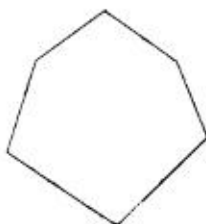
شش قمی **šeš-e qomi**

شش ضلعی مرکزی خاتم پرواروی
قمی که از ۶ عدد نه تایی تشکیل یافته
است.

شش کند شل

šeš-e kond-e šol

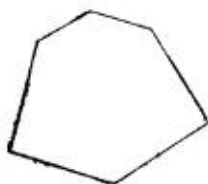
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به
صورت گره چینی کاربرد دارد.



شش کند هشت و چهار لنگه

**šeš-e kond-e hašt-o-čahār
lenge**

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به
صورت گره چینی کاربرد دارد.



شش خاتم **šeš-e xātam**

گل خاتم در مرحله‌ای که ساخت آن
تقریباً به نیمه رسیده باشد، یعنی
شش وسط پیچیده شده باشد، شش
مثلث به شکل ستاره اطراف آن
آرایش یافته باشند و دهانه‌های ستاره
نیز با جویی پر شده باشد.

شش سابی **šešsābi**

عمل ساییدن و صاف و هموار کردن
شش‌ها.

شش شمشه‌دار

šeš-e šamsedār

← حاشیه شمشه‌دار.

شش شیرازی

šeš-e širāzi

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به
صورت گره چینی کاربرد دارد.



شش عالم زر

šeš-e ālamzar

← حاشیه شش گلی عالم زر.

شش گل اناری

šeš-e golanāri

از آلت‌های گروه که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

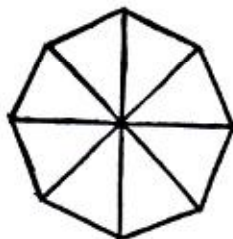
شش وسط **šeš-e vasat**

اولین شش ضلعی خاتم که در مرکز نقش جای دارد. به آن شش اول نیز می‌گویند. در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان به شمس نیز معروف است.

شش هشت ضلعی

šeš-e haštzel'i

منشوری که قاعده آن به شکل هشت ضلعی است و در مواردی برای ساختن نقش‌های خاتم به جای شش ضلعی معمول مورد استفاده قرار می‌گیرد و از همین رو شش هشت ضلعی خوانده می‌شود. شش هشت ضلعی متشکل از هشت مثلث متساوی الساقین است.



شش هفت شمس

šeš-e haftšams

حاشیه شش گلی عالم زر در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان.

šešgoli

شش گلی

← حاشیه شش گلی.

شش گلی کردن قاب

šešgoli kardan-e qāb

← شش گلی کشی قاب.

شش گلی کشی قاب

šešgoli keši-ye qāb

پوشاندن حاشیه اطراف دهانه قاب با نوار خاتم شش گلی. این عمل شش گلی کردن قاب نیز خوانده می‌شود.

شش گلی هفت شمس

šešgoli-ye haftšams

حاشیه شش گلی عالم زر در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان.



شمسه پنج **šamse-ye panj**
ستاره‌ای پنج پره از مفتول.

شمسه ته بریده

šamse-ye tahboride
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



شمسه چوبی **šamse-ye čubi**
در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان، شش وسطی که تماماً از چوب باشد.

شمسه چهار سلی بازوبندی

šamse-ye čahārseli-ye
bāzubandi

شش هشت و تیز.

شش هفت شمشه

šeš-e haftšamse

حاشیه شش گلی عالم زر در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان.

شفره **šafre**
شش هفت مغار.

شمسه **šamse**

۱- منشوری مسدس القاعده متشکل از شش مفتول که سطح مقطع آن به صورت شش ضلعی فلزی روی سطح خاتم مشاهده می‌شود. سابقاً شمشه را با مفتولی درشت، معمولاً مفتول شانزده می‌ساختند، بدین معنا که شش طرف آن را در تنگ پژه‌سای می‌ساییدند و آن را به منشوری مسدس القاعده و یکپارچه مبدل می‌کردند.

۲- در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهانی، شش وسط، اعم از چوبی یا سیمی.

۳- ستاره‌ای که تماماً از مفتول ساخته شده باشد.

شمسه ایرانی

šamse-ye irāni

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

شمسه ده تند

šamse-ye dah-e tond

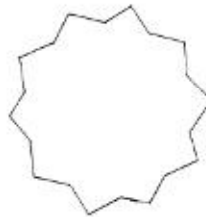
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



شمسه ده کند

šamse-ye dah-e kond

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت طرح گره کاربرد دارد.



شمسه سابی

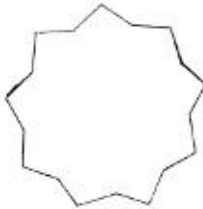
šamsesābi

ساییدن مقتول ضخیم با سوهان نرم یا تخته ساب و تبدیل آن به شمسۀ یکپارچه. شمسۀ سابی از مهارت‌ها و تخصص‌های خاتم‌سازان قدیمی بوده است.

شمسه نه

šamse-ye noh

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



شمسه وسط گل

šamse-ye vasat-e gol

شمسه‌ای که در مرکز گل خاتم جای دارد.

شمسه هشت کند

šamse-ye hašt-e kond

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد. به شمسۀ هشت و چهار لنگه نیز معروف است.

شمسه ساب

šamsesāb

کسی که در ساییدن مقتول ضخیم با سوهان نرم یا تخته ساب و تبدیل آن به شمسۀ یکپارچه مهارت داشته باشد.

شمسه هشت و چهار لنگه

šamse-ye

hašt-o-čahārleŋge

←: شمسۀ هشت کند.

شمسه یکپارچه

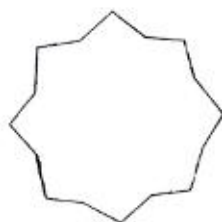
šamse-ye yekpārče

شمسه‌ای متشکل از مفتولی ضخیم که شش طرف آن ساییده شده و سطح مقطع آن به شکل شش ضلعی درآمده است.

šemšād

شمشاد

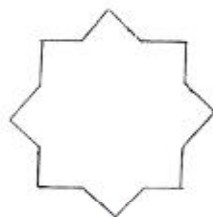
نوعی چوب محکم و سخت که از شمشاد جنگلی به دست می‌آید و گاه برای ساختن تنگ و به ندرت به صورت رنگ شده برای ساختن گل‌های خاتم به کار می‌رود.



شمسه هشت و تیز

šamse-ye hašt-o-tiz

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره‌چینی کاربرد دارد. به شمسۀ چهار سلی بازوبندی نیز معروف است.



ط

توره کردن **tore kardan**

آستر کردن خاتم. شیوه قدیمی کار این بود که ۵ دوزایه را چسب می‌زدند و بین آنها چهار آستر قرار می‌دادند، رو و زیر این مجموعه، که توره نام داشت، نیز آستر می‌گذاشتند و سرانجام قاتمه‌اش می‌کردند. امروزه معمولاً ۲۰ دوزایه را یکجا در تنگ توره کنی می‌گذارند.

طول خاتم **tul-e xātam**

گل خاتم که به صورت میله پیچیده شده است و درازای آن ۶۲ - ۶۳ سانتیمتر است. به آن میله خاتم نیز می‌گویند. ← میله خاتم.

طبل **tabl**

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

طبل قناس **tabl-e qenās**

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

توره **tore**

مجموعه‌ای متشکل از ۵ دوزایه خاتم و شش آستر. برای تفکیک توره، دو زایه‌ها و چهار عدد از آسترها که بین دو زایه‌ها مشترک‌اند، برش می‌خورند و ده ورق خاتم هر یک با آستری جداگانه، حاصل می‌شود.

ظ

ظرف سريشم **zarf-e serišom**
ج: سريشم طاس.

ع

arusak

عروسک

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



āj

عاج

ماده‌ای استخوانی و سخت به رنگ سفید یا شیری که بر اثر رشد دندان‌های پیشین فیل حاصل می‌شود. سابقاً این ماده در خاتم‌سازی کاربرد داشت، اما امروزه به جای آن از استخوان یا فیبر شبه عاج استفاده می‌شود، چون عاج ماده‌ای کمیاب و گرانبها است.

adasi

عدسی

برجسته یا محدب؛ گرده ماهی.

annāb

عَنَاب

چوبی بسیار محکم به رنگ سرخ نسبتاً روشن و گاه سرخ جگری که به رنگ طبیعی در خاتم سازی به کار می‌رود.

arz-e xātam

عرض خاتم

←: پهنای خاتم.

ف

طولش نباشد. این عمل فارسی قطع کردن و فارسی کردن هم خوانده می‌شود.

فارسی قطع کردن

fārsi qat' kardan

په: فارسی بریدن.

fārsi kardan فارسی کردن

ه: فارسی بریدن.

fāq فاق

بریدگی یا شکافی که بخشی پیش آمده به نام زبانه در آن جا می‌گیرد و موجب اتصال دو قطعه جداگانه می‌شود. همچنین: ه کام

fāq-o-zabāne فاق و زبانه

نوعی اتصال که در آن یکی از قطعات دارای یک بریدگی یا شکاف و قطعه دیگر دارای پیش‌آمدگی است که در آن شکاف یا فاق جا می‌گیرد.

fārsi فارسی

۱- مورب، اریب.

۲- برش اریبی که با زاویه 45° به سر ورق خاتم یا تخته می‌دهند.

fārsibor فارسی بر

۱- وسیله‌ای از چوب یا فلز با زاویه 90° (به اندازه زاویه گوشه کار) که هنگام فارسی کردن حاشیه یا گیلویی با آن نخست خط می‌کشند و سپس حاشیه یا گیلویی را می‌برند.

۲- زاویه 45° گوشه کار؛ بخشی که به صورت اریب با زاویه 45° بریده شده است.

fārsibori فارسی بری

عمل فارسی بریدن.

فارسی بریدن

fārsi boridan

اریب بریدن؛ مورب بریدن؛ بریدن قطعه چوبی مکعب مستطیل شکل به گونه‌ای که مقطع آن عمود بر

- فرز** **ferez**
وسيله‌ای برقی متشکل از میله‌ای که به وسیلهٔ موتور به دوران درمی‌آید و انواع تیغه‌ها و نیز سنگ سنباده به آن متصل می‌شود. فرز بر دو نوع است: (۱) ثابت که چوب را به اصطلاح به دَمَش می‌دهند و (۲) متحرک که آن را با دست روی سطح کار حرکت می‌دهند. از این وسیله برای مقاصد گوناگون مثل ابزار زدن، نقش دادن به چوب، بریدن انحناهای کار، گیلویی زدن، گود کردن چوب و سنباده زدن استفاده می‌شود.
- فشار** **fešār**
در اصطلاح خاتم سازان اصفهان به تنگ یا پرس، یعنی همان دستگاهی اطلاق می‌شود که تمامه‌ها را در آن می‌گذارند.
- فنر** **fanar**
تیغهٔ اره، معمولاً اره‌های چارچوب‌دار که از فنر ساعت ساخته می‌شود.
- فنر چپ و راست کنی**
fanar-e čap-o-rastkoni
←: چپ و راست کن اره.
- فوفل** **fufel, fufal**
چوبی به رنگ قهوه‌ای سوخته که به رنگ طبیعی در خاتم سازی به کار می‌رود. این چوب سابقاً از هندوستان، بیشتر به صورت صندوق‌هایی که اشیای وارداتی را در آنها می‌نهادند، به ایران وارد می‌شد. فوفل اندکی چرب است و چنانچه به مدت طولانی در معرض نور آفتاب قرار گیرد رنگش قدری روشن می‌شود.
- فیبر جویی** **fibr-e jōyi**
نوعی فیبر شبه عاج که رگه‌هایی دارد. به فیبر رگه‌دار و گاله‌لیت نیز معروف است.
- فیبر رگه‌دار** **fibr-e ragedār**
←: فیبر جویی.
- فیبر شبه عاج** **fibr-e šebh-e āj**
نوعی پلاستیک فشرده که در تینر و سایر حلال‌های پلاستیک حل

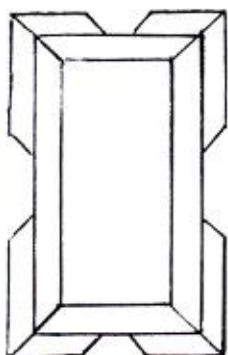
نمی‌شود. و به صورت ورق‌هایی به ضخامت ۱-۲ میلیمتر موجود است. از این ماده به جای عاج و استخوان در خاتم‌سازی استفاده می‌شود.

ق

قاب گوشه‌دار

qāb-e gušedār

نوعی قاب که به هر یک از چهار گوشه آن قطعه‌ای اضافی، متشکل از دو قطعه چوب کوتاه که با زاویه 90° به یکدیگر متصل شده‌اند، می‌چسبانند و از همین رو چهارگوشه آن پهن‌تر از قاب‌های معمولی است.



qāteli

قاتلی

قاطعی در اصطلاح خاتم‌سازان. ۷:

قاطعی.

qābband-i

قاب بندی

۷: مجلس بندی.

qāb-e taxt

قاب تخت

قاب‌ی که فاقد تیرک باشد.

قاب حاشیه

qāb-e hāšiye

قاب باریکی که پهنای هر یک از اضلاعش به اندازه یک حاشیه باشد.

qāb-e dogol

قاب دو گل

قاب‌ی که پهنای تیرک آن به اندازه دو گل خاتم باشد.

قاب دو لبه

qāb-e dolabe

قاب‌ی باریک شامل دو حاشیه یا دو لبه که یکی صاف و دیگری پخ است.

qābe segol

قاب سه گل

قاب‌ی که پهنای تیرک آن به اندازه سه گل خاتم باشد.

قاتمه کردن *qātme kardan*

پیچیدن قاتمه به دور میله گل خاتم پس از پرشدن گل، یعنی پس از کنار هم قرار گرفتن اجزای گل و حاصل شدن شکل نهایی آن. این کار موجب می شود که سریشم اضافی از لابه لای مثلث ها بیرون بیاید و قطعات خاتم کاملاً به یکدیگر جفت شوند. امروزه قاتمه کردن تقریباً منسوخ شده است و فقط در بعضی از کارگاه ها، از جمله کارگاه خاتم سازی سازمان میراث فرهنگی کشور، انجام می گیرد.

قاشقی *qāšoqi*

مقعر؛ گود.

قاطعی *qāte'i*

ورقی از استخوان یا فیبر شبه عاج و به ندرت از چوب که خاتم حاشیه را از خاتم متن و یا حاشیه های مختلف را از یکدیگر جدا می کند. ضخامت این ورق بین ۱-۴ میلی متر متغیر است، اما معمولاً از ورق هایی به ضخامت ۲ میلی متر استفاده می شود که سطح مقطع آن به صورت نواری باریک روی سطح خاتم مشاهده می شود. در بین خاتم سازان به قاتلی معروف

قاتلی جویی

qāteli-ye jōyi

← قاطعی جویی.

قاتلی دندان موشی

qāteli-ye dandān-e muši

← قاطعی دندان موشی.

قاتلی دورنگ

qāteli-ye do rang

← قاطعی دورنگ.

قاتلی دونه *qāteli-ye dune*

← قاطعی دانه.

قاتلی ساده *qāteli-ye sāde*

قاطعی ساده.

قاتلی کشی *qātelikeši*

← قاطعی کشی.

قاتلی کنی *qātelikoni*

← قاطعی کنی.

قاتمه *qātme*

نخی محکم تر و ضخیم تر از نخ پرک که پس از پرشدن گل خاتم دور آن می پیچند. املائی قاطمه نیز متداول است.

است.

قاطعی جویی

qāte'i-ye jōyi

نوعی قاطعی مرکب از قطعات استخوان و فوفل به طول $۱/۵ - ۰/۵$ سانتیمتر که با اره سر قطع کن به شکل اریب بریده و به طور یک در میان کنار هم قطار شده‌اند. به آن قاطعی دورنگ نیز می‌گویند. در بین خاتم‌سازان به قاتلی جویی معروف است.

قاطعی دانه

qāte'i-ye dāne

در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهان، قاطعی دورنگ با هر رنگ و آرایشی. در بین خاتم‌سازان به قاتلی دونه معروف است.

قاطعی دندان موشی

qāte'i-ye dandān-e muši

نوعی قاطعی مرکب از شماری مثلث متساوی‌الساقین از جنس فوفل (قهوه‌ای) و استخوان یا فیبر شبه عاج (سفید) که به گونه‌ای کنار هم قرار می‌گیرند که ردیفی پیوسته متشکل از مثلث‌های سفید و سیاه با آرایش یک

در میان بسازند. از این نوع قاطعی معمولاً برای تزیین کناره دهانه‌های گرد و کناره‌های سطوح انحنا دار استفاده می‌شود. در بین خاتم‌سازان به قاتلی دندان موشی معروف است.



قاطعی دورنگ

qāte'i-ye do rang

←: قاطعی جویی.

قاطعی ساده

qāte'i-ye sāde

قاطعی سفید و یک‌دست. در بین خاتم‌سازان به قاتلی ساده معروف است.

قاطعی کشی

نصب قاطعی؛ جدا کردن خاتم‌های متن و حاشیه از یکدیگر با قاطعی. در بین خاتم‌سازان به قاتلی کشی معروف است.

قاطعی کنی

نصب قاطعی کنار خاتم حاشیه. این کار پس از چسباندن نوار خاتم حاشیه

مقطع لوزها روی دو ضلع آن نمایان است، اضلاع بالایی و پایینی آن را اوه‌ها و اضلاع طرفینش را سرچسبان‌ها تشکیل می‌دهند. عرض قامه به اندازه درازای قطع خاتم، یعنی حدود ۸ سانتیمتر است و طول آن بستگی به تعداد لوزهایی دارد که کنار هم قطار می‌شوند و معمولاً بین ۲۰-۳۰ سانتیمتر در نوسان است. قامه را پس از آماده کردن در تنگ یا پرس می‌گذارند و سپس برش می‌دهند و دوزایه‌اش می‌کنند. از هر قامه خاتم بین ۲۰-۲۲ دوزایه به دست می‌آید. به قامه خاتم نیز معروف است. ← تصویر شماره ۹.

قامه چوب *qāme-ye čub*

مکعب مستطیلی از چوب به درازای ۳۲-۳۳ سانتیمتر، پهنای ۲۰ سانتیمتر و ضخامت ۱۵ سانتیمتر است که لا و یا اوه را از آن می‌برند. در قدیم که قامه را با اره دست دنده‌ریز لا می‌کردند، ضخامت قامه‌ها برای سهولت کار به بیش از ۶ سانتیمتر نمی‌رسید.

به سطح کار انجام می‌گیرد. در بین خاتم‌سازان به قاتلی‌کئی معروف است.

قاعمی گرداندن

qate'i gardāndan

نصب قاعمی به چهار ضلع قاب. در بین خاتم‌سازان به قاتلی گرداندن معروف است.

قاعمه *qātme*

← قاعمه.

قاعمه کردن *qātme kardan*

← قاعمه کردن.

قالب‌گیلویی *qāleb-e giluyi*

← خاتم خردکن.

قامه *qāme*

مجموعه‌ای مرکب از چند لوز خاتم؛ معمولاً ۶ یا ۸ یا ۹ لوز. هر لوز متشکل از چند گل و توگلو است که قطع شده و در دو یا سه ردیف کنار هم قطار شده‌اند، رو و زیر آنها دو ورق چوب به نام اوه قرار گرفته و در دو طرف آن نیز دو قطعه چوب به نام سرچسبان جا دارد. قامه به شکل مکعب مستطیلی است که سطح

قطع خاتم نیز می‌گویند.

قطع خاتم qat'-e xātam

← : قطع

قطع کردن qat' kardan

۱- بریدن میله یا طول خاتم و تقسیم آن به هشت بخش مساوی، هر یک به درازای تقریباً ۸ سانتیمتر.

۲- تقسیم کردن قطعه‌ای از چوب به قطعات مساوی.

در بین خاتم‌سازان اصطلاح تدکوردن متداول است.

قفل شدن qofl šodan

جفت شدن گل‌های خاتم در قامه هنگام تنگ گذاشتن.

قلم سریشم

qalam-e serišom

قطعه چوبی که سرش پهن و انتهای آن باریک است و برای مالیدن سریشم به آستر خاتم قبل از نصب خاتم روی اشیای مورد استفاده قرار می‌گیرد.

قلوه‌یی qolveyi

قلوه‌یی

ناهموار؛ ناصاف.

قامه خاتم qāme-ye xātam

← : قامه.

قامه کردن qāme kardan

بریدن چوب به گونه‌ای که به شکل مکعب مستطیلی به ابعاد ۱۵×۲۰×۳۳ درآید.

قد qad

← : قطع.

قد کردن qad kardan

← : قطع کردن.

قطار کردن qatār kardan

نخستین مرحله ساختن قامه خاتم که عبارت است از کنار هم گذاشتن لوزهای قطع شده. در مرحله بعدی دو سر چسبان در دو طرف لوزهای قطار شده قرار می‌دهند و دو ورق چوب به ضخامت ۲-۳ میلیمتر را نیز به عنوان آوه رو و زیر آنها می‌نهند.

قطع qat'

یک هشتم گل خاتم که به شکل استوانه‌ای به طول ۶۱-۶۳ سانتیمتر پیچیده شده است، یعنی استوانه‌ای به درازای تقریباً ۸ سانتیمتر. در بین خاتم‌سازان به قد معروف است به آن

بلندی ۵۰ سانتیمتر و قطر ۲۰-۳۰ سانتیمتر که در آن بنزین می‌ریزند و مثلث‌ها و قاطعی‌های استخوان را برای زدودن چربی‌شان در آن قرار می‌دهند.

qeyd

قید

- ۱- تنگ یا پرس قدیمی ۴: تنگ.
- ۲- در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهانی، کلاف زیر میز ۴: کلاف.

qomi

قمی

۴: ترقه.

قوز استخوان

quz-e ostexān

برآمدگی استخوان.

قوٹی بنزینی

qutibenzini

قوٹی استوانه‌ای شکل و درازی به

ک

<p>kām-o- zabāne کام و زیانه</p>	<p>kārdi کاردی</p>
<p>نوعی اتصال که برای به هم پیوستن چارچوب قاب، قید میز و نظایر آن به کار می‌رود. در بین خاتم‌سازان و نجاران به کوم و زیانه معروف است.</p>	<p>۱- : مثلث کاردی. ۲- : تیرک کاردی.</p> <p>kār kardan کارکردن</p> <p>استفاده از خاتم برای تزئین اشیاء؛ نصب ورق خاتم روی اشیا.</p>
<p>kabude کیوده</p> <p>نوعی چوب نرم که در خاتم‌سازی به عنوان آستر به کار می‌رود. به آن تبریزی نیز می‌گویند.</p>	<p>kās کاس</p> <p>توگود، مقعر.</p> <p>kām کام</p>
<p>katibe'i کتیبه‌ای</p> <p>: بازوبند.</p>	<p>بریدگی یا شکافی که در قطعه چوبی ایجاد می‌شود و بخشی بیش آمده موسوم به زیانه در آن جا می‌افتد. در تداول عامیانه به کوم معروف است.</p>
<p>kešo کشو</p> <p>وسیله‌ای متشکل از دو صفحه چوبی یا فلزی موازی که بین آنها شکافی به طول ۱۰-۱۵ سانتیمتر وجود دارد. گشادی شکاف با دو قطعه چوب کوچک تنظیم می‌شود که بین دو صفحه فوقانی و تحتانی جا می‌گیرد. این قطعه چوب‌ها تعویض شدنی‌اند و اندازه آنها به ضخامت لایی که قرار</p>	<p>kām kani کام‌کنی</p> <p>ایجاد شکافی در چوب به وسیله مغاره؛ در آوردن کام با مغاره. در بین خاتم‌سازان و نجاران به کوم‌کنی معروف است.</p>

است از کشو بگذرد بستگی دارد. سابقاً از این وسیله برای کنترل صاف و هموار بودن، یا به اصطلاح یک گندگی بودن لاها استفاده می‌شد. اگر بخشی از یک لا از شکاف کشو به آسانی رد نمی‌شد و به آن گیر می‌کرد و یا به عکس هنگام رد شدن از کشو بیش از حد آزاد بود به اصطلاح لق می‌زد، معلوم می‌شد که آن لا یک گندگی نیست.

کف شاه قلم

kaf-e šāhqalam

پهن‌ترین قسمت شاه قلم.

کلاف دور میز

kalāf-e dor-e miz

چارچوبی که صفحه میز روی آن قرار می‌گیرد و پایه‌ها نیز به آن متصل است.

کلاه درویش

kolāh-e darviš

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



کف kaf

آن ضلع از منشور مثلث القاعده که سطح رویی یا زیرین لای چوبی یا استخوانی بوده که از آن بریده شده است. سطح کف معمولاً از سطح دو ضلع دیگر صاف‌تر است.

کلنگی

kolangi

۱- بازوبند.

کله کو

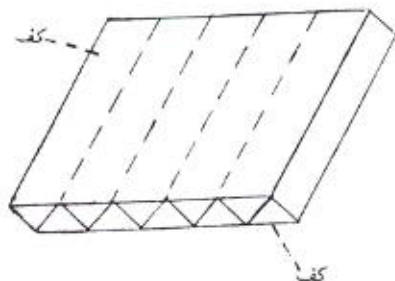
kaleku

۲- کله کوب.

کله کوب

kalekub

۱- پتک یا تیشه‌ای که سابقاً به وسیله آن به دو سر قامه‌ای که در تنگ گذاشته بودند ضربه می‌زدند تا لوزها کاملاً به هم جفت شوند و هیچ فاصله نامطلوبی بین آنها باقی نماند. امروزه دویچی که در طرفین تنگ وجود دارند جایگزین کله کوب شده‌اند و



بیشتر در مرحله اجرای خاتم، به کار می‌رود.

کنار کردن **kenār kardan**

گرفتن اوه خاتم متن و منظم و یک هوا کردن اوه‌های خاتم حاشیه با سوهان تسخته‌سب. در صورتی که خاتم حاشیه بیش از یک اوه داشته باشد، اوه بیرونی کنار می‌شود.

کنارکنی **kenārkonī**

عمل کنار کردن.

کنار گرفتن

kenār gereftan

رنده کردن اوه چوبی خاتم به گونه‌ای که از آنچه هست باریک‌تر شود و یا چیزی از آن باقی نماند. این کار هنگامی صورت می‌گیرد که قرار باشد ورق خاتم کنار ورق دیگری چسبانده شود و با کنار آن استخوان نصب گردد.

کناری **kenāri**

مجموعه اوه‌هایی که در هر بغل خاتم حاشیه قرار دارند.

فشار وارده را می‌توان با پیچاندن آنها تنظیم کرد.

۲- سرچسبان قامه خاتم در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهانی.

کم آوردن **kam āvardan**

لق زدن یا شل بودن قامه در تنگ. این حالت زمانی پیش می‌آید که گشادی دهانه تنگ از ضخامت قامه بیشتر باشد و از این رو قامه محکم و استوار در تنگ قرار نگیرد. سابقاً، هنگامی که قامه کم می‌آورد، دو قطعه چوب گوه‌مانند در طرفین قامه قرار می‌دادند و با کله‌کوب به آنها ضربه می‌زدند تا جا بیفتند و قامه را در جا نگه دارند و در صورت لزوم یک تخته اضافی نیز روی قامه می‌گذاشتند. در تنگ‌های امروزی گشادی دهانه با پیچ تنظیم می‌شود.

کمان **kamān**

چارچوب کمان اره.

کمان اره **kamānarre**

نوعی اره که چارچوب آن منحنی و تیغه آن بسیار ظریف است و برای بریدن زه دور نقش‌های اسلیمی و گل و مرغ یا بریدن نقش‌های انحنادار،

kule

کوله

←: کوله رنده.

کوله رنده

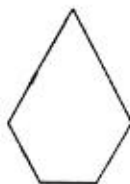
kule-ye rande

بدنه اصلی رنده که تیغه روی آن سوار می شود.

کیسه سرمه دان

kise-ye sormedān

از آلت های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



kiler

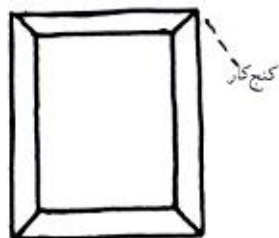
کیلر

ماده شیمیایی بی رنگ و شفاف که پس از سیلر زدن و پیش از پلی استر زدن برای جلا بخشیدن به خاتم به سطح آن مالیده می شود. برای رنگ کاری سطوح وسیع، کیلر را با پمپ به سطح کار می پاشند، اما سطوح کوچک را با قلم مو و گاه با نوک انگشتان کیلر می زنند. پس از کیلر زدن، سطح خاتم را با سنباده نرم - معمولاً پوست سنباده ۴۰۰ -

konj-e kār

کنج کار

گوشه کار؛ محل درز شدن سرهای فارسی نوارهای خاتم حاشیه در زاویه قاب؛ محل تلاقی سرهای فارسی ضلع های قاب.



کنده زیر دست

konde-ye zir-e dast

قطعه چوبی به شکل مکعب مستطیل، معمولاً به ارتفاع ۲۰-۲۵ سانتیمتر که طول آن تقریباً ۴۰ سانتیمتر و عرض آن حدوداً ۲۵ سانتیمتر است و سابقاً - زمانی که خاتم سازان هنگام کار روی زمین می نشستند - به عنوان نوعی میز کار مورد استفاده قرار می گرفت. به آن کنده زیردستی نیز می گویند.

کنده زیردستی

konde-ye zirdasti

←: کنده زیر دست.

می‌سایند.

معمولاً برای ساختن تنگ به کار
می‌رود. این چوب بیشتر از نواحی
کوهستانی فارس و لرستان به دست
می‌آید.

kaykom

کیکم

چوبی بسیار سخت و مقاوم که

گ

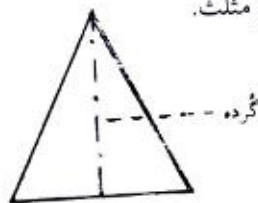
گاله‌لیت **gālelit** **گرده ماهی** **gordemāhi**
 -: فیبر جویی. برجسته، محدب.

گرداندن **gardāndan** **گرفتن** **gereftan**
 نصب خاتم حاشیه یا متن به چهار ضلع یا گرداگرد شیئی مثل میز یا صندوق.

گردکردن خاتم **gerd kardan-e xātam**
 انسحنا دادن به ورق خاتم بیش از چسباندن آن به سطحی محدب.

گردو **gerdu**
 نوعی چوب به رنگ کرم تا قهوه‌ای سوخته که در خاتم‌سازی گاه به عنوان اوۀ خاتم به کار می‌رود.

گرده **gorde**
 ارتفاع مثلث.



گره **gere**
 مجموعه‌ای از اشکال هندسی که در کادری مشخص و با آرایشی معین و منظم کنار هم قرار گرفته‌اند. هر یک از اشکال هندسی که مجموعاً گره را تشکیل می‌دهند، آلت خوانده می‌شوند. برخی از کارهای خاتم به صورت طرح گره اجرا می‌شوند.

شش وسط.

۲- قرار دادن شش مثلث یا مفتول اطراف شش وسط.

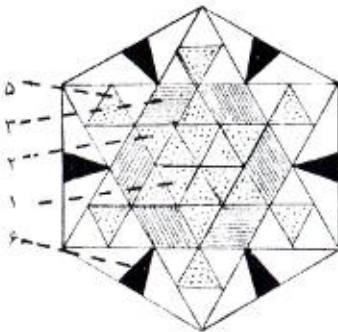
۳- قرار دادن جویی در دهانه‌های ستاره‌ای که طی دو مرحله قبل شکل گرفته است (جویی پر کردن).

۴- پرّه‌پیچی (آماده کردن پرّه‌ها).

۵- قرار دادن پرّه‌ها در اطراف شش ضلعی دوم یا شش ضلعی بزرگ‌تر.

۶- پر کردن گل خاتم با بغل شش‌هایی که داخل دهانه‌های گل یا همان ستاره بزرگ‌تری جا می‌گیرند که در مرحله پیش حاصل شده است.

در مرحله بعد توگلوها آماده می‌شوند و فاصله بین گل‌ها را پر می‌کنند. ← تصویر شماره ۱۰



گل اناری **golanāri**

یکی از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

گل بند **golband**

خاتم‌پیچ در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهانی. ← خاتم پیچ.

گل بندی **golbandi**

خاتم‌پیچی در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهانی. ← خاتم‌پیچی.

گل پر کردن **gol porkardan**

آخرین مرحله خاتم‌پیچی که طی آن شکل گل خاتم کامل می‌شود.

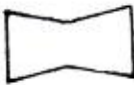
گل پیچیدن **gol pičidan**

کنار هم نهادن منشورهای مثلث القاعده و چسباندن و به هم پیوستن آنها به گونه‌ای که گل خاتم شکل بگیرد. این کار با پیچیدن شش ضلعی یا منشور مسدس القاعده مرکزی آغاز می‌شود و طی چند مرحله کامل می‌گردد. مراحل پیچیدن نمونه‌ای از گل خاتم به شرح زیر است:

۱- پیچیدن شش ضلعی مرکزی یا

- گل خاتم** *gol-e xātam* دستگاه گندگی.
 منشوری با قاعده معمولاً شش ضلعی و به ندرت هشت یا ده یا دوازده ضلعی، متشکل از مثلث‌هایی که به شکلی منظم کنار هم چیده و پیچیده شده‌اند. سطح مقطع این منشور نقشمایه یا نگاره خاتم است و فاصله بین این نقش‌های تکرار شونده را توگلوها پر می‌کنند.
- گل مصالح ساییده** *gol-e masālehsābide*
 در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهانی گلی که کلیه مثلث‌ها، مفتول‌ها و جویی‌هایش ساییده شده باشد.
- گل و مرغ** *gol-o-morq*
 از طرح‌های سنتی ایرانی با نقشمایه‌های گیاهی و جانوری که گاه در اجرای خاتم کاربرد دارد.
- گلویی** *geluyi, galuyi*
 گیلویی در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهانی. ←: گیلویی.
- گندگی کردن**
gondegi kardan
 یکسان کردن ضخامت لا با استفاده از
- گود و سینه شدن** *god-o-sine šodan*
 لوله شدن لا.
- گوشواره** *gušvāre*
 ←: بادامی.
- گونیا** *gunyā*
 ۱- وسیله‌ای فلزی به شکل Δ که برای کنترل زاویه‌های قاب یا چارچوب میز به کار می‌رود.
 ۲- یکسان و مستوی (سطح).
 ۳- نود درجه (زاویه).
 ۴- دارای زاویه‌های قائم منظم (قاب، چارچوب میز).
- گونیا کردن** *gunyākardan*
 ۱- طراز کردن سطح؛ مسطح و مستوی کردن سطح.
 ۲- اندازه گرفتن زوایای سطح.
- گونیا کوچک** *gunyā kučak*
 ←: نیم چارسو.

- گونبای فارسی بر
giluyi-ye adasi
گیلویی عدسی
-: تیرک گرد.
- گونبای کوچک
giluyi-ye qāb
گیلویی قاب
-: تیرک.
- گیوه تخته رند
giluyi-ye gerd
گیلویی گرد
-: تیرک گرد.
- گیلویی گرداندن
giluyi gardāndan
۱- نصب گیلویی یا تیرک به چهار ضلع قاب.
۲- نصب ورق خاتم روی گیلویی یا تیرک چهار ضلع قاب.
- گیلویی گرده ماهی
giluyi-ye gordemāhi
-: تیرک گرد.
- گیلویی
give
گیوه
از آلت های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.
- گونبای فارسی بر
gunyā-ye fārsibor
-: نیم چارسو.
- گونبای کوچک
gonyā-ye kučak
-: نیم چارسو.
- گیره تخته رند
gire-ye taxterand
قطعه چوبی باریک که طول آن به اندازه پهنای تخته رند، یعنی ۸-۱۰ سانتیمتر است و تقریباً در فاصله ۱۰ سانتیمتری از سر تخته رند به زیر آن متصل می شود. هنگامی که تخته رند را به میخ کار تکیه می دهند این قطعه چوب به میخ کار یا میز گیر می کند و تخته رند را ثابت نگه می دارد.
- گیلویی
giluyi
۱- در اصطلاح خاتم سازان تهران تیرک مقعر یا گود.
۲- در اصطلاح خاتم سازان شیراز هر نوع تیرک.
- گیلویی زدن
giluyi zadan
گود کردن تیرک قاب با استفاده از رنده زیرگرد



ل

- می‌برند. به آن لای سه پخ نیز می‌گویند.
- lā-ye sepax** لای سه پخ
-: لای بغل شش.
- lā-ye mosallas** لای مثلث
لایی به ضخامت ۱/۵ میلیمتر که مثلث و جویی را از آن می‌برند.
- lāye** لایه
-: لایه برنجی.
- lāye-ye berenji** لایه برنجی
ورقی نازک و ظریف از برنج که گاه هنگام ساختن گل‌های خاتم دور پوزه‌های سیاه، نه‌تایی‌های سیاه یا توگلوها پیچیده می‌شود و مقطع آن به شکل خطی بسیار باریک روی سطح خاتم به چشم می‌خورد و بر جلوه آن می‌افزاید. پهنای لایه به اندازه یک ضلع پوزه، نه‌تایی یا توگلوئی است که قرار است لایه شود و
- lā** لا
تخته‌ای به پهنای ۹-۱۰ سانتیمتر و ضخامت ۱-۴ میلیمتر که مثلث‌ها، جویی‌ها و بغل‌شش‌ها را از آن می‌برند. لا از برش دادن قامه چوب حاصل می‌شود.
- la boridan** لا بریدن
-: لا کردن.
- lā kardan** لا کردن
برش دادن قامه چوب به طوری که تخته‌هایی به ضخامت یک تا چهار میلیمتر به دست آید. سابقاً این کار با اره دستی انجام می‌گرفت، اما امروزه قامه را با اره برقی لا می‌کنند.
- lāl šodan** لال شدن
کند شدن سوهان یا اره.
- لای بغل شش
- lā-ye baqalšeš**
لایی به ضخامت حدود ۲ میلیمتر که بغل‌شش‌ها و سه پخ‌ها را از آن

نیز از عواملی است که موجب لق کردن و نهایتاً جدا شدن مفتول از خاتم می‌شود.

لنگه **lenge**

از واحدهای شمارش خاتم. در مورد خاتم‌های متن هر لنگه معادل یک ورق و در مورد بعضی از خاتم‌های حاشیه، مثل حاشیه‌های شش‌گلی، هر لنگه معادل دو تسمه است.

لوز **loz**

۱- مجموع چند میله خاتم و چند توگلو که به صورت منشوری با قاعده لوزی شکل کنار هم آرایش یافته و به هم چسبانده شده‌اند. در مرحله بعد این لوزها به هشت قسمت تقسیم می‌شوند و کنار هم در تمامه قطار می‌گیرند. تعداد واحدهایی که یک لوز را تشکیل می‌دهند متفاوت است، مثلاً ممکن است هر لوز از چهار گل و هشت توگلو یا هشت گل و شانزده توگلو تشکیل شده باشد. به آن لوز خاتم نیز می‌گویند.

۲- از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.

درازای آن به اندازه طول خاتم یا نصف طول خاتم است. به آن لایه نیز می‌گویند.

لایه کردن **lāye kardan**

پیچیدن لایه‌ای از برنج دور پژه‌ها و نه‌تایی‌های سیاه و توگلوها برای جلوه بخشیدن به خاتم. پژه‌ها و نه‌تایی‌های سیمی را که بخش اعظم آنها از مفتول است، لایه نمی‌کنند؛ همچنین خاتم‌های پُر مفتول نظیر عالم‌زر نیز لایه نمی‌شوند. لایه کردن موجب بالا رفتن کیفیت خاتم می‌شود.

لای یک زایه

lā-ye yekzāye

لایی به ضخامت یک میلیمتر که به عنوان اُوه به کار می‌آید.

لغت **loqat**

هر یک از خطوط پیرامون طرح گره.

لق کردن **laq kardan**

شل و سست شدن مفتول‌ها هنگام سوهان زدن، برش زدن و دو زایه کردن خاتم که علت آن گرمای ناشی از سایش است. بد پیچیده شدن خاتم

lule šodan	لوله شدن گود شدنِ ورق چوب.	loz-e xātam	لوز خاتم ←: لوز (۱)
lehide šodan	لهیده شدن ←: مجاله شدن.	loz-e dogol	لوز دوگل لوزی متشکل از دو گل و چهار توگلو.
lise	لیسه تیغه‌ای فلزی و مستطیل شکل که کناره‌های آن نسبتاً تیز است و برای صاف و صیقلی کردن رنگ روی خاتم و زدودن چسب‌های اضافی به کار می‌رود.	louz-e segol	لوز سه گل لوزی متشکل از سه گل و شش توگلو.
		louz-e čahārgol	لوز چهار گل لوزی متشکل از چهار گل و هشت توگلو.

م

رنگ‌کاری با آن می‌سابند. از این وسیله برای ساییدن سطوح گسترده، مثل سطح روی میز، پس از پرداخت کردن آن سطح با ماشین سنباده‌گرد استفاده می‌شود. به آن سنباده‌لرزان نیز می‌گویند.

māšīnkār ماشین کار
کسی که در کار کردن با اره‌های برقی و تعمیر آنها مهارت داشته باشد.

ماشین‌گندگی
māšin-e gondegi
ه: دستگاه‌گندگی.

māku ماکو
از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به صورت گره‌چینی کاربرد دارد.



ماستیدن **māstīdan**
دلمه شدن سریشم گرم بر اثر سرد شدن.

ماشین‌اره **māšīnarre**
اره برقی؛ اره‌ای که به جای دست با نیروی برق کار می‌کند.

ماشین سنباده‌گرد
māšīnsonbāde-ye gerd

دستگاهی برقی دارای استوانه‌ای گردان که به آن ورق سنباده‌زبر می‌چسبانند و سطح خاتم را پیش از رنگ‌کاری با آن می‌سابند. از این وسیله برای ساییدن سطوح گسترده، مثل سطح روی میز، استفاده می‌شود. به آن سنباده‌گرد نیز می‌گویند.

ماشین سنباده‌لرزان
māšīnsonbāde-ye larzān

دستگاهی برقی متشکل از صفحه‌ای لرزان که ورق سنباده‌نرم را به آن می‌چسبانند و سطح خاتم را پیش از

مثلث بیست mosallas-e bist

مثلثی که اندازه آن متناسب با اندازه مقتول شماره بیست است و همراه آن برای ساختن نقش‌های خاتم به کار می‌رود.

مثلث بیست و چهار**mosallas-e bist-o-čahār**

مثلث بسیار ظریفی که همراه با ریزترین مفتول، یعنی مفتول بیست و چهار به کار می‌رود.

مثلث پُرگَرده**mosallas-e porgorde**

مثلثی که ارتفاع آن زیاد باشد.

**مثلث سابی mosallassābi**

عمل ساییدن و صاف و یک هوا کردن مثلث‌های چوبی و استخوانی. همچنین به ساینده‌گی و نیز تصویر شماره ۱۱.

matn-e qāb

عمولاً مقعر، است، با انواع می‌شود و در دو به نصب می‌گردد.

مثلث mosallas

۱- منشوری از چوب، استخوان یا فیبر شبه عاج که قاعده آن معمولاً به شکل مثلث متساوی‌الاضلاع و گاه به شکل مثلث متساوی‌الساقین است و برای ساختن گل‌ها و توگلوهای خاتم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- سطح مقطع منشور مثلث‌القاعده. این سطح به شکل مثلث متساوی‌الاضلاع یا مثلث متساوی‌الساقین روی سطح خاتم مشاهده می‌شود و گل‌ها و توگلوهای خاتم را شکل می‌دهد.

مثلث بُری mosallasbori

عمل بریدن مثلث.

مثلث بریدن**mosallas boridan**

به: مثلث کردن.

مثلث سه پخ

mosallas-e sepax

مثلثی از چوب یا استخوان به درستی یک پره. یعنی به اندازه مثلثی متشکل از چهار مثلث ریز. ضخامت لایه که مثلث سه پخ را از آن می‌برند ۲-۲/۵ میلیمتر است. سه آن سه پخ نیز می‌گویند.

مثلث سیاه

mosallas-e siyāh

منشوری مثلث‌القاعده از چوب - معمولاً از چوب چنار - که با استفاده از رنگ شیمیایی به رنگ سیاه درآمده است و نیز مقطع این منشور، که روی سطح خاتم مشاهده می‌شود. در قدیم به جای مثلث رنگ شده از چوب فوفل (به رنگ طبیعی) و به ندرت از آبنوس استفاده می‌کردند.

مثلث شیرازی

mosallas-e širāzi

در اصطلاح خاتم‌سازان اصفهانی مثلثی که در شیراز بریده و آماده شده باشد.

مثلث کاردی

mosallas-e kārdi

منشوری که قاعده آن به شکل مثلث متساوی‌الساقین باریکی با دو ضلع بلند باشد و نیز مقطع این منشور، که روی سطح خاتم دیده می‌شود. از مثلث کاردی برای ساختن هشت ضلعی، ده ضلعی و گاه دوازده ضلعی استفاده می‌شود. هر چه تعداد اضلاع چندضلعی بیشتر باشد، مثلث کاردیی که در ساخت آن به کار می‌رود باریک‌تر خواهد بود.

مثلث کردن mosallas kardan

بریدن مثلث از لا. برای بریدن مثلث نخست یکی از کناره‌های طولی لا را پخ می‌زنند و سپس با برش‌های اریب مثلث‌ها را یکی‌یکی از لا جدا می‌کنند. در قدیم این کار با اره مثلث بر انجام می‌گرفت، اما امروزه لا را با اره برقی مثلث می‌کنند. به این عمل مثلث بریدن و مثلثی کردن نیز می‌گویند.

مثلث کم‌گرده

mosallas-e kamgorde

مثلثی که ارتفاع آن کم باشد.

مثلثی کردن

پرس.

mosallasi kardan

-: مثلث کردن.

mašile

مشيله

استخوان پوک و خراب. در صورتی که در خاتم‌سازی از چنین استخوانی استفاده شود، هنگام گل‌پیچی سریشم به استخوان راه پیدا می‌کند و موجب سیاه شدن آن و ضایع شدن گل خاتم می‌شود.

معرق خاتم

mo'arraqa-e xātam

-: خاتم معرق.

moqār

مغار

ابزاری فولادی با نوکی تیز که در خاتم‌سازی برای زدودن چسب‌های اضافی از بین شیارها یا دهانه‌های میله خاتم، از کنار قامه و از کنارهای ورق خاتم نصب شده بر روی سطح اشیا به کار می‌رود. پهنای تیغه مغاری که در خاتم‌سازی به کار می‌رود معمولاً یک سانتیمتر است، اما گاه از مغارهای ۲ سانتیمتری و مغارهای ریز ۵/۰ سانتیمتری نیز استفاده می‌شود.

majlesbandi مجلس بندی

۱- تزئین گرداگرد اشیایی همچون تنبک، جعبه، صندوق، میز و نظایر آن با شکل‌های منظم و مکرری مانند ترنج، شمسه، دایره و غیره که به فاصله‌های منظم آرایش می‌یابند و هر یک بسان قاب نوشته‌ای، مثلاً بیتی از شعری یا آیه‌ای از قرآن و یا نقش خاتمی را در میان می‌گیرند. فضای درون این قاب‌ها با مثلث‌های سیاه یا چوب ساده زمینه‌سازی می‌شود و نوشته میان آن را از استخوان یا فیبر شبه‌عاج به صورت معرق می‌برند و روی زمینه سیاه یا ساده کار می‌گذارند. هنگام اجرا می‌توان دور این شکل‌های مکرر را حاشیه‌کشی و زه‌کشی کرد. به آن قاب‌بندی نیز می‌گویند.

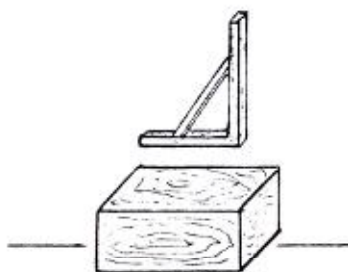
۲- هر یک از این شکل‌های مکرر.

močale šodan مجاله شدن

کج و معوج شدن و از شکل افتادن گل خاتم بر اثر بیش از حد داغ بودن

مفتول بیست و چهار	مغار دم صاف
maftul-e bist-o-čahār	moqār-e damsāf
←: سیم بیست و چهار	نوعی مغار که نوک آن صاف است و
مفتول بیست و دو	و در خاتم سازی بیشتر از دیگر انواع
maftul-e bist-o-do	مغار کاربرد دارد.
←: سیم بیست و دو	مغار گود
مفتول ساببی	←: مغار گیلویی.
maftulsābi	مغار گیلویی
عمل ساییدن و صاف و یک هوا	moqār-e giluyi
کردن مفتول. همچنین ←: سابندگی.	نوعی مغار که دم آن هلالی شکل
مفتول شانزده	است و هنگام ابزار زدن سطح کار را
maftul-e šānzdah	گود می کند و شیار می اندازد. این نوع
←: سیم شانزده.	مغار بیشتر در مثبت کاری و گاهی در
مفتول شمسه	خاتم سازی کاربرد دارد.
maftul-e šamse	مفتول
مفتولی ضخیم که شش طرف آن را	←: سیم.
به گونه ای ساییده اند که سطح مقطع	مفتول برنجی
آن به شش ضلعی و خود مفتول به	maftul-e berenji
شمسه یکپارچه تبدیل شده است. در	←: سیم.
خاتم های قدیمی گاه از مفتول شمسه	مفتول بیست
استفاده می شد. به آن شمسه یکپارچه	←: سیم بیست
نیز می گویند.	maftul-e bist
مفتول هجده	
maftul-e hej dah	
←: سیم هجده.	

چوبی به شکل مکعب مستطیل است که به زمین میخکوب می شود. نوع دیگر آن متشکل از دو محور افقی و عمودی است که با زاویه 90° به یکدیگر پیوسته اند و قطعه چوبی نیز به صورت اریب به این دو محور متصل است تا ضلع عمودی را که رو به خاتم ساز قرار می گیرد، محکم و استوار نگه دارد. ضلع افقی این نوع میخ کار به زمین پیچ می شود. -: تصویر شماره ۱۲.

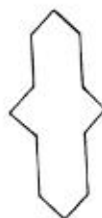


میخ کردن *mix kardan*
متصل کردن دو قطعه چوب به یکدیگر به وسیله میخ.

میله خاتم *mile-ye xātam*
منشور مسدس القاعده ای به طول ۶۱-۶۳ سانتیمتر که با هم کنار نهادن مثلث ها و مقنول ها شکل می گیرد.

موج - مداخل - بند رومی
moj-modāxel-band-e rumi

از آلت های گره که در اجرای خاتم به صورت گره چینی کاربرد دارد.



مورد *murd*
-: حاشیه مورد.

مورد مکرر *murd-e mokarrar*
-: حاشیه مورد مکرر.

مورد و مداخل *murd-o-modāxel*
-: حاشیه مورد و مداخل.

میخ کار *mixkār*
وسپله ای که تخته رند را هنگام مثلث سازی، مقنول سازی، پره سازی و شش سازی به آن تکیه می دهند و در مرحله اجرای کار، قطع کردن خاتم و غیره نیز به عنوان تکیه گاه به کار می آید. این وسیله معمولاً قطعه

ن

جا می‌گیرد. به این عمل وارو زدن نیز می‌گویند.

nax نخ

۱- باریکه‌ای از چوب یا استخوان یا فیبر شبه‌عاج.

۲- واحد شمارش مثلث‌ها.

nax-e park نخ پرک

نخی از جنس پنبه و گاه با مقداری الیاف پلی‌استر که در مراحل مختلف

گل پیچی دور میله خاتم پیچیده می‌شود. همچنین به نخ خاتم پیچی.

نخ خاتم پیچی

nax-e xātampiči

نخی که در مرحله اول گل پیچی، پس از چسب زدن و کنار هم گذاشتن

مثلث‌ها، دور گل خاتم می‌پیچند تا اجزای گل را در جا نگه دارند. در

برخی از موارد، پس از این مرحله گل‌ها را قاتمه نیز می‌کنند تا

چسب‌های اضافی از لابه‌لای مثلث‌ها بیرون بیاید و قطعات خاتم کاملاً به

nārenj نارنج

چوبی به رنگ زرد روشن که به صورت رنگ شده و یا به رنگ

طبیعی در خاتم‌سازی کاربرد دارد. مرغوب‌ترین چوب نارنج نوعی

است که از ناحیه فارس به دست می‌آید. امروزه این نوع چوب به علت

بهای زیادش در خاتم‌سازی کمتر به کار می‌رود.

nāvdāni ناودانی

شیار بین دو مثلث یا دو پوزه‌ای که در مرحله تسمه‌کردن خاتم‌های شش

گلی دو طرف میله خاتم نصب می‌شوند. ← تصویر شماره ۱۳.

ناودانی کردن

nāvdani kardan

قرار دادن دو مثلث سه یخ یا دو پوزه در دو طرف میله خاتم به گونه‌ای که بین

آنها شیار شبیه ناودان پدید آید. هنگام تسمه‌کردن خاتم‌های شش

گلی، میله خاتم بعدی درون این شیار

nohtāyi

نه تایی

پژوه‌ای متشکل از نه مثلث ریز که در دو مرحله پیچیده می‌شود: در مرحله نخست شش مثلث را به گونه‌ای کنار هم آرایش می‌دهند که منشوری مسدس القاعده شکل بگیرد و در مرحله بعدی سه مثلث اطراف این منشور جا می‌گیرند. نه تایی یکی از عناصر سازنده نقش خاتم‌های پروارو است، اما در طرح‌های دیگر از قبیل ابری، طاقی و مانند آن نیز کاربرد دارد.

نه تایی سیمی

nohtāyi-ye simi

نه تایی‌ای که بخش اعظم آن از مفتول تشکیل شده باشد.

نیاوردن خاتم

nayāvardan-e xātam

وجود درز یا فاصله بین گل‌های خاتم که ناشی از نامتعادل و ناپسندیده بودن فشار وارد شده به قامه در مرحله تنگ گذاشتن است. همچنین: آوردن خاتم.

یکدیگر جفت و جذب شوند. نخ خاتم پیچی از نخ قاتمه‌کنی نازک‌تر و سست‌تر است.

nax-e qātme

نخ قاتمه

نخی محکم‌تر و ضخیم‌تر از نخ پوک که برای قاتمه کردن و طوره کردن به کار می‌رود. به آن نخ قاتمه‌کنی نیز می‌گویند.

نخ قاتمه‌کنی

nax-e qātmekoni

=: نخ قاتمه.

nax kardan

نخ کردن

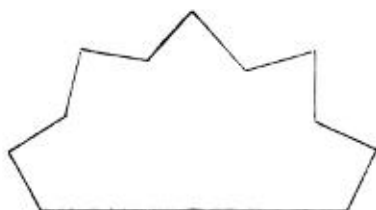
بریدن لای چوب یا استخوان با اره مثلث‌بری یا استخوان‌بری و تبدیل آن به منشورهای باریک مثلث‌القاعده. همچنین: مثلث بریدن.

nošādor

نشادر

نمکی جامد، متبلور و بی‌رنگ و بو که از ترکیب جوهر نمک (اسید کلریدریک) و آمونیاک به دست می‌آید و در خاتم‌سازی برای تثبیت یا افزایش دوام رنگ هنگام رنگ کردن مثلث‌های چوبی و استخوانی به محلول رنگ اضافه می‌شود.

صورت گره چینی کاربرد دارد.



نیم و نیم nim-o-nim

نوعی اتصال که در ساخت قاب، در و مانند آن به کار می‌رود. در این نوع اتصال سر دو قطعه چوبی را که باید به یکدیگر متصل شوند رنده می‌کنند و ضخامتش را به نصف می‌رسانند. به این ترتیب، هنگامی که دو قطعه به هم متصل شوند، ضخامت مجموع آنها در محل اتصال به اندازه ضخامت هر یک از آن دو قطعه خواهد بود. به آن نیمانیم نیز می‌گویند.

نیمه پیچیدن nime pičidan

پیچیدن میله‌ای از خاتم به طول ۳۰ تا ۳۱ سانتیمتر، یعنی به اندازه نصف طول خاتم که ۶۱-۶۳ سانتیمتر است.

نیمه قد nimeqad

میله خاتمی که طول آن نصف طول میله خاتم، یعنی ۳۰-۳۱ سانتیمتر باشد.

نیش niš

هر یک از رأس‌های شش ضلعی یا مثلث.



نیمانیم nim-ā-nim

نیم و نیم.

نیم چارسو nimčārsu

وسيله‌ای فلزی به شکل دوزنقه دارای دو زاویه 90° و دو زاویه 45° که برای خط‌کشی و علامت‌گذاری ورق خاتم، تیرک و مانند آن جهت فارسی کردن آنها به کار می‌رود. به آن گونیا کوچک، گونیای کوچک و گونیای فارسی‌بر نیز می‌گویند.



نیم شمشه nimšamse

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به

و

وارو	vāru	وارو
۱- هریک از مثلث‌هایی که اطراف شش ضلعی مرکزی خاتم قرار می‌گیرند، به ویژه مثلث‌هایی که شش ضلعی را به نه تایی تبدیل می‌کنند.		
۲- مثلثی که فضای بین شش ضلعی‌های خاتم حاشیه را پر می‌کند و به متابه تو گلو در خاتم متن است.		
۳- هر یک از دو مثلثی که در مرحلهٔ تسمه کردن خاتم‌های شش‌گلی طرفین میلهٔ خاتم قرار می‌گیرند.		
وارو زدن	vāru zadan	وارو زدن
۱- قرار دادن سه مثلث اطراف میلهٔ خاتم که دومین مرحلهٔ پیچیدن نه تایی است. به این کار وارو زدن شش و وارو زدن شش ضلعی نیز می‌گویند.		
۲- قرار دادن دو پژه یا دو مثلث سه پسخ روی دو ضلع منشور مسدس القاعده در مرحلهٔ تسمه کردن خاتم‌های شش‌گلی.		
۳- قرار دادن شش مثلث اطراف شش		
اول.		
وارو زدن شش		
varuzadan-e šeš		
۱- وارو زدن (۱).		
وارو زدن شش ضلعی		
vāruzadan-e šešzel'i		
۱- وارو زدن (۱).		
ورق	varaq	ورق
۱- از واحدهای شمارش خاتم. ۱-۴ لنگه.		
۲- ۱-۴ ورق خاتم.		
ورق خاتم		
varaq-e xātam		
لایهٔ باریکی از خاتم، معمولاً به پهنای ۲-۳ میلیمتر، درازای ۲۵-۴۰ سانتیمتر و ضخامت یک میلیمتر. به آن ورق نیز می‌گویند.		

ورق سنباده

varaḡ-e sonbāde

ورقی زبر و ناهموار که برای ساییدن و پرداخت کردن سطح خاتم به کار می‌رود. ورق سنباده از نظر میزان زبری از شماره ۴۰ که زبرترین، تا شماره ۴۰۰ که نرم‌ترین ورق سنباده است، درجه‌بندی شده است. برای پرداخت خاتم پیش از مرحله

رنگ‌کاری از شماره‌های پایین، یعنی از سنباده‌های زبرتر و پس از رنگ‌کاری از شماره‌های بالا، یعنی سنباده‌های نرم‌تر استفاده می‌شود.

varaḡ kardan ورق کردن

برش دادن قامه به طوری که تخته‌هایی به ضخامت ۱-۴ میلیمتر به دست آید.

هزاربیشه

hezārbiše

معروف است.

صندوقی چوبی دارای چندین خانه
یا کشو برای جا دادن اشیای گوناگون.
در قدیم، گاه این گونه صندوق‌ها را با
خاتم تزیین می‌کردند.

هشت چهارلنگه

hašt-e čahārlenge

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به
صورت گره چینی کاربرد دارد.

هسین

hasin

هشت و دوازده

ظرفی سفالین که سابقاً در آن آب
می‌ریختند و استخوان را که در آن
می‌خیساندند. به تغار استخوان نیز

hašt-o-davāzdah

از آلت‌های گره که در اجرای خاتم به
صورت گره چینی کاربرد دارد.

ی

معمولاً برای توصیف لا یا ورقی به کار می‌رود که ضخامت سراسر آن یکسان باشد.

yekhavā یک‌هوا
صاف و هموار، دارای ضخامت یکنواخت. معمولاً برای توصیف مثلی به کار می‌رود که ضخامت آن در سراسر طولش یکسان باشد.

یک هوا کردن

yekhavā kardan

۱- سه: گندگی کردن.

۲- ساییدن مثلی به گونه‌ای که ضخامت سراسر آن یکسان شود.

yekzāye یک‌زایه
لایه‌ای از خاتم به ضخامت یک میلی‌متر.

یک‌زایه کردن

yekzāye kardan

برش دادن دو زایه خاتم به طوری که دو ورق هر یک به ضخامت یک میلی‌متر به دست آید.

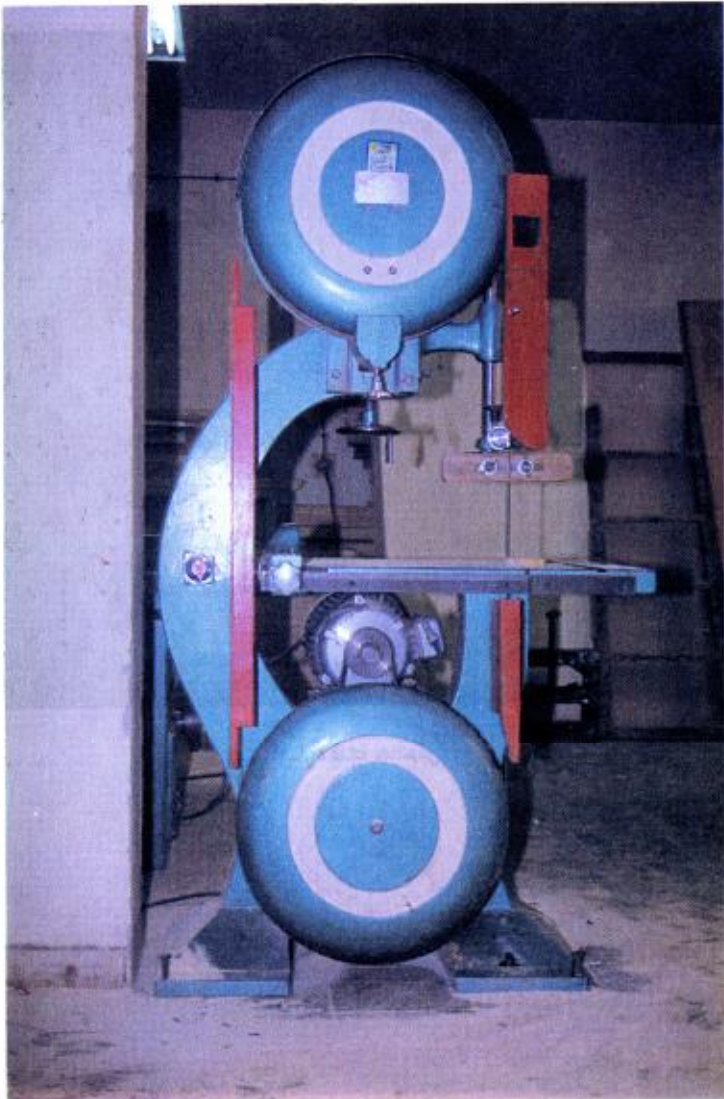
yekqāleb یک قالب
یک اندازه، یک گندگی.

yekgondegi یک گندگی
هموار، دارای ضخامت یکنواخت.

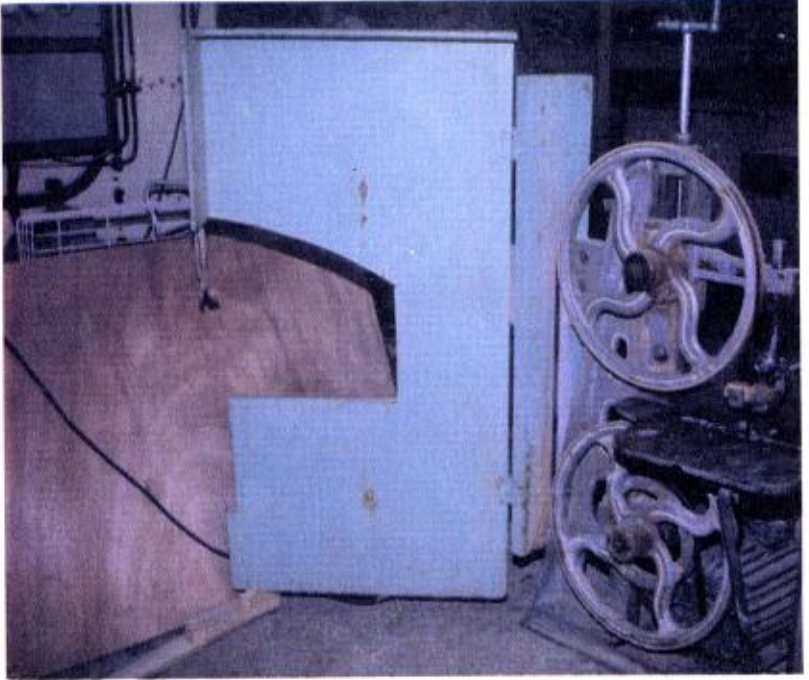
تصاویر

طرح‌ها

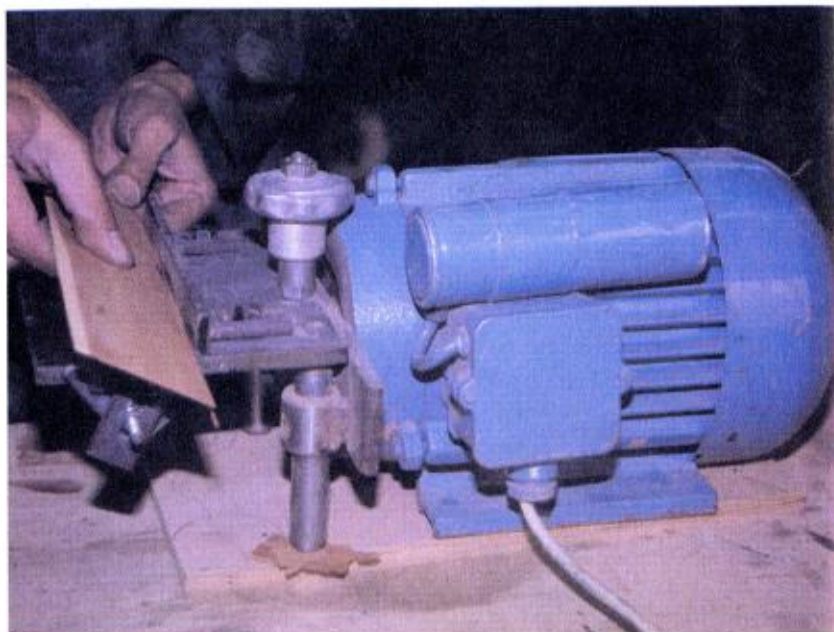
تصاویر



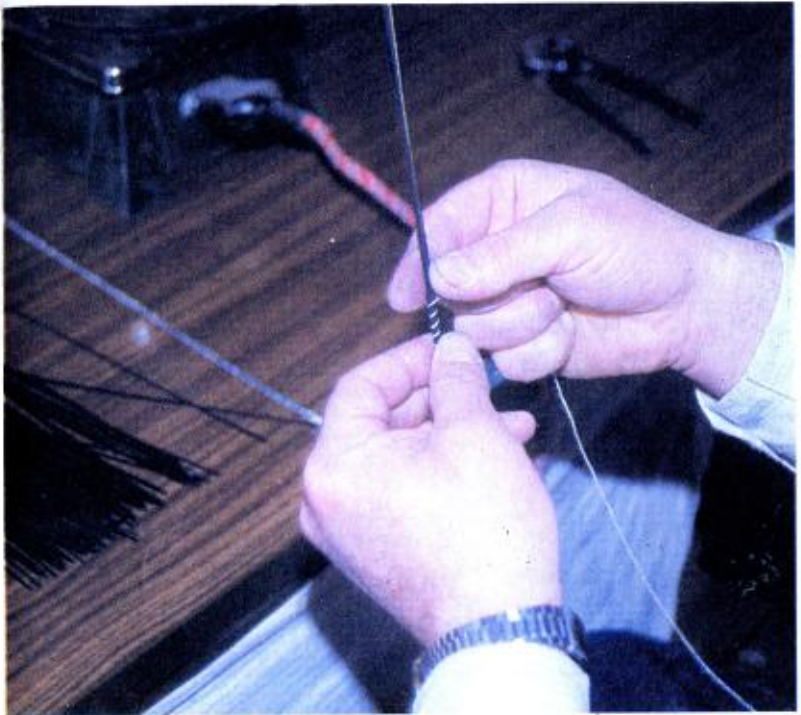
۱-اره فلکه چوببر



٢- اره فلکة خاتمیر



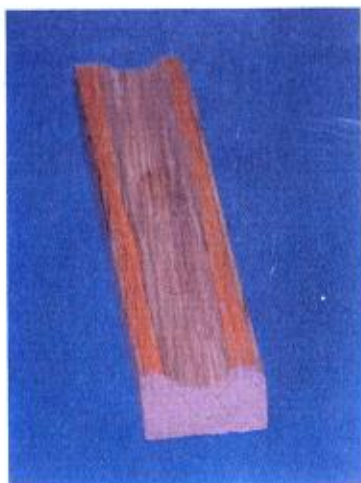
۳- اره مورد در حال منتقلی



۴- پرہ پیچی



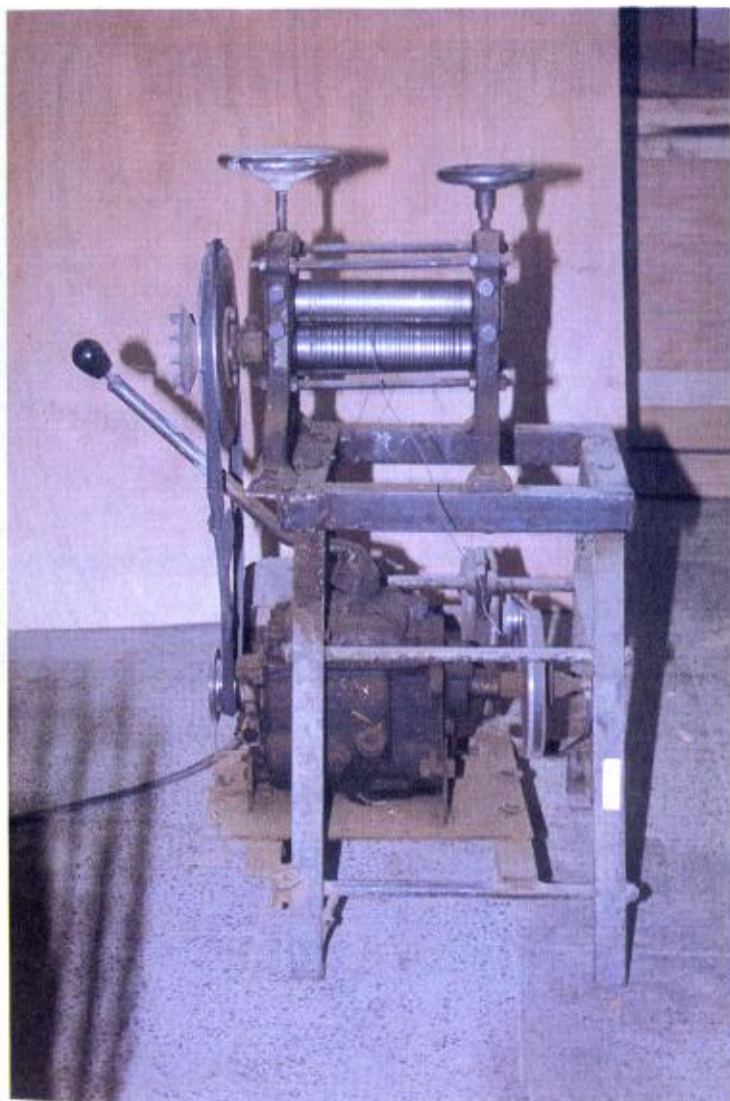
۵- تنگ یا پرس



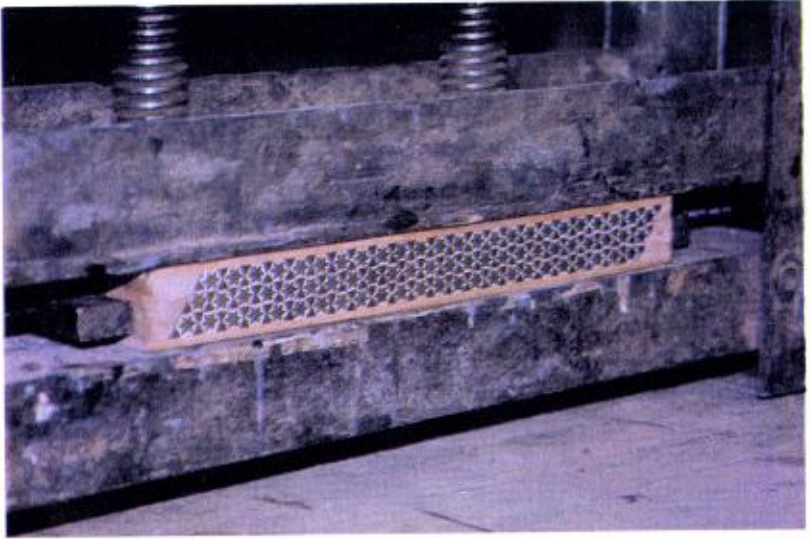
۶- خاتم خردکن



۷- دستگاه گندگی



۸-سیم تاپ یا سیم چرخ کن



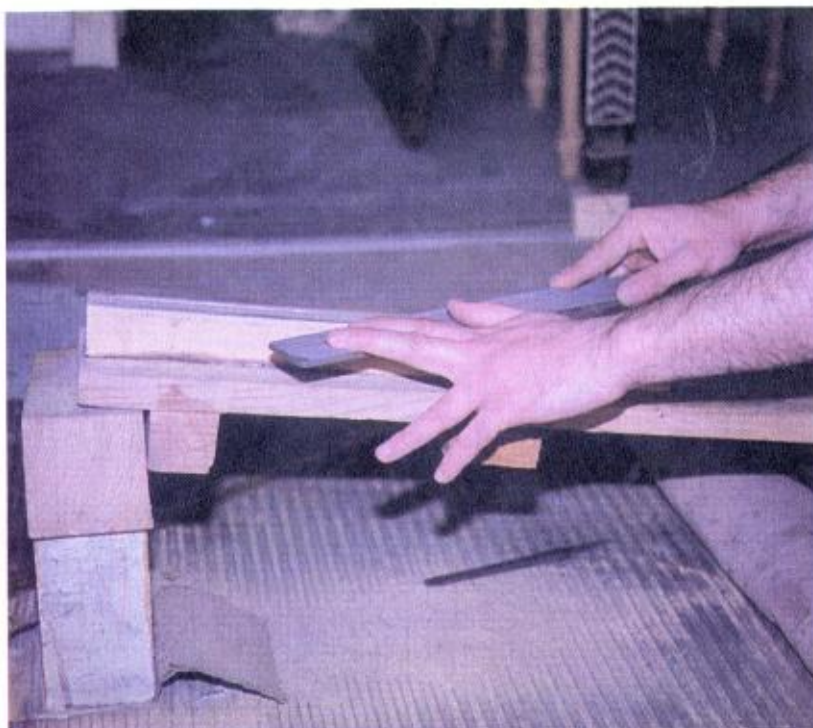
۹- قامه زیر پرس



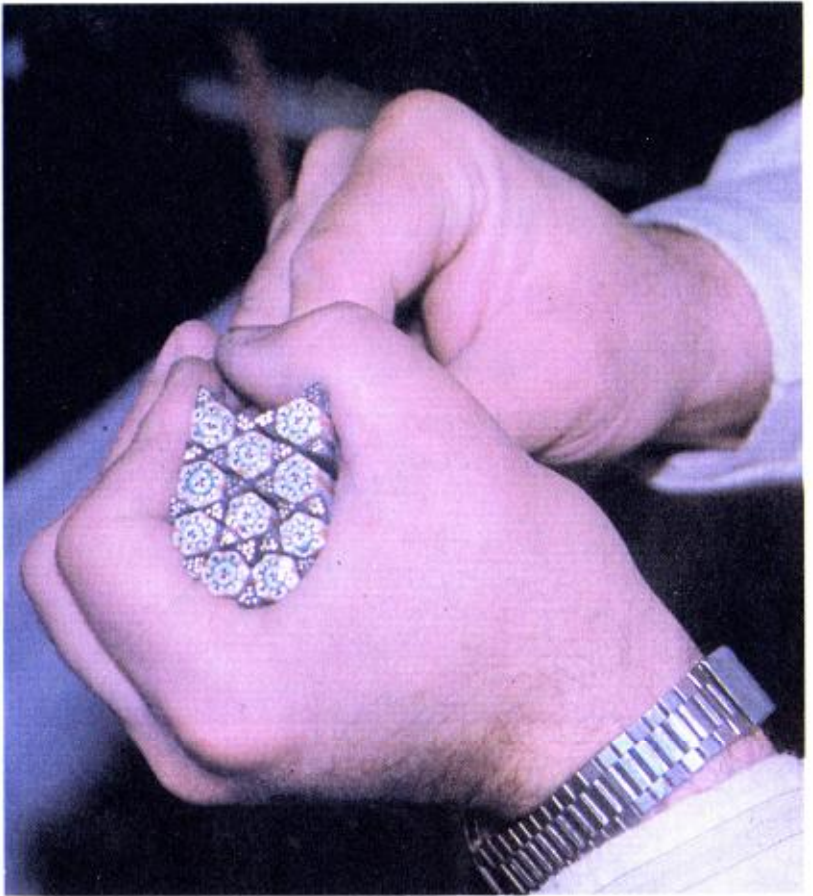
۱۰- گل پیچیدن



۱۱- مثلث سابی



۱۲- میخ کار و تخته رندسیم سابی

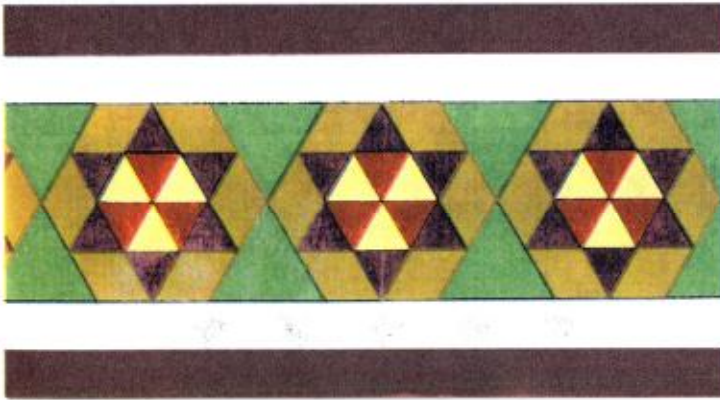


۱۳- ناودانی

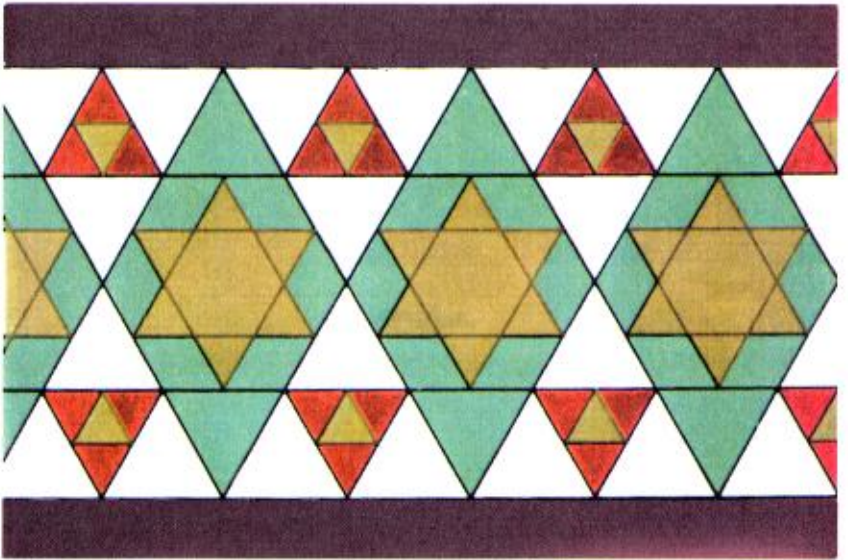
طرح‌ها



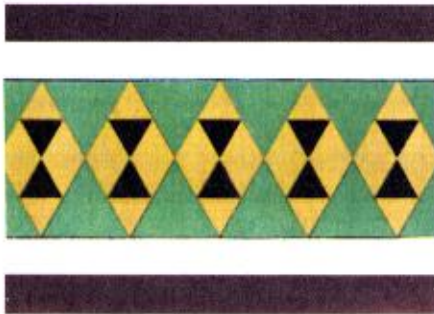
۱- حاشیه جو



۲- حاشیه جوسیمی



۳- حاشیه لوزی شمس‌دار



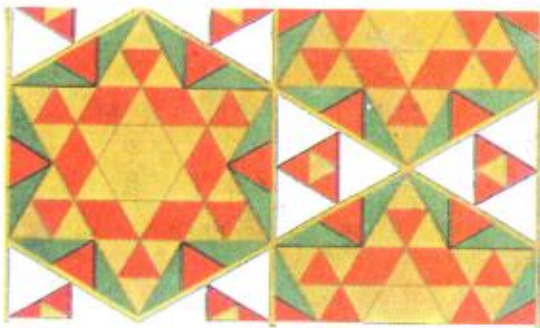
۴- حاشیه نیم‌طره



شخاتم ابری



شخاتم پرواروی شمسه دار



۷- خاتم زنجیر سیمی شمسه دار



۸- خاتم طاقی



۹- خاتم طاقی بیست

A Glossary of Technical Terms
of Inlaid (Khātam)

by
Nasrīn Tabātabā'ī

with the assistance of Shīrīn 'Abbāsī
and Mohammad Hādī Golrīze Khātamī



Institute for Humanities
and
Cultural Studies

Tehrān 2003

**A Glossary of
Technical Terms of
Inlaid (Khātam)**

by

Nasrīn Tabātabā'ī

Tehrān, 2003

۱۳۰۰ تومان

شابک ۹۶۴-۴۲۶-۱۹۲-۵
ISBN 964. 426. 192. 5